



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیزان
علیهم الصلوات
والتحیات

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



سنا سہ مشیر شاہراہ



سنا سہ مشیر شاہراہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه پیش گیری از جرم (درسنامه تدبیرهای اسلامی)

نویسنده:

محمد خردمند

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	درسنامه پیش گیری از جرم (درسنامه تدبیرهای اسلامی)
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست مطالب
۲۹	پیشگفتار
۳۲	مقدمه مؤلف
۳۴	درس اول: اسلام عامل پیشگیری از جرم
۳۴	اشاره
۳۶	تعریف جرم
۳۷	تنوع جرم ها و تنوع عوامل پیشگیری از آن
۳۸	ایمان و عمل به قوانین اسلام؛ راه پیشگیری از جرم
۳۹	یاد خدا و یاد معاد؛ عامل اصلی پیشگیری از هر نوع جرم
۴۳	زشتی فکر ارتکاب جرم
۴۴	نقش رهبری شایسته در پیشگیری از وقوع جرم
۴۵	اهمیت اجرای حدود الهی
۴۷	عوامل پیشگیری از وقوع جرم
۴۸	پرسش و پژوهش (درس اول)
۵۰	منابع برای مطالعه بیشتر
۵۲	درس دوم: یاد خدا
۵۲	اشاره
۵۴	اهمیت یاد خدا
۵۶	مصادیق یاد خدا
۵۷	انواع یاد خدا

۵۹	حقیقت ذکر
۶۰	مراتب داشتن ذکر
۶۳	ضرورت توجه به کمیّت و کیفیت ذکر
۶۶	نقش یاد خدا در پیشگیری از جرم
۶۷	موانع یاد خدا
۶۷	اشاره
۷۰	فعالیت های بیداری بخش
۷۱	نماز
۷۳	قرائت قرآن
۷۳	دعا و زیارت
۷۴	راه های عملی توسعه و تقویت یاد خدا
۷۶	پرسش و پژوهش (درس دوم)
۷۷	منابع برای مطالعه بیشتر
۷۸	درس سوم : یاد معاد
۷۸	اشاره
۸۰	اهمیت یاد معاد
۸۰	اشاره
۸۳	انواع یاد معاد
۸۳	مصادیق یاد معاد
۸۶	راه های عملی تقویت یاد معاد
۸۶	انس با خورشید جاوید
۸۸	آشنایی با أسرار نماز
۸۹	حج و زیارت بیت الله
۹۱	زیارت مشاهد مشرفه معصومین:
۹۳	زیارت گلزار شهیدان
۹۶	مجالس نورانی

- ۹۷ ----- مطالعه وصیت نامه و زندگی نامه شهیدا -----
- ۹۸ ----- مطالعه تاریخ -----
- ۱۰۲ ----- پرسش و پژوهش (درس سوم) -----
- ۱۰۴ ----- منابع برای مطالعه بیشتر -----
- ۱۰۶ ----- درس چهارم : ارزش و اهمیت کار و اشتغال -----
- ۱۰۶ ----- اشاره -----
- ۱۰۸ ----- ارزش و اهمیت کار و اشتغال -----
- ۱۰۹ ----- بوسه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دستان کارگر -----
- ۱۱۳ ----- آثار کار و اشتغال -----
- ۱۱۳ ----- یک - محبوبیت در نزد خدا -----
- ۱۱۴ ----- دو - محبوبیت در نزد مردم -----
- ۱۱۴ ----- سه - جلوگیری از گناه -----
- ۱۱۷ ----- تفاوت بیکاری و تنبلی -----
- ۱۱۸ ----- گستردگی دامنه کارهای مفید -----
- ۱۱۹ ----- کار و مسئله بیمه بازنشستگی -----
- ۱۲۰ ----- کار انسانی و عبادت الهی -----
- ۱۲۱ ----- نقش کار و اشتغال در پیشگیری از جرم -----
- ۱۲۱ ----- راه های عملی ترویج فرهنگ کار -----
- ۱۲۳ ----- پرسش و پژوهش (درس چهارم) -----
- ۱۲۵ ----- منابع برای مطالعه بیشتر -----
- ۱۲۸ ----- درس پنجم : محبت و مدارا -----
- ۱۲۸ ----- اشاره -----
- ۱۳۰ ----- تعریف محبت و مدارا -----
- ۱۳۰ ----- اشاره -----
- ۱۳۰ ----- جایگاه محبت و مدارا -----
- ۱۳۱ ----- افراط و تفریط در محبت -----

- ۱۳۳ نقش "اعتدال در محبت" در پیشگیری از جرم
- ۱۳۴ راه های عملی ترویج فرهنگ محبت و مدارا
- ۱۳۴ محبت به خدا
- ۱۳۵ محبت به دوستان خدا
- ۱۳۸ همنشینی با عادلان
- ۱۳۹ پرسش و پژوهش (درس پنجم)
- ۱۴۱ منابع برای مطالعه بیشتر
- ۱۴۳ درس ششم: ادای واجبات مالی و ترویج مستحبات
- ۱۴۳ اشاره
- ۱۴۶ ادای واجبات مالی و ترویج مستحبات
- ۱۴۶ اشاره
- ۱۴۹ تعریف واجبات و مستحبات مالی
- ۱۵۱ اهمیت و ارزش ادای واجبات و مستحبات مالی
- ۱۵۴ برتری قرض الحسنه بر صدقه
- ۱۵۵ حب مال؛ مانع تکامل معنوی
- ۱۶۱ نقش ادای واجبات و مستحبات مالی در پیشگیری از جرم
- ۱۶۱ اشاره
- ۱۶۲ انسان اقتصادی مطلوب اسلام
- ۱۶۳ راه های عملی ترویج واجبات و مستحبات مالی
- ۱۶۵ پرسش و پژوهش (درس ششم)
- ۱۶۶ منابع برای مطالعه بیشتر
- ۱۶۸ درس هفتم : عدالت حاکمان
- ۱۶۸ اشاره
- ۱۷۰ عدالت حاکمان
- ۱۷۰ اشاره
- ۱۷۱ تعریف عدالت

۱۷۲	اهمیت عدالت
۱۷۳	انواع عدالت
۱۷۳	اشاره
۱۷۳	الف. عدالت فردی
۱۷۳	ب. عدالت اجتماعی
۱۷۴	مقصود از حاکمان
۱۷۴	اهمیت عدالت حاکمان
۱۷۷	نقش روحانیت در عدالت حاکمان
۱۸۱	نقش عدالت حاکمان در پیشگیری از جرم
۱۸۱	اشاره
۱۸۳	راه های عملی تقویت عدالت حاکمان
۱۸۳	اشاره
۱۸۳	کنترل درونی
۱۸۴	کنترل بیرونی
۱۸۶	پرسش و پژوهش (درس هفتم)
۱۸۸	منابع برای مطالعه بیشتر
۱۸۹	درس هشتم : سنت حسنه ازدواج
۱۸۹	اشاره
۱۹۲	سنت حسنه ازدواج
۱۹۲	اشاره
۱۹۵	اهمیت و ارزش ازدواج
۱۹۷	شرایط ازدواج
۱۹۷	رشد
۱۹۹	سن ازدواج
۱۹۹	اجازه پدر
۲۰۰	نوبت ازدواج

- ۲۰۲ مهریه
- ۲۰۳ شرط رضایت زوجین
- ۲۰۴ آداب ازدواج
- ۲۰۴ مراسم عقد و عروسی
- ۲۰۴ نقش سنت حسنه ازدواج در پیشگیری از جرم
- ۲۰۶ راهکار عملی و اجرایی
- ۲۰۸ پرسش و پژوهش (درس هشتم)
- ۲۰۹ منابع برای مطالعه بیشتر
- ۲۱۰ درس نهم : دوستی و معاشرت با صالحان
- ۲۱۰ اشاره
- ۲۱۴ معنای صالح
- ۲۱۸ درجات صالحان
- ۲۱۸ اشاره
- ۲۲۰ نقش دوستی و معاشرت با صالحان در پیشگیری از جرم
- ۲۲۴ راه های عملی ترویج و تقویت دوستی و معاشرت با صالحان
- ۲۲۵ پرسش و پژوهش (درس نهم)
- ۲۲۷ منابع برای مطالعه بیشتر
- ۲۲۸ درس دهم : فریضه طلب علم
- ۲۲۸ اشاره
- ۲۳۰ فریضه طلب علم
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۳ انواع علوم
- ۲۳۴ علوم مفید
- ۲۳۵ حکم تحصیل علوم مفید
- ۲۳۵ واجب عینی
- ۲۳۶ واجب کفایی

- علوم مضر ----- ۲۳۶
- حکم تحصیل علوم مضر ----- ۲۴۵
- نقش علم در پیش گیری از جرم ----- ۲۴۵
- راه های عملی ترویج فریضه علم آموزی ----- ۲۴۷
- پرسش و پژوهش (درس دهم) ----- ۲۴۸
- منابع برای مطالعه بیشتر ----- ۲۴۹
- درس یازدهم : حجاب و عفاف ----- ۲۵۱
- اشاره ----- ۲۵۱
- حجاب و عفاف ----- ۲۵۳
- حدود و تعریف حجاب و عفاف ----- ۲۵۵
- اشاره ----- ۲۵۵
- محرم کیست؟ نامحرم کیست؟ ----- ۲۵۷
- فلسفه حجاب ----- ۲۵۹
- اشاره ----- ۲۵۹
۱. آرامش روانی ----- ۲۵۹
۲. استحکام پیوند خانوادگی ----- ۲۶۱
۳. استواری اجتماع ----- ۲۶۱
۴. ارزش و احترام زن ----- ۲۶۲
- عفاف و امنیت اخلاقی ----- ۲۶۴
- نقش حجاب و عفاف در پیش گیری از جرم ----- ۲۶۵
- راه های عملی تقویت فرهنگ حجاب و عفاف ----- ۲۶۶
- پرسش و پژوهش (درس یازدهم) ----- ۲۶۸
- منابع برای مطالعه بیشتر ----- ۲۶۹
- درس دوازدهم : مسئولیت رسانه ها در پیش گیری از جرم ----- ۲۷۱
- اشاره ----- ۲۷۱
- مسئولیت رسانه ها در پیشگیری از جرم ----- ۲۷۳

۲۷۳	اشاره
۲۷۶	نتیجه گیری نهایی
۲۷۹	پرسش و پژوهش (درس دوازدهم)
۲۸۱	منابع برای مطالعه بیشتر
۲۸۳	منابع پژوهش
۲۸۷	نرم افزارها
۲۸۹	درباره مرکز

درسنامه پیش‌گیری از جرم (درسنامه تدبیرهای اسلامی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: خردمند، محمد، ۱۳۳۲ -

عنوان و نام پدیدآور: درسنامه پیش‌گیری از جرم: (درسنامه تدبیرهای اسلامی)/محمد خردمند؛ به سفارش ستاد مردمی پیش‌گیری و حفاظت اجتماعی.

مشخصات نشر: قم: نورالسجاد، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۵۵ص.

شابک: ۲۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۲۰-۴۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۵۱] - ۲۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: جرم‌شناسی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: اسلام -- مسائل متفرقه

شناسه افزوده: ایران. قوه قضائیه. ستاد مردمی پیش‌گیری و حفاظت اجتماعی

رده بندی کنگره: BP۱۹۵/خ۴د۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۶۰۵۷۹

به سفارش: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف .. ۱۵

درس اول: اسلام عامل پیشگیری از جرم

تعریف جرم .. ۱۹

تنوع جرم ها و تنوع عوامل پیشگیری از آن .. ۲۰

ایمان و عمل به قوانین اسلام؛ راه پیشگیری از جرم .. ۲۱

یاد خدا و یاد معاد؛ عامل اصلی پیشگیری از هر نوع جرم ۲۲

زشتی فکر ارتکاب جرم .. ۲۶

نقش رهبری شایسته در پیشگیری از وقوع جرم .. ۲۷

اهمیت اجرای حدود الهی .. ۲۸

عوامل پیشگیری از وقوع جرم .. ۳۰

پرسش و پژوهش (درس اول) .. ۳۱

درس دوم: یاد معاد

منابع برای مطالعه بیشتر .. ۳۲

اهمیت یاد خدا .. ۳۵

مصادیق یاد خدا .. ۳۷

ص: ۵

انواع یاد خدا.. ۳۸

حقیقت ذکر.. ۴۰

مراتب داشتن ذکر.. ۴۱

ضرورت توجه به کمیّت و کیفیت ذکر.. ۴۴

نقش یاد خدا در پیشگیری از جرم.. ۴۷

موانع یاد خدا.. ۴۸

فعالیت های بیداری بخش.. ۵۱

نماز.. ۵۲

قرائت قرآن.. ۵۴

دعا و زیارت.. ۵۴

راه های عملی توسعه و تقویت یاد خدا.. ۵۵

پرسش و پژوهش (درس دوم).. ۵۷

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۵۸

درس سوم: یاد معاد

اهمیت یاد معاد.. ۶۱

انواع یاد معاد.. ۶۴

مصادیق یاد معاد.. ۶۴

راه های عملی تقویت یاد معاد.. ۶۷

اُنس با خورشید جاوید.. ۶۷

آشنایی با اَسرار نماز.. ۶۹

حج و زیارت بیت الله .. ٧٠

زیارت مشاهد مشرفه معصومین (علیهم السلام) .. ٧٢

زیارت گلزار شهیدان .. ٧٤

ص: ٦

مجالس نورانی.. ۷۷

مطالعه وصیت نامه و زندگی نامه شهدا.. ۷۸

مطالعه تاریخ.. ۷۹

پرسش و پژوهش (درس سوم).. ۸۳

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۸۴

درس چهارم: ارزش و اهمیت کار و اشتغال

ارزش و اهمیت کار و اشتغال.. ۸۷

بوسه پیامبر(صلی الله علیه و آله) بر دستان کارگر.. ۸۸

آثار کار و اشتغال.. ۹۲

تفاوت بیکاری و تنبلی.. ۹۶

گسترده‌گی دامنه کارهای مفید.. ۹۷

کار و مسئله بیمه بازنشستگی.. ۹۸

کار انسانی و عبادت الهی.. ۹۹

نقش کار و اشتغال در پیشگیری از جرم.. ۱۰۰

راه های عملی ترویج فرهنگ کار.. ۱۰۰

پرسش و پژوهش (درس چهارم).. ۱۰۲

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۱۰۳

درس پنجم: محبت و مدارا

تعریف محبت و مدارا.. ۱۰۷

جایگاه محبت و مدارا.. ۱۰۷

افراط و تفریط در محبت.. ۱۰۸

نقش "اعتدال در محبت" در پیشگیری از جرم.. ۱۱۰

ص: ۷

راه های عملی ترویج فرهنگ محبت و مدارا.. ۱۱۱

محبت به خدا.. ۱۱۱

محبت به دوستان خدا.. ۱۱۲

همنشینی با عادلان.. ۱۱۵

پرسش و پژوهش (درس پنجم).. ۱۱۶

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۱۱۷

درس ششم: ادای واجبات مالی و ترویج مستحبات

ادای واجبات مالی و ترویج مستحبات.. ۱۲۱

تعریف واجبات و مستحبات مالی.. ۱۲۴

اهمیت و ارزش ادای واجبات و مستحبات مالی.. ۱۲۶

برتری قرض الحسنه بر صدقه.. ۱۲۹

حب مال؛ مانع تکامل معنوی.. ۱۳۰

نقش ادای واجبات و مستحبات مالی در پیشگیری از جرم ۱۳۶

انسان اقتصادی مطلوب اسلام.. ۱۳۷

راه های عملی ترویج واجبات و مستحبات مالی.. ۱۳۸

پرسش و پژوهش (درس ششم).. ۱۴۰

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۱۴۱

درس هفتم: عدالت حاکمان

عدالت حاکمان.. ۱۴۵

تعریف عدالت.. ۱۴۶

اهمّيت عدالت.. ١٤٧

انواع عدالت.. ١٤٨

ص: ٨

مقصود از حاکمان.. ۱۴۹

اهمیت عدالت حاکمان.. ۱۴۹

نقش روحانیت در عدالت حاکمان.. ۱۵۲

نقش عدالت حاکمان در پیشگیری از جرم.. ۱۵۶

راه های عملی تقویت عدالت حاکمان.. ۱۵۸

پرسش و پژوهش (درس هفتم).. ۱۶۱

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۱۶۲

درس هشتم: سنت حسنه ازدواج

سنت حسنه ازدواج.. ۱۶۵

اهمیت و ارزش ازدواج.. ۱۶۸

شرایط ازدواج.. ۱۷۰

رشد.. ۱۷۰

سن ازدواج.. ۱۷۲

اجازه پدر.. ۱۷۲

نوبت ازدواج.. ۱۷۳

مهریه.. ۱۷۵

شرط رضایت زوجین.. ۱۷۶

آداب ازدواج.. ۱۷۷

مراسم عقد و عروسی.. ۱۷۷

نقش سنت حسنه ازدواج در پیشگیری از جرم.. ۱۷۷

راه های عملی ترویج و تقویت سنت حسنه ازدواج.. ۱۷۸

راهکار عملی و اجرایی.. ۱۷۹

پرسش و پژوهش (درس هشتم).. ۱۸۱

ص: ۹

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۱۸۲

درس نهم: دوستی و معاشرت با صالحان

معنای صالح.. ۱۸۵

درجات صالحان.. ۱۸۹

نقش دوستی و معاشرت با صالحان در پیشگیری از جرم ۱۹۱

راه های عملی ترویج و تقویت دوستی و معاشرت با صالحان ۱۹۵

پرسش و پژوهش (درس نهم).. ۱۹۷

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۱۹۸

درس دهم: فریضه طلب علم

فریضه طلب علم.. ۲۰۱

انواع علوم.. ۲۰۴

علوم مفید.. ۲۰۵

حکم تحصیل علوم مفید.. ۲۰۶

واجب عینی.. ۲۰۶

واجب کفایی.. ۲۰۷

علوم مضر.. ۲۰۷

حکم تحصیل علوم مضر.. ۲۱۵

نقش علم در پیش گیری از جرم.. ۲۱۵

راه های عملی ترویج فریضه علم آموزی.. ۲۱۷

پرسش و پژوهش (درس دهم).. ۲۱۸

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۲۱۹

ص: ۱۰

درس یازدهم: حجاب و عفاف

حجاب و عفاف.. ۲۲۱

حجاب و عفاف.. ۲۲۳

حدود و تعریف حجاب و عفاف.. ۲۲۵

محرم کیست؟ نامحرم کیست؟.. ۲۲۷

فلسفه حجاب.. ۲۲۹

عفاف و امتیث اخلاقی.. ۲۳۴

نقش حجاب و عفاف در پیش گیری از جرم.. ۲۳۵

راه های عملی تقویت فرهنگ حجاب و عفاف.. ۲۳۶

پرسش و پژوهش (درس یازدهم).. ۲۳۸

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۲۳۹

درس دوازدهم مسئولیت رسانه ها در پیشگیری از جرم

مسئولیت رسانه ها در پیشگیری از جرم.. ۲۴۳

نتیجه گیری نهایی.. ۲۴۶

پرسش و پژوهش (درس دوازدهم).. ۲۴۹

منابع برای مطالعه بیشتر.. ۲۵۰

نرم افزارها.. ۲۵۵

ص: ۱۱

حفاظت از محیط زیست و سلامت فضای زندگی ابعاد مختلفی دارد؛ گاهی عبور و مرور وسائل نقلیه و فعالیت کارگاه های پر سر و صدا، موجب آلودگی صوتی می شود، گاهی نگهداری و پخش زباله ها در فضای زندگی سبب انواع بیماری و ایدای همسایگان می گردد.

پاسداری از پاکی محیط زندگی و سلامت فضای عمومی، یک وظیفه و خواست عموم خردمندان جهان است، اما آلودگی ها، فقط گرد و غبار و تولید دود و پخش مواد نفتی در رودخانه و دریا و ریختن زباله های متعفن و فاضلاب در کوچه و خیابان نیست.

تولید، تکثیر، پخش و نشر و نمایش مواد آلوده از دیدگاه عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی که ایمان، اخلاق، اتحاد، عدالت و استقلال جامعه را در معرض خطر قرار دهد، صدها بار بیش تر از دود و گرد و غبار برای جامعه مشکل ایجاد می کند. جرم و گناه وقتی در منظر و مرئی و در فضای مشترک و عمومی انجام گیرد، محیط اخلاقی و ایمانی جامعه را آلوده می کند. پیشگیری از گناه، به ویژه گناهان مشهودی که جرم و بزه و جنایت و خلاف شناخته می شود، وظیفه ای

اجتماعی است که بر عهده افراد جامعه و دولت و ملت مسلمان و هر اندیشمند دلسوز سعادت و سلامت جامعه بشری است.

چند سالی است که با همین هدف مقدس ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی در قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. این ستاد می کوشد که با یاری امت از تولید و تکثیر و پیدایش و افزایش جرم های گوناگون پیش گیری کند. هسته های مردمی حفاظت اجتماعی و ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیروهای مخلص بسیج و سپاه و نیروی انتظامی و همه فرزندان مساجد در هر کجای کشور با هدایت و نظارت عالمان دین می کوشند که فضای زندگی عمومی را از هر گونه آلودگی به ویروس جرم و گناه پاک نگه دارند و از بروز جرایم عقیدتی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و رسانه ای جلوگیری کنند. شناخت زمینه های جرم، انگیزه های مجرمان، انواع جرم و علل و عوامل پیدایش و گسترش آن یک وظیفه اجتماعی است که بدون آن پاسداری از امتیث اخلاقی و ایمانی جامعه، امکان پذیر نیست.

یکی از برنامه های این ستاد که با همکاری گروهی از محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه تحقق یافت، تدوین کتاب های عمیق و کاربردی در زمینه مباحث پیش گیری از جرم است. این ستاد تاکنون بیش از ده اثر علمی - پژوهشی و بعضاً آموزشی در راستای هدف پیش گیری از جرم فراهم آورده است. کتاب حاضر، که به قلم برادر گرامی آقای محمد خردمند تألیف شده، تلاشی علمی و آموزشی است، که امید است هم چون دیگر خدمات برادران و خواهران مؤمن

و فداکار در زمینه ی پیش گیری از جرم مقبول آستان قدس ربوبی قرار گیرد و یاران همراه در اقامه این وظیفه اجتماعی از الطاف حضرت حق جلّ و علا بهره مند شوند.

در پایان از حمایت های ریاست محترم قوه قضائیه و همکاران ستاد مردمی و برادر گرامی حجت الاسلام محمود مهدی پور، به دلیل هدایت و نظارت بر تحقیق و تولید این

مجموعه و از ناشر محترم، جناب آقای جلالوند سپاسگزاری می شود.

والسلام

دبیر ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی کشور

سید احمد زرگر / اسفند ۱۳۸۷

ص: ۱۴

همان طور که سلامت و امنیت جسمی انسان ها مهم است؛ سلامت و امنیت روانی مردم نیز ارزشمند و ضروری و بلکه مهمتر است و بدون آن زندگی تلخ و طاقت فرسا می شود. اگر می خواهیم که جرم و جنایت در جامعه، روز به روز کم و کمتر شود و باور داریم که "پیشگیری بهتر از درمان است." پس قبل از وقوع جرم، باید آینده نگری و تدبیر کنیم. البته شکی ندارد که برنامه ریزی ها و تدبیرهای دین مبین اسلام برای این مهم، کافی و کامل است ولی ما مسئولیت داریم که آن را خوب بشناسیم تا بتوانیم بدرستی اقدام و اجرا کنیم و به مقصود برسیم.

در این اثر کوشش شده تا اسلام از نظر پیشگیری از جرم مورد بازشناسی قرار گیرد و نقش احکام و آداب و سنن دینی در این موضوع و راه های عملی تقویت تدبیرهای اسلامی آشکارتر شود. مطالب در قالب چند درس تحلیلی و انتقادی و در پایان هر درس، چند پرسش و منابعی مفید برای مطالعه و پژوهش بیشتر آمده است. مباحث به صورت مستدل و مستند ذکر شد و در جهت رعایت اختصار و انصاف و اعتدال سعی بلیغی صورت گرفت.

از سرور بزرگوار و گرامی و استاد عالیقدر حضرت حجّت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور - دامت برکاته - متشکرم که با مدیریت و هدایت و حمایت علمی خود، نقش مهمّی در آفرینش این اثر ایفا کرد و مرا ممنون لطف خویش ساخت. بی تردید اگر نکته دقیق و یا تحلیل سنجیده ای در نوشتار حاضر وجود داشته باشد؛ مرهون تدبیر و مرحمت آن بزرگوار است. توفیق بیشتر ایشان را در خدمت به علم و دین از خدای علیم و دّیان خواستارم.

درس اول : اسلام عامل پیشگیری از جرم

اشاره

ص: ۱۷

هر چند امروزه، "جرم" اصطلاح شناخته شده ای است که در حقوق و بویژه حقوق جزا و جرم شناسی، کاربرد فراوانی دارد؛ ولی در این پژوهش مقصودمان محدود و مقید به آن کاربرد نیست و معنای ویژه ای در نظر داریم پس مناسب و بلکه لازم است که منظور خود را از این اصطلاح به صورت روشن بیان کنیم تا از هر گونه سوء تفاهم و اشتباهی جلوگیری شود.

جرم در اصطلاح حقوقی و جرم شناسی، بیشتر ناظر به ناهنجاری های اجتماعی است.

ولی در فرهنگ اسلامی، جرم به عمل و رفتار ناپسندی گفته می شود که خدای حکیم آن را ممنوع کرده است و اگر کسی مرتکب آن شود در آخرت، گرفتار عقاب می گردد و در دنیا نیز در برخی موارد مجازات دارد و باید جریمه پردازد. پس مجرم فقط آن کسی است که گناهی را مرتکب شود و کسی که از نظر شرعی آلوده به هیچ گناهی نشده باشد؛ مجرم نیست و حکم برائت برای او صادر می شود. گناه از آن نظر که مخالفت با فرمان خدای حکیم است ذاتاً و اصالتاً ناپسند و جرم است (۱) و هیچ چیز دیگری جرم نیست مگر بالتبع؛

ص: ۱۹

۱- مثلاً در دعای کمیل آمده است که " ... إِلَهِي وَ سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِبَتَهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ وَ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ ... " هر چند تعبیرهای جرم و ذنب، مصادیق یکسانی دارد ولی برای تأکید تکرار شده است و البته هر واژه نکته خاصی هم دارد مثلاً هر گناهی از آن نظر که جریمه ای در پی دارد که باید پرداخت؛ جرم و از آن نظر که دنباله دارد - یعنی اثر وضعی و تکوینی و مجازات اخروی دارد. -؛ ذنب نامیده می شود.

یعنی هر گناهی جرم است و هیچ عمل دیگری جرم نیست مگر آن که مستلزم ارتکاب گناه باشد. مثلاً رانندگی یا تحصیل علم در حوزه و دانشگاه برای همگان (زن و مرد)، آزاد است و جرم نیست و مباح و گاهی واجب است مگر آنکه مستلزم گناه باشد که در این صورت حرام می شود و جرم است. و به این ترتیب موافقت یا مخالفت با قانون الهی، معیار اصلی برای تشخیص جرم است و معیارهای

دیگر مانند نظر اکثریت یا رأی روشنفکران و مجامع بین المللی در این موارد هیچ اعتباری ندارد. پس فعالیت ها و معصیت هایی مانند ربا و شرابخواری و بی حجابی زنان در برابر نامحرمان و ... همیشه گناه و جرم است و با رأی اکثریت روشنفکران و یا تصویب همه اعضای سازمان ملل متحد نیز حلال و مجاز نمی شود. از سوی دیگر اعمالی مانند رعایت حجاب و پوشش اسلامی برای زنان به هیچ وجه جرم نیست و بلکه ارزش و عبادت است و قانونگذاری های بشری در این موارد ارزش و اعتباری ندارد و نمی تواند تغییری ایجاد کند. نتیجه: جرم = گناه

تنوع جرم ها و تنوع عوامل پیشگیری از آن

روشن است که همه جرم ها یکسان نیستند و جرم انواعی دارد. می توان جرم را به چند قسم تقسیم کرد:

جرم اخلاقی و اجتماعی: مثلاً غیبت، دروغ، تهمت، نگاه به نامحرم، بی احترامی به والدین، عمل نکردن به وعده و ...

ص: ۲۰

جرم سیاسی: مثلاً ظلم و ستمگری حاکمان و مسئولان، کوتاهی و سستی مردم در اطاعت از رهبران و حاکمان عادل و شایسته، سپردن مقام های سیاسی به افراد ناشایسته و عزل شایستگان، فریب و تقلب در انتخابات و شمارش و اعلام آرای مردم و ...

جرم اقتصادی: مثلاً- پرداختن خمس و زکات و کفاره واجب، دزدی، غصب اموال دیگران، اختلاس از بیت المال، اسراف و تبذیر اموال شخصی و عمومی، احتکار و انحصار تولید و توزیع و ...

جرم فرهنگی: تبلیغ و ترویج آموزه های ضد اسلامی و تشکیک در آموزه های اصیل اسلامی، تحریف دین و بدعتگذاری، اهانت به مقدسات اسلامی و پیامبران آسمانی و تحقیر مسلمانان و تضعیف روحیه آنان، تعطیل کردن مساجد و حسینیه ها و مدارس علوم اسلامی، ممانعت از مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، جلوگیری از نشر کتاب ها و مجله های علمی و اسلامی و ...

نکته گفتنی این است که برخی از جرم ها دو یا چند وجهی است یعنی به عنوان مثال از جهتی سیاسی است و از نظری دیگر اخلاقی و یا ... مثلاً، پرداختن خمس و زکات و کفاره واجب، از آن نظر که سبب اختلال در وضعیت اقتصادی جامعه اسلامی می شود؛ جرم اقتصادی است و از آن نظر که وظائف واجب شرعی ترک می شود و باعث رواج فساد و گناه می گردد، جرم اخلاقی و فرهنگی است. و...

ایمان و عمل به قوانین اسلام؛ راه پیشگیری از جرم

دین اسلام که از سوی خدای حکیم آمده، برای رشد و سعادت و تأمین امنیت و سلامت مادی و معنوی افراد و جوامع انسانی کافی است و با بهره مندی از نسخه شفابخش قرآن کریم، دیگر نیازی به هیچ

نسخه دیگری نیست. بنابر این اگر مردم از صمیم قلب به خدا و اسلام ایمان داشته باشند و همگی دستورات شرعی را انجام دهند؛ همه جنایات و بدی ها و زشتی ها از جامعه رخت بر می بندد و هیچ جرمی به وقوع نمی پیوندد و بهشت و گلستانی واقعی در روی زمین پدیدار می شود.

پس هر چه در جامعه، دینداری تقویت شود؛ جرم و جنایت کمتر می گردد و بالعکس هر چه دین و ایمان مردم تضعیف شود؛ فساد و تباهی افزایش می یابد. از همین رو، دشمنان و معاندان برای نابودی جامعه اسلامی همواره می کوشند تا در دین و ایمان مردم تشکیک ایجاد کنند و به شکل های گوناگون باورهای دینی و رفتارهای ایمانی آنان را تضعیف کنند. پس برای پیشگیری از وقوع جرم، راه اصلی بلکه تنها راه؛ تعمیق و تقویت ایمان و عمل صالح (اجرای کامل و دقیق یکایک احکام و سنن و آداب اسلامی)

است و البته نسخه های بشری - غربی و شرقی - هیچ سودی ندارد و مشکل را حل نمی کند بلکه بر مشکل ها می افزاید و ضررهایی جبران ناپذیر به بار می آورد و بشریت را دچار بحران هایی بس خطرناک می سازد.

یاد خدا و یاد معاد؛ عامل اصلی پیشگیری از هر نوع جرم

آیا می توان چنان برنامه ریزی کرد که هیچ جرم و گناهی صورت نگیرد؟ برخی پنداشته اند که جرم و جنایت و معصیت باری تعالی یک ضرورت اجتناب ناپذیر در زندگی انسان است و از این شرّ گریزی نیست، در حالی که هرگز چنین نیست و این امور، نوعی بیماری نسبت به حالت سلامت و انحراف از وضعیت طبیعی و فطرت الهی است. همان طور که استاد شهید مطهری بیان کرده است اگر زندگی بر پایه

عقل و ایمان بگردد و خشم و شهوت تحت کنترل در آید و تعلیم و تربیت به صورت صحیح انجام گیرد؛ موضوع مجازاتها، دست بردن ها، زندانها، اعدامها، تازیانه زدن ها، و ... که در همه قوانین و از آن جمله در اسلام آمده است منتفی می شود. فایده و نتیجه ای که از این اصل استفاده می شود این است که انسانها آن گونه

باید تربیت شوند که جرم واقع نشود. پس جرم و جنایت یک ضرورت نیست، ممکن است موضوع قوانین جزایی از بین برود. (۱) اگر همه دل ها با یاد خدا آرامش بیابد و نورانی شود و هیچ جرم و جنایتی در روی زمین رخ ندهد و صلح و صفا و برادری در همه جا رواج پیدا کند؛ به تدریج نیاز به پلیس و قاضی و دادگاه و زندان و تبعید و ... به شدت کاهش خواهد یافت.

البته عوامل مادی و اقتصادی و همچنین عوامل خانوادگی و روانی و ... هر کدام به نوعی در پیشگیری از جرم تأثیر دارد، ولی آن عامل اصلی که می تواند سبب پیشگیری از وقوع هر نوع انحراف و جرمی گردد ایمان است؛ ایمان به خدا و ایمان به معاد. انسانی که به خدا و آخرت باور دارد، دستورات و امر و نهی او را اطاعت می کند و اعمال واجب را انجام می دهد و هر نیکی و خیری را دوست دارد و می کوشد صلح و صفا و صلاح در جامعه رواج یابد و از ارتکاب حرام و هر بدی و زشتی و شری می پرهیزد. مؤمن چون خدا را دوست دارد و قرب و رضایش را طلب می کند، همه انسانها را دوست دارد و می خواهد و

ص: ۲۳

می کوشد که همگان به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند. به تعبیر قرآن کریم:

(قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ)؛ (۱)

بگو، اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

یعنی لازمه و شرط محبت الهی، پیروی حقیقی از رسول اکرم (ص) و عمل به تنها نسخه شفابخش - قرآن کریم - است.

ممکن است کسی از نظر علمی و اقتصادی و اجتماعی هیچ مشکلی نداشته باشد ولی به دلیل ضعف ایمان گرفتار دام شیطان گردد و جرمی را مرتکب شود ولی کسی که ایمان واقعی و قوی به خدای متعال و روز جزا دارد در هیچ شرایطی آلوده به جرم و گناه نمی گردد و قرب و رضای او را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهد. و بی تردید مؤمنی که لحظه ای گرفتار لغزش و خطایی شود، قطعاً دست کم یک آن، گوهر ایمان را از دست داده و از یاد خدا و معاد غفلت کرده است و گرنه فریب شیطان را نمی خورد و نمی لغزد. ایمان و تقوا نه تنها مانع ارتکاب جرم و گناه می شود بلکه انسان را از انجام کارهای مشتبه نیز باز می دارد به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام):

ص: ۲۴

(ذمتی بما أقول رهینه و أنا به زعیم، إن من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثالات حجزته التّقوی عن تقحّم الشّبّهات ...)
(۱)

هر آنچه می گویم بر عهده می گیرم و به آن پایبندم. هر کسی که عبرت های روزگار برایش کیفرهای پیش رو را آشکار سازد، تقوا او را از ارتکاب شبّهات باز می دارد. (جرم و گناه اموری است که به یقین حرام است ولی در شبّهه چنین نیست و شاید حرام باشد).

بلکه می توان گفت در نظر مؤمنین راستین، تصور گناه نیز خطا و هدر دادن گوهر گران قیمت عمر و نوعی ناسپاسی است که هزار افسوس و پشیمانی به دنبال دارد. و همان طور که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: "

اضاعه الفرصه غصه"؛^(۲) از دست دادن فرصت ها، سبب غم و غصه می شود.

آدمی در روز قیامت حسرت می خورد که چرا جوانی و فرصت سبز حیات را تلف کرد و در راه ناشایست و آرزوها و تصورات شیطانی بر باد داد با آنکه می توانست با بهره گیری از نعمت حضور در این دنیا و ترک گناه و انجام عبادت خدای کریم، عالی ترین درجه از سعادت حقیقی را برای خود تضمین و تأمین کند.

ص: ۲۵

۱- شرح نهج البلاغه (عبد)، ج ۱، ص ۴۳.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۱۸. (فیض الاسلام، حکمت ۱۱۴).

در فرهنگ اسلامی، فکر و تصوّر یک عمل غیر از خود آن عمل است و حساب و نتیجه جداگانه ای دارد. البته ثواب و عقاب به اعمال انسان تعلق می گیرد نه افکار و تصوّرات او. لکن فکر کار خیر و فکر کار شرّ؛ هر چند هر دو اندیشه و خیال است و عمل نیست ولی از نظر نتیجه و پاداش با یکدیگر تفاوت دارد.

اگر کسی فکر عبادت و عمل خیر کند و بعد موفّق به انجام آن نشود باز هم ثواب آن را می برد. مثلاً شخصی تصمیم می گیرد که مدرسه ای برای تعلیم و تربیت بسازد و مقدماتی را فراهم می کند ولی موانعی پیش می آید و مدرسه ساخته نمی شود. در این صورت، خدای کریم به این مؤمن ثواب مدرسه سازی را می دهد در حالی که مدرسه ای ساخته نشده است و این از باب فضل و تفضّل الهی و بالاتر از عدل است. اما کسی که تصمیم به کار بد و گناهی بگیرد تا زمانی که فکر خود را به مرحله عمل و اجرا در نیاورد، عذاب و عقاب آن گناه برای او نوشته نمی شود. مثلاً کسی که عصبانی شده و تصمیم می گیرد شیشه ماشین دیگری را بشکند تا زمانی که چنین عملی را مرتکب نشده است خدای کریم مجازات آن گناه را برای او مقرر نمی کند. و این از باب عفو الهی است و تفاوت مهمّ و روشنی است که بین فکر خیر و فکر شرّ وجود دارد.

البته هر چند فکر گناه و نیت بد، خود گناه نیست و بنابراین عقاب هم ندارد، مثلاً کسی که نعوذ بالله فکر شراب خوردن را بکند تا زمانی که شراب نخورده، گناه شرابخواری را مرتکب نشده است و مجازات و حدّ شرب خمر را هم ندارد، ولی همان طور که استاد شهید مطهری بیان کرده است، تردیدی نیست که فکر گناه و نیت بد، از دو جهت

زشت و ناپسند است زیرا از سویی ممکن است این فکر مقدمه عمل شود و شیطان آدمی را وسوسه کند و کم کم از فکر گناه به انجام خود گناه و سقوط و تباهی بکشاند و از سویی دیگر، هر خاطره ای که انسان را از خدا غافل کند بد است تا چه رسد که آن خاطره، فکر پلید گناه و مخالفت با فرمان خدای متعال باشد. (۱)

و همچنین باید افزود که صرف عمر برای این فکر پلید، گوهر گران مایه وقت را بیهوده به هدر می دهد و ما را در آخرت گرفتار افسوس و پشیمانی می سازد. و چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟! و اینکه روز قیامت در قرآن کریم، روز حسرت (۲)

نامیده شده است فقط برای کافران و معاندان و منافقان و فاسقان نیست، بلکه برای مؤمنان نیز هست؛ زیرا هر چند آنان گناهی مرتکب نشده اند، اما بسیاری از اهل ایمان، هزار افسوس و حسرت می خورند که چرا گوهر وقت را غنیمت نشمردند و بهره بیشتر و بهتری نگرفتند و با آرزوها و فکر و ذکرهای لغو و بیهوده و خیالات واهی سرگرم شدند و از یاد حضرت حق و محبوب حقیقی غفلت کردند و به درجات بالاتری نرسیدند.

نقش رهبری شایسته در پیشگیری از وقوع جرم

یکی از عواملی که بی تردید نقشی مهم در بهبود وضع جامعه و رشد و تعالی آن دارد، شایستگی مدیران و رهبران فکری و سیاسی

ص: ۲۷

-
- ۱- ر. ک.: تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم ۱۳۶۷ش، ص ۴۰۳ - ۴۰۶.
 - ۲- وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. مریم / ۳۹. (و آنان را از روز حسرت بیم ده، آن گاه که داوری انجام گیرد، و حال آنکه آنها [اکنون] در غفلتند و سرِ ایمان آوردن ندارند.)

است. زمانی که شاهان ظالم و فاسد بر مردم حکومت می کنند به تدریج همه جامعه به فساد کشیده می شود و گویی جرم و جنایت و فقر و ستم و کینه و شهوت از سر و روی جامعه می بارد. و زمانی که

صالحان زمام امور را به دست می گیرند مردم زمانه نیز صالح می شوند و کم کم شمیم دلنواز صلح و صفا و معنویت و عدالت از جای جای اجتماع، جان ها را زندگی و نشاط می بخشد. به تعبیر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله):

"صنفان من امتی اذا صلحا صلح العالم و اذا فسدا فسد العالم: العلماء و الأمراء" (۱)

دو صنف از امت من هستند که اگر صالح باشند همه جهان صالح می شود و اگر فاسد باشند همه جهان فاسد می شود: دانشمندان و حاکمان.

اهمیت اجرای حدود الهی

البته اصل اولی در اسلام، مهر و محبت و مدارا و صلح و صفا و دعوت و تشویق است و اکثریت مردم حقیقت طلب و حق پذیرند و هیچ عناد و خصومت کورکورانه ای با خدا و دین ندارند، ولی با کمال تأسف، گاهی در جامعه عدّه معدودی از انسان نماهای لجوج و معاند و شرور پیدا می شوند که به هیچ وجه دست از اعمال بد و جرم و جنایات وحشیانه خود بر نمی دارند، مگر آنکه حکومت با قدرت و قاطعیت با آنها مقابله کند و در زندان گرفتارشان سازد و یا دستشان را قطع کند و یا جانشان را بستاند. در این موارد استفاده از بیان علمی و حکمت و

ص: ۲۸

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۹. (به نقل از خصال صدوق).

برهان و موعظه حسنه و جدال احسن و محبت و مدارا نه تنها اثری ندارد، بلکه آنان را در ادامه رفتارهای مجرمانه و جنون آمیزشان، جری تر و گستاخ تر می کند.

بنابراین، برای حفظ سلامت و امنیت جامعه از نظر اخلاقی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و ... هیچ چاره و راهی نیست جز آنکه قوانین جزایی الهی - حدود و قصاص و دیات - نسبت به مجرمان حرفه ای و مفسدان در روی زمین با شجاعت و سرعت و البته بر طبق انصاف و عدالت، اجرا شود تا مجازاتی سهمگین و شکننده برای آنان و درس عبرتی بازدارنده برای دیگران باشد. شرورهای سابقه دار مانند غده سرطانی هستند که به ناچار باید سوزانده یا قطع شوند.

در اثر حاضر ده عامل اصلی بیان می شود ولی عامل " رهبری شایسته " و همچنین عامل " اجرای حدود الهی " و نقش آن دو را در پیشگیری از وقوع جرم مطرح نمی کنیم. هر چند رهبری شایسته نقش بسیار مهمی در پیشگیری از جرم دارد، بلکه مهمترین عامل برای هدایت مردم و سلامت و سعادت جامعه است و اجرای صحیح حدود الهی عاملی با ارزش برای پیشگیری از جرم است ولی اکنون در جامعه ما اهمیت این مباحث روشن و پذیرفته شده است و نیاز چندانی به توضیح و تأکید بیشتر وجود ندارد. (۱)

ص: ۲۹

۱- افزون بر آنکه در کتاب های "نقش دولت در پیشگیری از جرم" نوشته محمد عابدی میانجی و "نقش عدالت اجتماعی در پیشگیری از جرم" نوشته محسن مطهری بیدگلی، این مباحث به صورت تفصیلی مطرح شده است.

عوامل پیشگیری از وقوع جرم

به نظر می‌رسد اگر بخواهیم مهمترین عوامل پیشگیری از وقوع جرم را برشماریم می‌توان به ده مورد ذیل اشاره کرد:

۱- یاد خدا ۲- یاد معاد ۳- کار و اشتغال ۴- محبت و مدارا ۵- ادای واجبات مالی و ترویج مستحبات ۶- عدالت حاکمان ۷- سنت حسنه ازدواج ۸- دوستی و معاشرت با صالحان ۹- فریضه طلب علم ۱۰- حجاب و عفاف.

اکنون معنا، اهمیت، و ویژگی های هر یک از عوامل مذکور و ارتباط آن با پیشگیری از جرم را به اختصار توضیح می‌دهیم و می‌کوشیم راه های گوناگون عملی و اجرایی را روشن تر سازیم. این عوامل و راه حل ها همگی؛ شناخته شده و تجربه شده و دارای پشتوانه عظیم فرهنگی و معنوی هستند و هیچ یک شتابزده و بدون تحقیق پیشنهاد نشده اند.

ص: ۳۰

پرسش و پژوهش (درس اول)

- ۱- در فرهنگ اسلامی چه ارتباطی بین جرم و گناه وجود دارد؟
- ۲- مهمترین عامل پیشگیری از جرم چیست؟ چرا؟
- ۳- حضور رهبری شایسته و اجرای حدود الهی چه تأثیری بر سلامت و امنیت جامعه دارد؟
- ۴- آیا فکر انجام عبادت و نیکوکاری نیز در نزد خدا ثواب دارد؟ چرا؟
- ۵- آیا فکر ارتکاب گناه و جرم نیز در نزد خدا مجازات دارد؟ چرا؟
- ۶- به نظر شما مهمترین تدبیرهای اسلام برای پیشگیری از جرم کدام است؟
- ۷- تفاوت تدبیرهای الهی با تدبیرهای بشری از نظر پیشگیری از جرم چیست؟

- ۱- کیفر گناه، حجّت الاسلام سید هاشم رسولی محلاتی.
- ۲- جهاد با نفس، آیت الله حسین مظاهری.
- ۳- انسان و خودسازی، حجّت الاسلام شهید دکتر محمد جواد باهنر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴- گناه شناسی، حجّت الاسلام محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- ۵- تهاجم فرهنگی، استاد محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله).

درس دوم: یاد خدا

اشاره

ص: ۳۵

انسان برای رسیدن به رستگاری واقعی و کمال متناسب با مقام خلیفه خدایی، باید قانون های الهی و اخلاقی را بشناسد و با دقت بر اساس آن عمل کند. یاد خدا یکی از آن قانون های مهم است؛ به این معنا که همیشه خدای حکیم را در یاد و نظر داشته باشد و هیچگاه مسئولیت و بندگی خویش را در برابر پروردگار متعال فراموش نکند. کسی که چنین باشد غافل شمرده نمی شود و به دستور سرنوشت ساز قرآن کریم عمل کرده است که می فرماید:

(وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ) (۱)

پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش!

هر کس خدای خود را فراموش کند گرفتار بحران و بیماری هویت می شود و در گرداب غفلت فرو می رود و سرانجام از فاسقان می گردد؛ همان طور که در قرآن کریم آمده است:

ص: ۳۷

(وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)؛(۱)

همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنان فاسقانند.

(الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)(۲)

همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند (و می گویند:) بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای، منزهی تو، ما را از عذاب آتش نگاه دار.

یکی از نشانه های پرهیزکاران، که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آن را در خطبه همام بیان کرده، این است که متقین شب را در حالی به روز می آورند که تمام فکرشان یاد خدا است.(۳) و نیز فرموده است:

ذکر الله دواء أعلال النفوس؛(۴)

یاد خدا داروی بیماری جان ها است.

و نیز می فرماید:

عليك بذكر الله فإنه نور القلب؛(۵)

ص: ۳۸

۱- . حشر / ۱۹.

۲- آل عمران / ۱۹۱.

۳- . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۸۴.

۴- غررالحکم، ج ۴، ص ۳.

۵- همان، ص ۲۸۸.

همیشه به یاد خدا باش که آن نور دل است.

و نیز می فرماید:

ذکر الله دعامة الايمان و عصمه من الشيطان. (۱)

ذکر خدا ستون ایمان و نگاهدارنده از وسوسه شیطان است. (۲)

مصادیق یاد خدا

یاد خدا، توجه به این است که همه در محضر پروردگار متعال هستیم. پس اگر نشانه هایی از این توجه و احساس حضور در گفتار و رفتارمان آشکار شود، می توان گفت که جلوه ای از یاد خدا در وجودمان هست. انجام واجبات و ترک محرمات (رعایت حلال و حرام) برای رضای خدا، از مصداق های روشن یاد خدا و ذکر او است. مثلاً بت شکنی حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام، تقوا و خودداری یوسف (علیه السلام) از ارتکاب حرام، فتح مکه به دست حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و شکستن بت های کعبه، مبارزه حضرت علی (علیه السلام) با قاسطین و ناکثین و مارقین، صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام)، قیام امام حسین (علیه السلام) در عاشورا و ... از موارد و مصادیق برجسته و آشکار یاد خدا است. یاد خدا با نظر به کیفیت و کمیت اخلاص افراد، درجات و مراتب گوناگونی دارد و بر این اساس می توان گفت که یاد خدا اختصاص به اولیای الهی مانند پیامبران و امامان: ندارد و ما انسان های معمولی نیز با

ص: ۳۹

۱- همان، ص ۳۰.

۲- نقطه های آغاز در اخلاق عملی، محمد رضا مهدوی کنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم ۱۳۷۶ ش.، ص ۶۷-۶۹.

کارهای شایسته خود می‌توانیم یاد خدا را در زندگی خود برای همیشه زنده کنیم. مثلاً اقامه نماز، روزه داری، انجام حج، پرداخت خمس و زکات، پرهیز از ربا و نگاه به نامحرم، حضور در جبهه و جهاد با کافران و منافقان، قرائت قرآن و دعا و ... همه و همه اگر برای رضای خدای تبارک و تعالی انجام گیرد؛ جلوه ای از یاد خدای کریم است.

انواع یاد خدا

ذکر را معمولاً به دو دسته تقسیم می‌کنند: ۱. ذکر لفظی؛ ۲. ذکر قلبی. برخی ذکر عملی را نیز اضافه کرده‌اند. این تقسیم بندی در اصل برگرفته از آیات و روایات است.

که ذکر لفظی خود به خود ارزش چندانی ندارد و هدف از لفظ، توجه به معنا و تأثیر در دل است؛ زیرا ذکر به معنای به یاد آوردن است و در مورد ذکر لفظی، این امر تنها هنگامی صادق است که زبان با دل هماهنگ باشد. به علاوه، خداوند متعال می‌فرماید:

(و اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً)؛ (۱)

ذکر نام خدا با تبتل همراه باشد، و مقصود از تبتل این است که توجه شخص منحصرأً به خدا باشد.

مرحوم علامه مجلسی پس از تقسیم ذکر خدا به لفظی و قلبی، می‌فرماید: ذکر لفظی هر سخنی است که جهت الهی داشته باشد؛ مثل

ص: ۴۰

دعا و قرآن و بحث های فقهی و بیان اخبار و روایات و مانند آن ها. آن گاه ذکر قلبی را به دو نوع تقسیم می کند:

الف. تفکر در دلایل احکام الهی و صفات باری تعالی و تذکر نعمت های او و تفکر در فانی بودن دنیا؛

ب. توجه به عقاب و ثواب های اخروی و خوف از خدا در هنگامی که امر یا نهی ای از جانب خدا متوجه شخص است و در نتیجه، عمل بر طبق تکلیف الهی.

در روایات به مرحله ای از ذکر اشاره شده که می توان آن را ذکر عملی نامید و مرحوم مجلسی نیز در نوع دوم ذکر قلبی به آن اشاره دارد. باید افزود که ذکر قلبی هیچ گونه ظهور و بروز خارجی و لفظی ندارد و شخص فقط در دل به خدا توجه دارد؛ اگر در ظاهر نیز به کار دیگری مشغول باشد، اما در اعماق دلش روی به خدا دارد.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی می فرمایند:

مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ إِخْلَاصُهُ أَنْ يَحْجِزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

کسی که با اخلاص لا اله الا الله بگوید وارد بهشت می شود، و نشانه اخلاص او این است که گفتن لا اله الا الله او را از آنچه خداوند حرام کرده باز می دارد.

با دقت در روایت فوق در می یابیم که حضرت به هر سه مرحله ذکر اشاره دارند: یکی، گفتن لا اله الا الله، که ذکر لفظی است؛ دوم، همراه بودن ذکر با اخلاص در نیت، که ذکر قلبی است؛ و سوم، این

ص: ۴۱

که اخلاص باید در رفتار شخص اثر گذارد و او را از گناه باز دارد، که این ذکر عملی است. (۱)

حقیقت ذکر

حقیقت ذکر در درون انسان و در قلب او عینیت می یابد و ذکر لفظی تنها نمود خارجی همان حقیقت درونی است که می گذرد. ذکر خدا تنها تکرار کلمات نیست بدون آن که آن کوچک ترین نقش و تأثیری در زندگی انسان داشته باشد، و بدون این که گوینده به معنا و مفهوم والای آن ها توجه کند. چگونه ممکن است به یاد دوستی باشیم و در همان حال عملاً با او دشمنی بورزیم؟! چگونه ممکن است ذکر خدا با اعمالی که در حقیقت دشمنی با خدا است سازگار باشد؟!

کسی که سعی می کند به یاد خدا باشد، طبعاً در عمل نیز با دیگران متفاوت خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

مِنْ أَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا. ثُمَّ قَالَ: لَا أَعْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَإِنْ كَانَ مِنْهُ، وَ لَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ، فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا وَإِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا. (۲)

از زمره مهم ترین و والاترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش فرض کرده این است که فراوان ذکر خدا کنند. سپس حضرت فرمودند: مقصود من تنها گفتن «سبحان

ص: ۴۲

۱- یاد او، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم ۱۳۸۴ ش. ص ۱۸-۱۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، باب ۶۵، روایت ۹.

اللَّهُ و «الحمد لله» و «لا اله الا الله» و «الله اكبر» نیست، اگرچه این ها نیز ذکرند؛ بلکه مقصود من یاد خدا در رویارویی با چیزی است که خداوند حلال و یا حرام کرده است. پس اگر آن کار طاعت خداوند بود، بنده آن را انجام دهد و اگر معصیت و نافرمانی بود، رهاش کند. (۱)

مراتب داشتن ذکر

ذکر واقعی همان توجه قلبی به خداوند است. البته ذکر لفظی نمی تواند به کلی خالی از ذکر قلبی و توجه درونی باشد. اما این توجه همیشه و در همه افراد یکسان نیست؛ گاهی بسیار ضعیف و گاهی بسیار قوی است. بنابراین، ذکر قلبی دارای مراتب بی شماری است. در مناجات شعبانیه می خوانیم:

إِلَهِهِ وَ أَلْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلِي ذِكْرِكَ. (۲)

خدایا (با موفق داشتنم) به یاد خودت، به من اشتیاق و شیفتگی (بیشتری) نسبت به (مراتب عالی تر) یاد خودت عنایت فرما.

اینکه برخی از مراتب ذکر وسیله رسیدن به مراتب عالی تر آن قرار داده شده، دلالت بر آن دارد که برای رسیدن به مراتب عالی ذکر ابتدا باید از مراتب ضعیف تر شروع کرد. پس به این بهانه که در هنگام گفتن ذکر لفظی توجهمان به خداوند ضعیف است، نباید آن را رها

ص: ۴۳

۱- یاد او، ص ۱۸-۱۹.

۲- مفاتیح الجنان، ص ۱۵۶.

کنیم. گاهی هنگامی که دعا و ذکر ما بی رمق و بی روح است و از توجه کافی به مبدأ هستی برخوردار نیست، شیطان ما را وسوسه می کند که آن را رها کنیم؛ چرا که ذکر و دعایی که از توجه قلبی کافی به خداوند برخوردار نباشد، چون جسمی بی روح و مرده است و فایده ای ندارد! برخی از روشن فکران نیز که دچار انحراف و لغزش شده اند سخنانی شبیه این را تکرار می کنند؛ مثلاً در مورد نماز می گویند: نمازهایی که اغلب مردم می خوانند، صرفاً لقلقه زبان و عاری از توجه به خداوند و توجه به محتوای نماز است و خواندن و نخواندنش یکسان است!

این پندار ناشی از وسوسه شیطان است. آنان غافلند که همین ذکر و نماز به ظاهر بی روح و خالی از توجه کافی، گرچه در برابر ذکر با توجه و نماز با حضور قلب کافی چیزی به شمار نمی آید، اما چون برای اظهار بندگی خدا انجام می پذیرد، این قابلیت و استعداد را دارد که روح ما را صفا و نورانیت ببخشد و سبب رسیدن به مراحل عالی تر توجه به خداوند گردد.

هم چنین اگر به هنگام خواندن قرآن حال و توجه کافی نداریم، باید مراقب باشیم شیطان ما را وسوسه نکند که خواندن قرآن بدون توجه به محتوا و معنای آن چه فایده ای دارد. چنان که عده ای تحت تأثیر القائنات شیطان، خواندن قرآن بدون توجه و درک معانی آن را خالی از فایده می دانند. درست است که این قرائت در مقابل قرائت اولیای خدا قطره ای در برابر دریا به حساب می آید، اما وقتی انسان با توجه ارتکازی به خداوند و جهت اظهار بندگی قرآن را با احترام بگشاید و آیات آن را بخواند و مرور کند، کاری پرفایده و پرثمر انجام داده است. البته گرچه ما باید به اذکار لفظی اهمیت بدهیم و

آن‌ها را ترک نکنیم، اما نباید هم به آن‌ها اکتفا نماییم. باید با همتی عالی، سعی کنیم از مسیر اذکار لفظی به توجهات قلبی برسیم و توجه فزون‌تری به اسما و صفات الهی پیدا کنیم. البته اذکار لفظی نیز از آن‌رو که حکایت‌گر توجه قلبی به خداوند هستند ذکر نامیده شده‌اند. از این‌رو اگر ذکر لفظی حاکی از توجه قلبی و همراه با توجه درونی نباشد، در

حد لقلقه زبان باقی می‌ماند. راستی چگونه ممکن است کسی که در حال ذکر لفظی و زبانی چشم به نامحرم دوخته، یا به موسیقی حرام گوش می‌دهد و یا علیه برادر مؤمن خود توطئه می‌کند، مشغول یاد خدا باشد؟! چنین کسی با ذکر و یاد خدا بیگانه است. از این‌رو، مضمون برخی از روایات این است که ذاکر خدا کسی است که از خداوند اطاعت کند و غافل کسی است که معصیت کند، گرچه نماز و روزه او فراوان باشد. کسی که فراوان قرآن می‌خواند و روزه می‌گیرد و نماز می‌گزارد و در عین حال معصیت می‌کند، غافل است و تنها بر طبق عادت روزمره به آن اعمال می‌پردازد. ذاکر حقیقی کسی است که قلباً به خداوند توجه دارد و عملاً خدای را اطاعت می‌کند و از معصیت او سرباز می‌زند. توجه به خدا و ایمان، هیچ سازگاری با معصیت ندارد. برخلاف تصور افراد مقدس مآب کج اندیش که جاهلانه به معارف الهی می‌نگرند و هرچیزی را به دل خواه و میل و سلیقه خود تفسیر می‌کنند. ذکر خدا، گفتن تند و سریع یک سری الفاظ و تکرار آن‌ها بدون توجه قلبی نیست. ذکری که برای ظاهرسازی و فریب‌کاری مردم انجام می‌گیرد، ذکر نیست. ذکری که باعث کمال و تعالی انسان می‌گردد و در آیات و روایات از آن

ستایش شده، توجه قلبی به خداوند است؛ نه ذکری که از لقلقه زبان فراتر نمی رود. (۱)

ضرورت توجه به کمیت و کیفیت ذکر

در ارتباط با مراتب ذکر، باید کمیت و کیفیت ذکر توأم ملاحظه گردد. از این روی در قرآن، روایات و سفارش های اولیای دین بر کمیت ذکر تأکید شده، حتی سفارش شده که ما در نماز تنها به اذکار واجب بسنده نکنیم و سعی کنیم اذکار مستحبی فراوانی که وارد شده و نیز تعقیبات و تسبیحات فاطمه زهرا (علیها السلام) را نیز بگوییم. بی تردید اگر ذکر مکرر خداوند اثر سازنده در روح انسان نمیگذاشت و موجب تعالی انسان و رسیدن به مراحل عالی توجه به خداوند نمی گشت، مورد سفارش و تأکید قرار نمی گرفت. از جمله آیاتی که ناظر به کمیت ذکر است و خداوند در آن به زیادی ذکر سفارش کرده آیه ذیل است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدای را بسیار یاد کنید.

در جای دیگر می فرماید:

(فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (۳)

ص: ۴۶

۱- ر. ک.: یاد او، ص ۲۳-۲۸.

۲- اعراف / ۴۱.

۳- جمعه / ۱۰.

و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در برخی روایات وارد شده که انسان باید پیوسته به ذکر خداوند مشغول باشد و در هر حالی و در هنگام انجام هر کاری نباید از ذکر خداوند غافل باشد. از امام باقر (علیه السّلام) نقل شده که حضرت موسی (علیه السّلام) در مناجات خود خطاب به خداوند عرض کرد:

خدایا، مواقعی برای من پیش می آید که از مقام عزّت و جلال تو شرم دارم که در آن حال ذکر تو را بگویم.

خداوند در پاسخ فرمود: "یا مُوسى إِنَّ ذِکْرى حَسَنٌ عَلَى کُلِّ حال." (۱) ای موسی، ذکر و یاد من در هر حالی نیکو است.

گاهی انسان در وضعیتی قرار دارد که نمی خواهد دیگران او را در آن حال مشاهده کنند، چه رسد به این که در آن حال با خداوند سخن بگوید. در چنان وضعیتی حجب و حیا باعث می شود که انسان هم از سخن گفتن با دیگران خودداری کند و هم خودش را از آنان مخفی نگاه دارد، تا او را در آن وضعیت مشاهده نکنند. از این جهت، حضرت موسی (علیه السّلام) که نمی خواهد لحظه ای از یاد خداوند غافل باشد و زبان مبارکش از ذکر خداوند باز ایستد، به خداوند عرض می کند که در شرایطی من از عزت و شکوه خداوندیت حیا می کنم که ذکر تو را بگویم. خداوند در پاسخ می فرماید، در هر شرایط و وضعیتی ذکر من

ص: ۴۷

نیکو است. از این رو می بینیم در شریعت اسلام دعا‌های مخصوصی برای هنگام قضای حاجت وارد شده است.

هم چنین در باب تأکید بر کمیت ذکر و اهمیت آن، امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

پدرم فراوان ذکر می گفت. وقتی با او راه می رفتم پیوسته ذکر می گفت، وقتی با او مشغول خوردن غذا بودم، باز ذکر می گفت و اگر با مردم سخن می گفت، سخن گفتن با آنان او را از ذکر خدا باز نمی داشت و پیوسته می دیدم که زبانش به سقف دهانش چسبیده است و «لا اله الا الله» می گوید. (۱)

خداوند در باب کیفیت بخشیدن به ذکر و عبادت می فرماید:

(فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا...) { (۲)}

و چون مناسک حج خود را به جای آوردید، خدای را یاد کنید آن گونه که پدران خود را یاد می کنید، بلکه شدیدتر خدا را به یاد آورید.

کسانی که به کارهای با ارزش و با اهمیتی چون تحصیل علم اشتغال دارند - و چه بسا به دلیل شدت علاقه به کسب علم، پیوسته و در همه حال به مطالب علمی می اندیشند و حتی در خواب نیز مطالب علمی برای آن ها تداعی می شود - نباید شدت علاقه به علم و پرداختن

ص: ۴۸

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، باب ۱، روایت ۴۲.

۲- بقره / ۲۰۰.

به آن، سبب شود که از توجه به سایر ابعاد وجودی خود و از ذکر و توجه به خداوند غافل گردند. عالم باید در کنار تحصیل علم به خودسازی و فرونی بخشیدن به توجهات معنوی خود به خداوند نیز پردازد و در این صورت است که می توان گفت تحصیل علم برای خدا و برخوردار از اخلاص است و نتایج ارزشمندی بر آن مترتب می گردد و خدمت به اسلام به حساب می آید و به وجود انسان برکت می بخشد. در غیر این صورت، بیم آن می رود که شخص عالم بی عمل گردد و لیاقت توجه به خدا را از دست بدهد. (۱)

نقش یاد خدا در پیشگیری از جرم

به تعبیر امام خمینی "عالم، محضر خداست." "اگر با تأمل در این جمله نگاه کنیم، تصدیق می کنیم که یاد خدا تأثیر غیرقابل انکاری در پیشگیری از هر نوع بدی و جرمی دارد. آری انسانی که خدای متعال را حاضر و ناظر می داند و به زشتی و قبح گناه نیز آگاه است، چگونه می تواند روحش را با معصیت آلوده سازد؟! یاد خدا، از نوع کنترل درونی است که بسی مفیدتر و کارآمدتر از هر گونه کنترل بیرونی، فعالیت های انسان را هدایت می کند. ممکن است کنترل های بیرونی (پلیس و نیروهای انتظامی و امنیتی و قضایی) در جایی یا زمانی حاضر نباشند و یا غفلت کنند، ولی یاد خدا، قاضی و پلیسی است که انسان را از درون کنترل می کند و همیشه و در هر مکانی همراه ما است و تا

ص: ۴۹

وقتی که حضور دارد هرگز از وظیفه خطیر نظارتی و هدایتی خود غافل نمی شود.

موانع یاد خدا

اشاره

برخی از امور این دنیا، عوامل یاد خدا هستند و انسان را متوجه خدا می کنند، ولی بعضی دیگر بر عکس؛ موانع یاد خدا هستند و آدمی را غافل می کنند و از توجه به خدا باز

می دارند. این تقسیم بندی نسبی است و هیچ چیزی را نمی توان به طور مطلق، مانع یاد خدا شمرد، یعنی نمی شود گفت که یک چیز معین، در هر شرایطی و در هر حال مایه غفلت و مانع توجه است. برای تبیین مطلب باید بین دو نوع نگاه و توجه به اشیاء و موجودات تفکیک کرد:

یک - نگاه استقلالی: این نوع نگاه به معنای آن است که چیزی را به تنهایی و بدون در نظر گرفتن چیز دیگری مورد نظر قرار دهیم. در این صورت اگر آن موجود واقعاً مستقل باشد مشکلی پیش نمی آید، ولی در صورتی که واقعاً مستقل نباشد ما گرفتار غفلت شده ایم.

دو - نگاه آلی: این نوع نگاه به این معنا است که هیچ موجودی به تنهایی ملاحظه نشود، بلکه با لحاظ ارتباط و پیوند موجودات با یکدیگر سخن بگوییم و مثلاً ارتباط هر موجودی با خدای حکیم را در نظر بگیریم و توجه کنیم که هیچ موجودی نیست جز آنکه آیت و نشانه او است.

برای آن که هیچ گاه غافل نشویم و همیشه مشعل یاد خدا درون و برون ما را روشن سازد توصیه می شود:

اول: تلاش کنیم نمازهای واجب را در اول وقت و با توجه به معنای حمد و سوره و اذکار و با حضور قلب به جا آوریم و هر گاه

می توانیم و حال و حوصله داریم بکوشیم نماز شب را ترک نکنیم، حتی اگر در هر ماه فقط یک بار باشد.

دوم: سعی کنیم که دست کم در هر شبانه روز پنجاه آیه از قرآن کریم را با تأمل در معانی آن تلاوت کنیم

و یک روایت جدید از اهل بیت (علیهم السّلام) بیاموزیم.

سوم: هرگز در مجالس گناه و لهو و لعب و لغو شرکت نکنیم و از انسان های شیطان صفت دوری بگیریم و پیوند خود را با انسان های الهی و مؤمن بیفزاییم.

چهارم: به هیچ موجودی - غیر از خدای متعال جلّ جلاله - نگاه استقلاللی نکنیم.

هیچ موجودی جز خدا شایسته نگرش و توجه استقلاللی نیست، زیرا اساساً موجود خودکفا و مستقلّی غیر از او وجود ندارد. باید همیشه به یاد داشته باشیم بدون اذن خدا، هیچ کسی نه نفعی دارد و نه زیان، نه علمی دارد و نه قدرتی، نه می تواند شفا دهد و نه یارای بیمار کردن دارد. آتش اگر می سوزاند به اذن اوست؛ آب اگر سرچشمه زندگی است به خواست هموست؛ خورشید اگر نور و گرما می بخشد به اراده اوست؛ آسمان و زمین و هر چه در آن است به اشاره او در حرکتند. و همه و همه بدون او هیچند و پوچ. هر چه هست از اوست. پس او همه کاره است و بقیه بدون او هیچ کاره. هر چه هست فقط و فقط نشانه ای از اوست. پس هر موجودی حتی شیطان هم مخلوق خداست و برای آزمایش ما خلق شده است و هرگز هیچ چیزی نظیر و در عرض و در ردیف خدای متعال نیست.

"لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ." (۱)؛ چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا؛ او هیچ مثل و مانندی ندارد.

اگر تیغ عالم بجنبد از جای

نبرد رگی تا نخواهد خدای

پنجم: امر و نهی و دعوت هر کسی را با قرآن کریم بسنجیم و فقط در صورت عدم مخالفت بپذیریم.

گاهی از سوی افرادی مانند مدعیان تصوّف و عرفان و سیاستمداران و روزنامه نگاران، باید و نباید هایی و خوب و بد هایی مطرح می شود. آیا می توانیم بر طبق این نسخه ها عمل کنیم؟ باید تشخیص دهیم و روشن شود که این مطالب آیا مخالف حکم الهی است یا نه؟ البته فقهای شایسته و مفسران قرآن شناس، میزان ارزش و اعتبار این گونه ادعاها و نسخه دادن ها را بخوبی می دانند، ولی همه مردم توانایی علمی لازم برای سنجش و کشف موافقت یا مخالفت ادعاها با پیام های آسمانی قرآن را ندارند. پس

باید به خبرگان باتقوا مراجعه و از آنان استمداد کنند. از سوی دیگر کمترین انتظار معقول این است که مردم باید عادت کنند که هر توصیه و دعوت و هشدار و امر و نهی و نسخه معنوی و دستورالعمل اخلاقی و عرفانی و سیاسی و اقتصادی و ... که دریافت می کنند با رساله احکام و فتاوی مراجع شایسته تقلید بسنجند و فقط در صورتی بپذیرند که یقین و اطمینان

ص: ۵۲

کنند که با احکام دین و توضیح المسائل مرجع تقلید واجد شرایط هیچ نوع مخالفتی ندارد و در صورت مخالفت، آن گفته ها و بافته ها را قاطعانه مردود بشمارند و دور بیاندازند. زیرا بی تردید تنها راه رستگاری و سعادت دنیوی و اخروی عبارت از پیروی عملی از قانون های خدای متعال و پرهیز از وسوسه های نفس اماره و شیطان رجیم است.

و از همه خداپرستان راستین انتظار می رود به این پرسش الهی پاسخ مثبت دهند که:

"أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ؟" (۱)

آیا وقت آن نرسیده است که مؤمنان دل‌هایشان به یاد خدا خاشع گردد و در برابر حقی که از جانب خدا نازل شده است (قرآن) خضوع کنند؟

فعالیت های بیداری بخش

بی تردید هر گونه فعالیت نیک و پسندیده ای که یاد خدا را در جامعه تقویت و ترویج کند مطلوب و مفید است. البته اسلام راه های عملی روشنی - به صورت واجب یا مستحب - برای توسعه و تعمیق یاد خدا معین کرده است. باید کوشید تا این سنت ها و آداب اسلامی هر چه بهتر و شایسته تر در بین مسلمانان رواج پیدا کند و از خرافات و تعصبات کورکورانه پیراسته شود.

ص: ۵۳

بی تردید، مهمترین راه توسعه و تقویت یاد خدا از نماز است. نماز واقعی، عذاب‌ی بزرگ برای شیطان است و عطر خوش حضور در محضر دوست را در همه جا می پراکند و یاد پروردگار متعال را در جان انسان و جامعه زنده می کند.

نماز را ذکر نامیده اند، زیرا نماز از سویی مشتمل است بر ذکر زبانی از تهلیل و حمد و تسبیح، و از سویی دیگر مصداقی است از مصادیق ذکر، چون مجموعه آن بندگی خدا را در نظرها مجسم می سازد و به بر این اساس خدای تعالی نماز را ذکر الله نامیده و فرموده:

{ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ }؛

چون روز جمعه برای نماز ندا داده شود، بشتابید به سوی ذکر الله. (۱)

از جهتی دیگر نتیجه نماز؛ یاد خدا است، هم چنان که قرآن به این مطلب اشاره می کند: (۲)

{ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي }؛

نماز را به پا دار برای یاد من. (۳)

نماز از آن نظر که تمرکز و توجه ما را به سوی خدای کریم می کشاند؛ باعث دوری ما از جرم و جنایت و هر نوع بدی می گردد.

ص: ۵۴

۱- جمعه / ۹.

۲- المیزان فی تفسیر القرآن، العلامه السید محمّد حسین الطباطبایی، جماعه المدرسین بقم المقدسه، الطبعه الخامسه ۱۴۱۷ القمریه. ج ۱۶، ص ۱۳۶.

۳- طه، آیه ۱۴.

البته همان طور که استاد علامه طباطبایی توضیح داده اند سیاق آیه کریمه ذیل گواهی می دهد که

این بازداشتن به صورت علت تامه نیست بلکه به صورت اقتضایی است. (۱)

{ اِنَّ لِّمَا اَوْحٰى اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ اَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللّٰهِ اَكْبَرُ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ. } (۲)

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان، و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است، و خدا می داند چه می کنید.

کسی که نماز می خواند به صورت طبیعی احساس معنوی و معرفتش بالا و بالاتر می رود و یاد خدا در او زنده می شود و علاقه بیشتری به خیر و خوبی در درونش حس می کند؛ پس از بدی و شرّ دور و دورتر می شود و دیگر گرد

شیطان و گناه نمی چرخد و یک نوع مصونیتی در او پدید می آید. البته این مصونیت؛ نسبی است و مصونیت مطلق نیست. انسان تا در این دنیا زندگی می کند اختیار دارد و هر لحظه در حال امتحان است و باید از بین خیر و شرّ و عبادت و گناه، یکی را برگزیند بنابراین، لازم است همه، حتی مؤمنین نمازگزار، همیشه به خدای کریم پناه ببرند و از او مدد بجویند و مراقب وسوسه های شیطانی و نفسانی و فریب های جدید باشند و هرگز مغرور به عبادات گذشته نشوند.

ص: ۵۵

۱- المیزان، ج ۱۶، ص ۱۳۳.

۲- عنکبوت / ۴۵.

قرآن کریم، معجزه جاوید و سرچشمه هدایت و سعادت آدمی است. در این نسخه شفابخش آسمانی، راه و رسم زندگی پاک و خوشبختی در دنیا و آخرت به روشنی بیان شده است. همان طور که خود قرآن نور است، مطالعه و تدبر در معانی بلند آخرین و کاملترین کتاب الهی نیز، نور است و عقل و جان را شاداب می سازد. تردیدی نباید کرد که قرائت و ترتیل و تجوید و حفظ قرآن کریم نیز با ارزش و سازنده است ولی حفظ الفاظ و عبارات باید مقدمه فهم معانی و پیام ها باشد و صحیح نیست که به حفظ و آشنایی با ظاهر اکتفا شود و هدف اصلی مورد غفلت قرار گیرد. از سوی دیگر علم و فهم نیز در صورتی ما را به سر منزل مقصود می رساند که مقدمه و زمینه ساز برای عمل خالصانه شود.

دعا و زیارت

دعا ارتباطی آگاهانه، آزادانه و معنوی با خداست؛

{ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. } (۱)

پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند.

ص: ۵۶

این آیه کریمه تأیید می کند که دعا، نوعی از طاعت و عبادت خداست. بلکه باید دعا را برترین عبادت شمرد زیرا در هر عبادتی، مقصود اصلی آن است که مؤمن خدای کریم را عبادت کند تا به قرب الهی دست یابد و یاد او در جانش زنده شود؛ در حالی که سراسر دعا، خود ذکر و مناجات با اوست.

راه های عملی توسعه و تقویت یاد خدا

یک - اقامه نماز (نماز جمعه، جماعت، آیات، عید فطر، قربان و...) از مهم ترین راه های عملی توسعه و تقویت یاد خدا است. پس باید کوشید تا فرهنگ نماز در جامعه رواج بیشتر و کاملتری بیابد. مهم ترین راه ترویج فرهنگ نماز نیز آن است که رهبران و مسئولان سیاسی و دانشمندان و قهرمانان و معلمان و مریبان و پدران و مادران و همه الگوهای جوانان، خود اهل عمل به این فریضه الهی باشند.

دو - انس و آشنایی با آخرین کتاب الهی، نیز یکی دیگر از مهم ترین راه های عملی توسعه و تقویت یاد خدا

است؛ که باید تلاش شود حفظ و قرائت و ترتیل و تجوید و ترجمه و تفسیر قرآن کریم هر چه بهتر و بیشتر مورد توجه قرار گیرد و مسابقات و محافل قرآنی شایسته تر و جذاب تر برگزار گردد.

سه - دعا، اگر متناسب با مقام ربوبی باشد یاد خدا را در جان انسان زنده می کند. پس لازم است به دعاهای صحیح و مأثور از اهل بیت (علیهم السّلام) (مانند دعای کمیل و توسل و ندبه و سحر و عرفه و مناجات شعبانیه و ادعیه صحیفه سجادیه) کاملاً اهتمام بورزیم و مراسم قرائت این گونه دعاها ترویج و تقویت شود.

چهار - حجّ: یکی از مهم ترین عباداتی که یاد خدا را بیش از پیش در جان ها زنده می کند، مراسم عظیم زیارت خانه خدا و حجّ است که

با لباس و شعاری مخصوص و در جمع مؤمنان و در سرزمینی ویژه انجام می شود.

پنج- آشنایی با قهرمانان یاد خدا؛ با مطالعه تاریخ و سرگذشت پیامبران آسمانی و امامان معصوم:.. وقتی زندگی و فعالیت های رسولان آسمانی؛ مانند نوح، ابراهیم، یعقوب، یوسف، موسی، عیسی و محمد - علیهم سلام الله - را با دقت بخوانیم و یا سرگذشت مبارزات و فداکاری های پیشوایان معصوم: و یارانشان را مرور کنیم؛ خدا را و مسئولیت هایمان را به یاد می آوریم و ...

ص: ۵۸

- ۱- آیا ذکر لفظی مهمتر است یا ذکر قلبی؟ چرا؟
- ۲- ذکر عملی چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۳- مصادیق بارز یاد خدا کدام است؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۴- منظور از ذکر کثیر چیست؟
- ۵- آیا پیروان و سوسه های شیطانی را می توان ذاکران خدا شمرد؟! چرا؟!
- ۶- چه کارهایی ما را دچار غفلت از یاد خدا می کند؟ مثالی ذکر کنید.
- ۷- یاد خدا چگونه باعث پیشگیری از جرم می شود؟ توضیح دهید.

- ۱- آداب الصلاة، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲- نقطه های آغاز در اخلاق عملی، محمد رضا مهدوی کنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳- یاد او، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۴- نماز، محیی الدین حائری شیرازی.
- ۵- نماز چیست؟، شهید آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی.

درس سوم : یاد معاد

اشاره

ص: ۶۱

توحید، معاد و نبوت سه اصل مهم و آموزه جاودان همه دین های آسمانی است. معاد در قرآن کریم به طور معمول بعد از توحید و در ردیف آن ذکر می شود و ایمان به معاد بعد از ایمان به خدا اولین و مهمترین نشانه اهل ایمان به شمار می رود؛

(وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ...)(۱)

و چون ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین] را

شهری امن گردان، و مردمش را -هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد- از فرآورده ها روزی ببخش... .

معاد، بازگشتن است و همه انسانها در جهانی دیگر زندگی جدیدی را آغاز می کنند. زیرا مرگ، پایان زندگی نیست، بلکه فقط زندگی دنیوی پایان می پذیرد و زندگی برزخی و بعد اخروی، تازه

ص: ۶۳

آغاز می گردد. زندگی دنیوی و برزخی موقت و کوتاه است و بالآخره تمام می شود، ولی زندگی اخروی، ابدی است و هیچ پایانی

ندارد. در جهان بینی قرآنی، انسان بداند یا نداند، هر روز و هر لحظه به معاد نزدیک تر می شود. در این نگاه، ارتباطی وثیق بین مبدأ و معاد وجود دارد. پس ذکر و یاد مبدأ، ذکر و یاد معاد نیز هست: "إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ" (۱) ما از خداییم و به سوی او بازمی گردیم؛

خدایی که همه چیز را آفریده؛ همو ادامه زندگی این جهان را در آن جهان قرار داده است. این دنیا جای کاشت و کسب و کار است و آن چنان که باید و شاید جای برداشت و نتیجه گیری نیست، ولی آن جهان جای درو و میوه چینی است و دیگر خبری از کار و تلاش نیست. به فرمایش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام):

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصِدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ وَلَّتْ حَذَاءَ فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صِبَابُهُ كَصِبَابِهِ الْإِنَاءِ اضْطَبَّهَا صَابُهَا أَلَا وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَ لِكُلِّ مِنْهُمَا بُنُونٌ فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ وَ لَدٍ سَيُحَقُّ بِأَيِّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابَ وَ غَدًا حِسَابٌ وَ لَا عَمَلٌ. " (۲)

ص: ۶۴

۱- بقره/ ۱۵۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

ای مردم! نسبت به شما از دو چیز جداً می ترسم: پیروی کردن از خواهش نفس، و آرزوی دراز در سر پروراندن. پیروی از نفس، آدمی را از راه حق باز می دارد و آرزوی دراز، آخرت را به فراموشی می سپارد. آگاه باشید که دنیا پشت کرده است و شتابان می رود، و از آن جز اندکی باقی نیست، همچون قطره های مانده بر ظرفی که آب آن را ریخته اند و تهی است. آگاه باشید که آخرت روی آورده است و هر یک از این دو را فرزندانی است. از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید، که روز رستاخیز هر فرزند به مادر خود پیوندد. همانا امروز روز کار است و روز شمار نباشد، و فردا روز شمار است و کس را مجال کار نباشد. " (۱)

کسی که واقعاً روز قیامت و حسابرسی را در نظر آورد و به یاد بهشت و جهنم بیفتد، دغدغه اصلی زندگیش با دیگران تفاوت آشکاری دارد. آماده سازی عقل و دل برای اجرای عدل و قسط در زندگی فردی و اجتماعی، ثمره شیرین یاد معاد است. از این رو امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

"من تذکر بعد السفر استعدّ" (۲)

کسی که دوری سفر آخرت را به یاد آورد خود را آماده می کند.

ص: ۶۵

۱- ترجمه نهج البلاغه، دکتر سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی چاپ چهاردهم ۱۳۷۸ ش. ص ۴۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۸.

و البته کسی که خود را مهیا نسازد زیانی بس بزرگ می بیند زیرا این سفر، سفری معمولی نیست، بلکه سفری بی بازگشت و سرنوشت ساز به سوی منزل ابدی است و کسی نمی تواند از آن فرار کند.

انواع یاد معاد

یاد معاد، حقیقتی تأثیرگذار است که می تواند به دو صورت حاصل شود: درونی و بیرونی. یاد درونی همان توجه قلبی و باطنی به سرای باقی و موضوع رحلت از این دنیا و پاداش و مجازات اخروی است. پس کسی که آخرت را فراموش کرده و مشغول و فریفته دنیا شده است، دیگر ذاکر نیست؛ بلکه غافل است.

یاد بیرونی همان واقعیتی است که در خارج از ذهن و باطن انسان، به صورتی آشکار می شود و می تواند شاهدهی بر وجود یاد درونی باشد. یاد بیرونی به دو بخش گفتاری و رفتاری قابل تقسیم است. و البته سخنان غافلان و ذاکران با یکدیگر متفاوت است همان طور که اعمال و رفتارهایشان نیز یکسان نیست. وابستگان به دنیا و غافلان را می توان از راه عقیده ها و آرزوها و گفتارها و کردارهایشان شناخت؛ راه شناسایی وارستگان و اهالی ذکر خدا و معاد و ذاکران راستین نیز همین است.

مصادیق یاد معاد

چه کارهایی نشانه یاد خدا و معاد است و چه کسی را می شود ذاکر دانست؟ با قدری دقت و تأمل پاسخ روشن است. هر کسی که از روی ایمان به خدا، قوانین اسلامی را مراعات کند، واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند؛ دانا و یاد کننده راستین خدا و معاد و هوشیار

است و کسی که قانون الهی را نادیده می گیرد و پیرو هوا و هوس و شیطان است و مرتکب گناه می شود؛ نادان و غافل و فریفته است. اگر انسانی به طور جدی به یاد خدا و معاد باشد، این ویژگی در رفتار و گفتار و شب و روز و دوستی و دشمنی و فعل و ترک او تأثیری آشکار و سرنوشت ساز می گذارد و در ظاهر و باطنش انقلابی بر پا می کند.

انسانی که در خرید و فروش و تجارت، فریبکاری می کند و دروغ می گوید؛ ذاکر است یا غافل؟ آیا فرمانروایی که به زیردستان ستم روا می دارد، غافل نیست؟ آیا می توان مدیری را که در اداره بین ارباب رجوع تبعیض قائل می شود از ذاکران شمرد؟ آیا سارقان اموال مردم و قاچاقچیان موادّ مخدّر، غافل نیستند؟! آیا رشوه گیران و رباخواران و گران فروشان و احتکارگران از غافلان نیستند؟! آیا مردان فاسد و بی حیا و زنان هوسران و بی حجاب غافل نیستند؟! آیا نویسندگان داستان های شهوانی و شیطانی، فریب خورده و غفلت زده نیستند؟!

از سوی دیگر، آیا کسی که خمس اموال و درآمدش را با دقت محاسبه می کند و آن را با اخلاص و برای رضای خدای کریم می پردازد؛ از ذاکران نیست؟! آیا کسی که از غیبت و تهمت و دروغ و فریب و ... می پرهیزد؛ غافل است؟! آیا کسی که به دستورات اسلامی عمل می کند و می کوشد دیگران را نیز به اسلام آشنا سازد و آنان را تشویق به عمل به آداب و سنن اسلامی می کند؛ اهل ذکر خدا و معاد نیست؟! آیا آمران به معروف و عاملان به احکام اسلامی، از غافلانند؟! آیا نهی کنندگان از منکر که خود هرگز مرتکب گناه نمی شوند؛ از هوشیاران و ذاکران نیستند؟!

دستور امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر خواندنی و عبرت آموز است آنجا که می فرماید:

"... وَ إِيَّاكَ وَ الْإِسْتِثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَهُ وَ النَّعَابِي عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدَّ وَضَحَ لِلْعُيُونِ فَهَائِهِ مِأْخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ وَ عَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَعْطِيَهُ الْأُمُورِ وَ يُنْتَصَفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ امْلِكْ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ وَ سَوْرَةَ حِدِّكَ وَ سَيْطَوَةَ يَدِكَ وَ غَرْبَ لِسَانِكَ وَ اخْتِرْسَ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْيَادِرِهِ وَ تَأْخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسِيْرُكَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَ لَنْ تُحْكِمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ ..."^(۱)

به هنگام خشم خویشتندار باش و تندی و سرکشی نکن و دست قهر پیش مدار و تیزی زبان بگذار، و از این امور خودداری کن، با سخن ناسنجیده بر زبان نیاوردن، و در قهر تأخیر کردن، تا خشم آرام شود و عنان اختیار به دستت آید، و چنین قدرتی بر خود نیابی مگر آن که فراوان به یاد آری که در راه بازگشت به سوی کردگاری... .

با تأمیل در این کلام نورانی روشن می شود که یاد معاد، زمینه ساز تسلط بر نفس و خویشتنداری و تقوا و ضامن اجرای عدالت فردی و اجتماعی است و تا ایمان و باور قلبی به سرای آخرت و روز محاسبه نباشد، انتظار رفع تبعیض و اجرای عدالت اجتماعی بیهوده است. پس

ص: ۶۸

یاد خدا و معاد، راه منحصر به فرد گسترش قسط و عدل در جامعه و پیشگیری از ظلم و جرم است.

راه های عملی تقویت یاد معاد

برای آنکه یاد معاد هر چه بهتر و بیشتر در بین مردم نفوذ کند و غفلت از این موضوع مهم کاسته شود، راه های بسیاری مانند زیارت اهل قبور، شرکت در تشییع جنازه و ... وجود دارد، ولی در اینجا فقط به ذکر چند مورد مهم بسنده می شود.

انس با خورشید جاوید

قرآن مجید، خورشید جاوید است و همگان را به سوی خیر و خوبی هدایت می کند. اگر با این آخرین کتاب آسمانی، ارتباط و انس بهتر و بیشتری برقرار کنیم؛ اشتباهات و غفلت هایمان کمتر می شود. در قرآن کریم مطالبی که برای سعادت انسان مهم و سرنوشت ساز است و نقش کلیدی دارد؛ فقط یکی دو بار ذکر نمی شود،

بلکه بارها تکرار و تلقین می گردد تا در ذهن و جان مخاطبان تثبیت شود و به صورت ملکه و حافظه دراز مدت در آید. معاد و زندگی جاودان اخروی و محاسبه اعمال و پاداش و عقاب، از این مطالب کلیدی است که در قرآن کریم صدها بار با تعبیر گوناگون بیان شده است. برخی از این تعبیرهای تأمل برانگیز چنین است:

ص: ۶۹

(يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ). (۱)

آن روز مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان در جلو آنان و به جانب راستشان دوان است. [به آنان گویند: «امروز شما را مژده باد به باغ هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است؛ در آنها جاودانید. این است همان کامیابی بزرگ.

(يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ) (۲)

روزی که آدمی از برادرش و مادرش و پدرش و همسرش و پسرانش فرار می کند .

(يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ). (۳)

روزی که چهره هایی سپید، و چهره هایی سیاه گردد. اما سیاه رویان [به آنان گویند: «آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به سزای آنکه کفر می ورزیدید [این] عذاب را بچشید.

ص: ۷۰

۱- حدید/۱۲.

۲- عبس/۳۴-۴۲.

۳- آل عمران/۱۰۶.

(إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا.) (۱)

ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم؛ روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید: کاش من خاک بودم.

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.) (۲)

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است.

آشنایی با اسرار نماز

نماز همچنان که یاد خدا را در درون انسان زنده می کند، توجه به معاد را نیز به ما می آموزد. البته نماز در صورتی چنین نقش مهمی را انجام می دهد که همراه با حضور قلب و توجه به معانی و راز و رمزهای آن باشد و گرنه از نماز صوری و ظاهری، چندان ثمری به دست نمی آید. به یاد داشته باشیم که در روز قیامت اگر نماز انسان پذیرفته شد سایر اعمال پذیرفته می شود و اگر مردود شود کارهای

ص: ۷۱

۱- نبأ/۴۰.

۲- قصص/۸۳.

دیگر نیز ردّ می شود. (۱) در سوره حمد می خوانیم: "مالک يوم الدين." که این جمله روز قیامت و کیفر و پاداش را یادآوری می کند.

وقتی در نماز سجده می کنیم و پیشانی را بر روی خاک می نهیم؛ آیا به یاد می آوریم که خدای حکیم ما انسان ها را از خاک آفرید و روزی ما را به سوی خودش باز می گرداند؟! وقتی در قنوت نماز دعا می کنیم که:

(... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)؛ (۲)

ای پروردگار ما! در دنیا و در آخرت به ما خوبی عطا کن! و ما را از عذاب آتش ننگه دار!

آیا به معنایش توجه داریم و روز قیامت و محاسبه اعمال و بهشت و جهنم را به یاد می آوریم؟! آیا می اندیشیم که تاکنون نامه اعمالمان را با کدام عبادت و طاعت پُر کرده ایم؟! آیا مطمئنیم که در روز محشر، نامه اعمالمان را به دست راستمان می دهند؟!

حج و زیارت بیت الله

حج، عبادتی با ارزش و مراسمی اجتماعی است که غفلت زدایی می کند و انسان را به سمت و سوی خدا و معاد و روز جزا می کشاند و خاطرات الهام بخش مردان الهی و رفتارهای معنوی و خداپسندانه آنان را برای ما زنده می گرداند.

ص: ۷۲

۱- "أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ عَنِ الصَّلَاةِ، فَإِذَا قَبِلَتْ قَبْلَ مَنْهُ سَائِرَ عَمَلِهِ، وَإِذَا رَدَّتْ عَلَيْهِ رَدًّا عَلَيْهِ سَائِرَ عَمَلِهِ." (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، «فضل الصلوة»، باب ۲، حدیث ۵)

۲- بقره/۲۰۱.

(فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) (۱)

در آن، نشانه هایی روشن است، مقام ابراهیم است؛ هر که در آن درآید در امان است. برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است؛ [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است.

تلبیه و لبیک گفتن در حج «لَبَّيْكَ. اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ. إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكُ لَشَرِيكَ لَكَ...» یادآوری حضور در برابر مقام ربوبی و محاسبه اعمال و تلقینی برای آمادگی بیشتر است. البته اگر کسی حج را به صورت صحیح انجام دهد و به معنا و محتوای آن توجه کند؛ براستی یاد معاد در درونش زنده می شود و خود را برای سیر و سفر ابدی آماده می سازد. لباس سپید احرام که

شبه لباس آخرین خداحافظی و سفر بی بازگشت و ابدی است، می تواند سبب بیداری و نشانه ای برای رهایی شود و ما را از فریفتگی به دنیا بازدارد و متوجه به آخرت و منزل ابدی بسازد. به همین جهت، خدای کریم ما انسان ها را به رعایت تقوا فرا می خواند و ضمانت این مطلب را عظمت زلزله قیامت می شمارد، یعنی ضمانت اجرای قوانین الهی، یاد معاد است:

ص: ۷۳

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ. يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ

مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ.) (۱)

به نام خداوند رحمت گر مهربان. ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است؛ روزی که آن را ببینید، هر شیردهنده ای شیرخواره اش را [از ترس] فرو می گذارد، و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد، و مردم را مست می بینی و حال آنکه مست نیستند، ولی عذاب خدا شدید است.

زیارت مشاهد مشرفه معصومین:

چه خوب است که با اعتقاد و معرفت به زیارت قبرهای منور حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام) و سایر حضرات معصومین (علیهم السلام) برویم و از وجود سراسر جود آنان و روح پر فتوحشان مدد گیریم تا بتوانیم در راه خود سازی و رشد جامعه اسلامی قدمی برداریم. این گونه زیارت ها، پرده های غفلت را برمی دارد و سفر به وطن اصلی را یادآوری می کند.

وقتی به آن بزرگواران سلام می کنیم خوب بیاندیشیم که آنان برترین ها و عالی ترین ها هستند و اگر قرار بود کسی در این دنیا جاودانه بماند، باید این حضرات باقی می ماندند و همین که محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، علیهم آلا ف التحیه و الثناء، رفتند و

ص: ۷۴

هیچ یک در این دنیای فانی نماندند؛ یعنی اینکه همه رفتنی هستیم و هیچ کسی در این جهان برای همیشه نخواهد ماند و استثنایی در کار نیست. همان که خداوند دانا فرمود:

(كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) (۱)

هر کسی که بر روی زمین است فانی و رفتنی است و روی باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می ماند.

پس باور کنیم که اینجا گذرگاهی بیش نیست و همه مسافریم و وطن اصلی و مقصد ما آخرت است. بیاییم آماده باشیم! و آماده تر شویم! و بار سفر ببندیم و بدانیم که خدای متعال فرمود:

(... وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ) (۲)

... و هر کار نیکی انجام دهید، خدا به آن آگاه است. برای خود توشه بردارید که قطعاً بهترین توشه، تقوا و خودنگهداری است، و ای خردمندان! از من پروا کنید.

زیارت معصومین (علیهم السّلام) پیوند بین انسان های زمینی و انسان های آسمانی است. گویی انسان از دریچه ضریح، جهان دیگر را می بیند و گلدسته ها او را به سوی ملکوت می خواند. زمانی که موفق به زیارت امام حسین (علیه السّلام) از راه دور یا نزدیک می شویم و زیارت عاشورا می خوانیم و به یاد شهیدان می افتیم؛ گویی دنیوی نیستیم و دست کم، احساسی خوب و

ص: ۷۵

۱- الرحمن / ۲۶-۲۷.

۲- بقره / ۱۹۷.

متعالی داریم، اندکی آسمانی و معنوی می اندیشیم و لطیف تر سخن می گوئیم و شوقمان برانگیخته می شود که ما نیز مانند آن بزرگواران، خدایی شویم و خالصانه عمل کنیم و برای او بپاخیزیم و ...

کجائید؟! ای شهیدان خدایی!

بلاجویان دشت کربلایی!

کجائید؟! ای سبکباران عاشق!

پرنده تر ز مرغان هوایی!

کجائید؟! ای در زندان شکسته!

بداده وام داران را رهایی!

در زیارت نامه مأثور از اهل بیت (علیهم السّلام) ، مهمترین درس ها، درس توحید و یاد معاد است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت مطهرش: کسانی هستند که انسان ها را از وابستگی به دنیا آزاد می کنند و شعله عشق به خدا و سرای دیگر را در دلها می افروزند.

زیارت گلزار شهیدان

چرا به زیارت قبور شهیدان و عالمان ربانی و اولیای الهی می رویم؟ آیا می خواهیم تشریفاتی خشک و بی روح برگزار کنیم و یا هدف آمرزش گناهان است؟ یا مقصودمان بسی بالاتر از این موارد است و یا فلسفه زیارت اولیای الهی به تعبیر استاد شهید مطهری عبارت از "زنده

نگه داشتن خاطرات محبت معنوی^(۱) است؟ یعنی محبت هایی داریم که بسی برتر از دوستی های معمولی است و ارزش و قداست ویژه ای دارد که هرگز نمی خواهیم فراموش شود؛ پس با زیارت مقربان درگاه خدای کریم می کوشیم خاطرات شیرین آن محبت ها را بار دیگر زنده کنیم و بارها و بارها به زیارت می رویم تا هیچ گاه از یادمان نرود.

وقتی چشممان به قبر مبارک شهیدی می افتد آیا هیچ از خود پرسیده ایم که چرا این جوان رشید و سرو برومند غرقه به خون شد؟! برای کدامین هدف بار سفر را بست و از میان ما مهاجرت کرد؟ چرا دنیا و لذت هایش را رها کرد؟! شهید مانند شمعی ذوب شد و روشنی بخشید و سوخت تا جامعه را بسازد و از دنیایش به خاطر آخرتش گذشت تا هیچ کس به خاطر دنیایش از آخرتش نگذرد. او خون پاکش را در راه خدا داد تا جامعه پاک و پیراسته شود و از جاننش گذشت تا مردم به سلامت از بحران ها بگذرند.

بر هر قبری که گذر کنیم، اگر اهل تعقل و تفکر باشیم و چشم باز کنیم و پنبه غفلت از گوش جان برداریم؛ برای ما پیام ها و عبرت هایی بزرگ دارد. آنان که رفته اند و دیگر دستشان از این دنیای فریبنده کوتاه شده، روزی مانند ما در همین دنیای خاکی بودند و از جانب خدای حکیم امتحان می شدند. درس بزرگ و بسیار سرنوشت سازی است که آنان رفتند و ما هم خواهیم رفت؛ هیچ کسی ماندنی نیست. ماندنی فقط خداست و بس. در جهان آخرت آیا پول و مقام و مدرک

ص: ۷۷

۱- یادداشتهای استاد مطهری، ج ۹، ص ۲۸۴.

و مانند آن برای انسان نفعی دارد؟ هرگز. البته به خدا باید پناه برد و دعا کرد که:

(رَبِّ ... وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ. يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ) (۱)

پروردگارا! ... و روزی که مردم برانگیخته می شوند رسوایم مکن؛ روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد.

روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیداری کننده و عبرت آموز است:

" وَ تَبِعَ جِنَازَهُ فَسَمِعَ رَجُلًا يَضْحَكُ فَقَالَ (علیه السلام): كَأَنَّ الْمَوْتَ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا كُتِبَ وَ كَأَنَّ الْحَقَّ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا وَجِبَ وَ كَأَنَّ
الَّذِي نَرَى مِنَ الْأَمْوَاتِ سَيْفٌ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ تُبَوِّئُهُمْ أَحْجَادَهُمْ وَ نَأْكُلُ تَرَاتُهُمْ ثُمَّ قَدْ نَسِينَا كُلَّ وَاعِظٍ وَ وَاعِظِهِ وَ رَمِينَا بِكُلِّ
جَائِحَةٍ! " (۲)

حضرت علی (علیه السلام) در پی جنازه ای می رفت، شنید مردی می خندد.

فرمود: گویا مرگ را در دنیا بر غیر ما نوشته اند، و گویا حق را در آن بر عهده جز ما گذاشته اند، و گویی آنچه از مردگان
می بینیم مسافرانند که به زودی نزد ما باز می آیند، و آنان را در گورهایشان جای می دهیم و میراثشان را می خوریم، پنداری
ما از پس آنان جاودان به سر می بریم! سپس پند هر پند دهنده را فراموش می کنیم و نشانه تیر بلا و آفت می شویم.

ص: ۷۸

۱- شعراء / ۸۳-۸۸.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۲.

و نیز حضرت امام علی (علیه السلام) فرمود:

"... عَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَ هُوَ يَرَى الْمَوْتَ! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْآخِرَى وَ هُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَى! وَ عَجِبْتُ لِغَامِرِ دَارِ الْفَنَاءِ وَ تَارِكِ دَارِ الْبُقَاءِ!" (۱)

در شگفتم از کسی که مرگ را فراموش کرده در حالی که مردگان را می بیند! و تعجب می کنم از کسی که حیات و بعثت دیگر را انکار می کند، در حالی که حیات اول را می بیند! و در عجبم از کسی که خانه فانی را آباد ولی خانه باقی را رها می کند!

مجالس نورانی

آیا واقعاً هر جلسه و مجلسی برای رشد و سعادت انسان مفید است یا نه؟ با کمال تأسف بسیاری از جلسه ها ظلمانی است و نه تنها سودی ندارد، بلکه خود عامل غفلت و غرور است و آتش و سوسه های شیطانی را در ما شعله ور می سازد؛ پس هر چه از این گونه محافل دوری گزینیم بیشتر در امان و سلامت می مانیم. ولی در مقابل برخی جلسات نورانی هست که درخت پر برکت ایمان را بارور می سازد و چشمان را روشن می کند و برای ما راهی به سوی آسمان می گشاید.

حضور در جلسات تلاوت و تفسیر و ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السّلام) و تاریخ پیامبران و پیشوایان اسلام و مجالس دعا و خاطرات شهیدان و مجاهدان و مجالس گرامی داشت صالحان و قرائت احادیث معصومین (علیهم السّلام)

ص: ۷۹

یکی از راه های تقویت یاد معاد و قیامت است. این گونه مجالس از سویی یاد و محبت خدا و اولیای الهی را در قلب ما زنده می کند و از سویی دیگر می تواند شوقی در ما برانگیزاند تا تلاش بهتر و بیشتری برای آبادی آخرت خود انجام دهیم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

"حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرْفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ." (۱)

حاملان قرآن، در روز قیامت سروران اهل بهشتند.

در مجالس بزرگداشت شهیدان، جانبازی و فداکاری و مجاهده در راه معبود راستین ستایش می شود و از این جهت واقعاً به ما نور و معنویت و انرژی لازم برای فعالیت بیشتر می بخشد. ذکر شهید، یاد کردن از کسی است که خدا را دوست دارد و در راه رضای او جانفش را قربانی کرده و به این ترتیب درستی ادعایش ثابت شده است. طبیعی است که اگر از شهیدان بزرگی چون حرّ بن یزید ریاحی، یادی شود؛ هر کسی بشنود و هر قدر جرم هم کرده باشد باز هم تشویق می شود که توبه کند و به درگاه الهی بازگردد و راه عبادت خدا و خدمت به بندگان او را در پیش بگیرد.

مطالعه وصیت نامه و زندگی نامه شهدا

هر انسانی در وصیت نامه اش معمولاً بهترین مطالب و حاصل تجربه عمر خودش را می نویسد و به دیگران سفارشی می کند. شهیدان انسان های ممتازی هستند که در راه خدای کریم مجاهده کردند و برای رضای آن بهترین دوست، برترین هدیه ای که داشتند - جان خود

ص: ۸۰

۱- کنز العمال: ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲۲۸۹، عن الامام الحسين (عليه السلام)، به نقل از حکمت نامه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) (عربی- فارسی)، ج ۴، ص ۶۰.

- را در طبق اخلاص نهادند و تقدیم کردند. نوشته ها و وصیت نامه های این وارستگان برای ما وابستگان به دنیا و زرق و برق های آن؛ پنجره ای باز شده به سوی آفتاب ملکوت است، که اگر قدرش را بدانیم شاید بتواند راهی به رهایی ما از ظلمات جهل و غفلت و شهوت بگشاید.

مطالعه تاریخ

وقتی به آثار و بناهای باستانی در شهرها و روستاها و یا در موزه ها می نگریم، کنجکاو می شویم که این اشیای زیبا و گران بها و یا ساختمان های باشکوه و شگفت آور تحت اختیار چه کسانی بوده و چگونه پدید آمده است و چگونه از بین رفته است؟ ولی شاید تاکنون مهمترین پیام آثار باستانی و تاریخی را دریافت نکرده ایم که انسان رفتنی است. اگر مال و مقام به کسی وفا می کرد آیا به من و شما می رسید؟!

سرگذشت و سرنوشت اقوام و مردمان روزگاران پیشین نیز برای ما درس های بسیاری دارد، بلکه آینه هایی برای

عبرت است که اگر آن را خوب ببینیم و فراگیریم؛ زندگیمان تغییر کند. شاهان و حاکمانی که روزی برو و بیا و بگیر و ببند و دبدبه و کبکبه ای داشتند و کشورگشایی می کردند و خون می ریختند و هیچ ترسی نداشتند، کجا رفتند و چرا نماندند؟! فرعون ها و چنگیزها کجا رفتند؟! ... در قرآن کریم آمده است:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ. (۱)

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟

آیا این دستور حکیمانه خدای متعال را شنیده و به آن عمل کرده ایم؟ آیا می‌پنداریم که داستان گذشتگان، شوخی و بازیچه است؟! در فرهنگ اسلامی، سیر و سیاحت و جهانگردی مایه غفلت و خوشگذرانی نیست بلکه اهدافی متعالی و معنوی دارد و ابزاری برای نگرستن عمیق و عبرت‌پذیری است.

(لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ). (۲)

به راستی در سرگذشت آنان (مردمان گذشته)، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است، و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.

قهرمانان و پهلوانان هم رفتند و در این دنیا برای همیشه نماندند.

خوبان و بدان، ظالمان و مظلومان، ثروتمندان و فقیران، همه و همه

ص: ۸۲

۱- آل عمران/۱۳۷.

۲- یوسف/۱۱۱.

رفتند و هیچ یک در اینجا ماندگار نشدند. پس آیا می توان احتمال داد که ما در این دنیا بمانیم و زندگی ابدی داشته باشیم؟! هرگز.

در عالم آخرت چه کسانی وضع بهتری دارند؟! صالحان یا فاسدان؟! ستمگرانی که در این دنیا مردم را بندگان خود می پنداشتند و ظالمانه شکنجه و آزار می دادند؛ در سرای دیگر و در برابر محکمه عدل الهی چه پاسخی و چه سرانجامی دارند؟! سارقان و فریبکاران و رباخواران و ... در روز حسابرسی چه وضع و حالی دارند و چه عاقبتی در انتظارشان است؟! گران فروشان و کم فروشان و احتکارگران و امثال آنان چگونه محشور می شوند؟! خدای حکیم فرمود:

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى). (۱)

و هر کس از یاد من دل بگرداند، برستی که زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم.

(وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا). (۲)

و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراه تر خواهد بود.

آیا بهتر نیست ما در این جهان طوری رفتار کنیم که در آن جهان، شاد و سرافراز باشیم و در بهشت در جوار اولیای الهی و رسول اکرم

ص: ۸۳

۱- طه/۱۲۴.

۲- اسراء/۷۲.

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت طیب و طاهرش: آرامش و آسایش بیابیم؟! اگر بهشت می خواهیم اندیشه ها، گفتارها و کردارهایمان هم باید الهی و بهشتی باشد و اگر از جهنم بیزاریم پس باید از هر فکر، سخن و کار شیطانی و جهنمی هم بپرهیزیم. به تعبیر قرآن کریم:

(مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصِيرُ عَدُوُّ الْكَلِمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ.) (۱)

هر کس عزت و سربلندی می خواهد، عزت یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود، و کار شایسته به آن رفعت می بخشد. و کسانی که با حيله و مکر کارهای بد می کنند، عذابی سخت خواهند داشت، و نیرنگشان خود تباه می گردد.

ص: ۸۴

پرسش و پژوهش (درس سوم)

- ۱- چه کسانی واقعاً به یاد معاد هستند و چه کسانی غافلند؟
- ۲- نماز و حج چگونه می تواند یاد معاد را در جان ما زنده کند؟
- ۳- چه کارهایی ما را دچار غفلت از یادآوری سرای آخرت می کند؟ مثالی ذکر کنید.
- ۴- اگر برای حضور در جشن عروسی دعوت شویم و در همان زمان مجلس بزرگداشت شهیدی برقرار شود و نتوانیم در هر دو شرکت کنیم؛ شایسته تر است کدام را برگزینیم؟ چرا؟
- ۵- یاد معاد چه نقشی در پیش گیری از جرم دارد؟
- ۶- یاد عملی معاد چیست و چه فرقی با یاد قلبی دارد؟

۷- آیا یاد زبانی (لفظی) معاد هیچ فایده ای ندارد؟

ص: ۸۶

- ۱- یاد معاد، آیت الله عبدالله جوادی آملی، انتشارات رجا.
- ۲- مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۳- معاد در قرآن، آیت الله حسین مظاهری، انتشارات شفق.
- ۴- معاد از نظر جسم و روح، حجت الاسلام محمد تقی فلسفی، هیئت نشر معارف اسلامی.
- ۵- معاد یا آخرین سیر تکاملی انسان، غلامرضا سلطانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

درس چهارم: ارزش و اهمیت کار و اشتغال

اشاره

ص: ۸۹

ارزش و اهمیت کار و اشتغال

هیچ گنجی بدون رنج به دست نمی آید؛ انسان فقط به وسیله کار و تلاش می تواند به کمالات روحی و موفقیت های اجتماعی دست یابد. به تعبیر قرآن کریم:

(وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (۱)

و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ...) (۲)

خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. به سود اوست هر چه [خوبی که] خود به دست آورده و به زیان اوست هر چه [بدی که] خودش فراهم کرده است. ...

ص: ۹۱

۱- . نجم/۳۹.

۲- بقره/۲۸۶.

(كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً.) (۱)

هر کسی در گرو دستاورد خویش است.

اگر در این آیات نورانی تدبّر و دقّت شود، این چنین نتیجه گیری می شود که امور این جهان، قانون مند است و هیچ چیزی به صورت شانسی و بدون علت حاصل نمی شود و فعالیت و کار خود انسان، در پیروزی یا شکست و خوشبختی یا بدبختی او نقشی بی بدیل و سرنوشت ساز دارد و انتخاب و عملکرد اوست که آینده اش را رقم می زند. دعا و راز و نیاز با خدا هرگز جایگزین کار و فعالیت فرهنگی و اقتصادی و ... نمی شود و البته کار و اشتغال نیز به هیچ وجه نمی تواند جای دعا و نیایش را بگیرد. دعا و کار هر یک به جای خود، مفید و لازم است و انجام هر کدام می تواند به نتیجه بخشی دیگری کمک کند.

بوسه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دستان کارگر

در روایت تاریخی ذیل ارزش تلاش برای تأمین نیازهای مادی و معنوی زندگی، به خوبی به نمایش در آمده است:

(إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أُقْبِلَ مِنْ غَزْوَةِ تَبُوكَ اسْتَقْبَلَهُ سَعْدُ الْأَنْصَارِيِّ، فَصَافَحَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: مَا هَذَا الَّذِي أَكْتَبَ يَدَيْكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَضْرِبُ بِالْمَرْءِ وَالْمِسْحَاهِ فَاَنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِي.

ص: ۹۲

فَقَبَّلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَالَ: هَذِهِ يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ أَبَدًا. (۱)

آنگاه که پیامبر خدا از نبرد تبوک باز گشت، سید انصاری به پیشواز ایشان آمد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از آن که با او مصافحه کرد، پرسید: چه چیزی دستانت را این گونه سخت کرده است؟! (دستانت چطور پینه بسته و زبر شده است؟!) گفت: ای پیامبر خدا! به ریسمان و بیل، دست می زنم و هزینه خانواده ام را فراهم می آورم. پیامبر خدا، دست او را بوسید و فرمود: این، دستی است که هرگز آتش به آن نمی رسد."

معنای رفتار و گفتار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آن است که کار باعث عزت کارگر در دنیا و آخرت می شود و از نظر اسلام قداست و ارزش والایی دارد. در روایات متعددی تلاش برای کسب روزی حلال و تأمین مخارج خانواده، فریضه واجب دانسته شده است؛ مثلاً رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. (۲)

طلب کردن روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

و آن قدر مورد تشویق قرار گرفته که حتی هم ردیف با جهاد در راه خدا شمرده شده است. از حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) نقل شده که:

ص: ۹۳

۱- اسد الغابه: ج ۲ ص ۴۲۰ الرقم ۱۹۶۷. (بنا بر نقل حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (عربی- فارسی)، ج

۱۳، ص ۲۶.)

۲- بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۹، ح ۳۵.

کسی که تلاش می کند روزی خانواده اش را از راه حلال تأمین کند، مانند کسی است که در راه خدا مجاهده می کند.

مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا؛ اسْتِعْفَا عَنِ الْمَسْأَلَةِ، وَ سَعِيَ عَلَى أَهْلِهِ، وَ تَعَطَّفًا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ وَ وَجَّهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. (۲)

کسی که دنیا را از راه حلال بطلبد برای آنکه نیازمند مردم نشود و اهل و عیالش را تأمین کند و در حق همسایگانش لطفی روا دارد؛ روز قیامت خدا را ملاقات می کند در حالی که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد.

علامه محمد تقی جعفری داستان آموزنده ای از استادش، آقای شیخ مرتضی طالقانی^۱ نقل کرده است که اهمیت و ارزش کار و فعالیت در این دنیا را به خوبی می رساند و عواقب غفلت از آن را با بیانی تأثیرگذار یادآور می شود:

دو روز به مسافرت ابدی استاد مانده بود، مانند هر روز به حضورش رسیدم، وقتی که سلام عرض کردم و نشستم، فرمودند: برای چه آمدی آقا؟! عرض کردم: آمده ام که درس را بفرمایید. شیخ فرمود: برخیز و برو. آقا جان! برو. درس تمام شد. چون آن زمان؛ دو روز مانده به ایام محرم بود، خیال کردم که ایشان گمان کرده است که

ص: ۹۴

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۸، ح ۳۶۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۷، ح ۱.

۲- الكافي، ج ۵، ص ۷۸، ح ۵.

محرم وارد شده و درس های حوزه نجف برای چهارده روز به احترام سرور شهیدان امام حسین (علیه السلام) تعطیل است، لذا درس های ایشان هم تعطیل شده است. عرض کردم: دو روز به محرم مانده است و درس ها دائر است. شیخ در حالی که کمترین کسالت و بیماری نداشت و همه طلبه ها از سلامت کامل شیخ مطلع بودند فرمودند: آقا جان به شما می گویم: درس تمام شد، من مسافرم و بلافاصله گفت: لا إله إلا الله. در این حال اشک از چشمانش سرازیر شد و من در این موقع متوجه شدم که شیخ از آغاز مسافرت ابدیش خبر می دهد با این که هیچ گونه علامت بیماری در وی وجود نداشت و طرز صحبت و حرکات جسمانی و نگاه هایش کمترین اختلال مزاجی را نشان نمی داد. عرض کردم: حالا - یک چیزی بفرمایید تا بروم. فرمود: آقا جان فهمیدی متوجه شدی بشنو:

تا رسد دستت به خود شو کارگر

چون رفتی از کار خواهی زد به سر

بار دیگر کلمه لا إله إلا الله را گفت و دوباره اشک از چشمان وی به صورت و محاسن مبارکش سرازیر شد. (۱) نکته اصلی اینجاست که انسان قبل از آنکه به مرحله پیری و از کار افتادگی برسد، باید فعالیت کند و گرنه وقتی که به بازنشستگی رسید دیگر پشیمانی سودی ندارد.

ص: ۹۵

اگر آدمی نفس خود را به اندیشه‌ها و کارهای مفید مشغول نسازد، نفس او را رها نمی‌کند و به پندارها و کردارهای زیانبار شیطانی می‌کشانند و نتیجه بیکاری و هوسرانی چیزی جز فساد و پشیمانی نیست.

آثار کار و اشتغال

یک – محبوبیت در نزد خدا

کار و شغل مثل عبادت مقدس و نزد خداوند محبوب است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

"ان الله يحبّ المؤمن المحترف." (۱)؛

خدا مؤمنی را که حرفه‌ای دارد و کار می‌کند دوست دارد.

اگر به دنبال رشد و تعالی و رستگاری هستیم، محبوبیت در نزد خدا، معیار و ارزش بزرگی است که هیچ ملاک دیگری با آن برابری نمی‌کند.

ص: ۹۶

۱- المعجم الأوسط: ج ۸، ص ۳۸۰، ح ۸۹۳۴؛ عن سالم عن أبيه؛ مسند زید: ص ۲۵۵، عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله. (بنابر نقل حکمت نامه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، ج ۱۳، ص ۲۶)

کار کردن باعث تقویت عزت نفس می شود، زیرا کسی که کاری را بر عهده می گیرد و به انجام می رساند؛ احساس خوب و خوشی به او دست می دهد و در می یابد که وجودش بی ثمر نیست. البته شخصی که برای مردم مفید است؛ احترام و ارزش اجتماعی دارد و هرگز مورد تحقیر قرار نمی گیرد.

سه - جلوگیری از گناه

انسانی که کار و فعالیت می کند و در نتیجه آن احساس کرامت و عزت نفس دارد، خود را برتر از آن می داند که به گناه و بدی آلوده شود. جرم و شرارت در نزد چنین انسان شریفی، ذلت و پستی است که یک انسان با شخصیت روح خود را به آن نمی آلاید. به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

"من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته." (۱)

آن کس که کرامت نفس دارد؛ شهوت رانی برایش سبک و کم ارزش است.

به طور مثال، مردمی که در زمان جاهلیت قتل و غارت می کردند ارزش خود را نمی شناختند، ولی آنگاه که ایمان به خدا آوردند؛ دست از زشتی و بدی برداشتند و به خودسازی و جهاد و فداکاری پرداختند. حضرت جعفر بن

ص: ۹۷

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۱۳؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۲۶. و در روایت دیگری دارد که: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه الدنیا.» (هر کس کرامت نفس داشته باشد دنیا نزد او حقیر و ناچیز است.) تحف العقول، ص ۲۰۱. و نیز ر.ک. یادداشتهای استاد مطهری، ج ۶، ص ۴۴۵ - ۴۴۶.

ابی طالب (علیهما السلام) در دربار نجاشی، پادشاه حبشه، گزارش کوتاه و گویایی از چنین دگرگونی مهمی را بیان کرده است. (۱)

در قرن دوم هجری مردمانی زندگی می کردند که به پندار خود زاهد بودند، ولی افکار و عاداتی ناروا داشتند مثلاً؛ می پنداشتند که اشتغال و تلاش برای کسب روزی حلال، با تقوا و دینداری سازگار نیست. یکی از اینان روزی در اطراف مدینه چشمش به مردی تنومند افتاد که در هوای گرم تابستان در مزرعه اش، عرق ریزان، مشغول کار است. شگفت زده شد و از خود پرسید این کیست که در هوای به این گرمی خود را به خاطر مال دنیا به زحمت انداخته است؟ برای نصیحت او نزدیک تر رفت. وقتی به نزد آن مرد کارگر رسید شگفتی اش بیشتر شد، زیرا او حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) بود. بعد از سلام، گفت: آیا سزاوار است کسی مانند شما به دنبال دنیا برود؟! اگر اجل شما در این همین حال برسد چه خواهی کرد؟ و چه جوابی به خدا می دهی؟! امام باقر العلوم (علیه السلام) سلامش را جواب داد و فرمود:

اگر در این حال از دنیا بروم خوشحالم که در حال عبادت خدای تعالی از دنیا رفته ام. من مردی دارای اهل و عیال هستم و اگر کار نکنم باید به سوی تو و سایر مردم دست

ص: ۹۸

۱- السیره النبویه، عبد الملک بن هشام الحمیری، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلیبی، دار المعرفه، بیروت، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۸.

نیاز دراز کنم. زمانی باید از أجل و آمدن مرگ بترسم که در حال معصیت خدای تعالی باشم.

مرد زاهد قانع شد و گفت حقّ با شماست. من خواستم ترا نصیحت کنم، ولی اشتباه کردم و شما مرا بخوبی راهنمایی کردی. (۱)

مثالی دیگر: نقل شده که در یکی از شهرهای آمریکا، مردم متوجه یک بیماری در خانواده ها شدند؛

همه شکایت می کردند که زن ها کاری جز قماربازی ندارند. به همین خاطر به دنبال راه حلّی می گشتند. سخنرانی و موعظه های واعظان مسیحی هم تأثیری نگذاشت. این زنان بیکار بودند و خلأ روحی داشتند و می خواستند اوقات خود را با این کار و عادت ناشایست پر کنند و طبیعی است که تا انسان، کار جدید نیابد عادت قدیم را رها نمی کند. شهردار می گوید من این بیماری را درمان می کنم. او فعالیت هایی مانند بافندگی و گل دوزی و نقاشی و ... را مورد تشویق قرار داد و مسابقه هایی برگزار کرد و به بهترین ها جایزه های قابل توجه داد. به تدریج عادت بد قماربازی زنان از بین رفت و همان زنان فعال شدند و به کارهای تولیدی و هنری روی آوردند. (۲)

ص: ۹۹

-
- ۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۷. (به نقل از ارشاد شیخ مفید) و نیز ر. ک. حکمت ها و اندرزها، شهید مرتضی مطهری ص ۱۹۹-۲۰۲. و داستان راستان، شهید مطهری، ج ۱، ص ۷۵. (داستان ۲۱: نصیحت زاهد).
 - ۲- تعلیم و تربیت در اسلام شهید مرتضی مطهری ص ۴۱۸ - ۴۱۹.

از قول پاستور مخترع و دانشمند معروف نقل شده که:

"بهداشت روانی انسان در لابراتوار و کتابخانه است."

مقصود وی این است که نیروی تفکر در لابراتوار و کتابخانه آنقدر متمرکز می‌گردد که مجالی برای ناراحتی باقی نمی‌ماند. مطلق کارهایی که بتواند عشق و علاقه را جذب کند و فکر را عمیقاً جلب و متمرکز کند همین خاصیت را دارد. کارهای هنری و صنعتی که انسان در آنها آفرینندگی و خلاقیت خود را مشاهده می‌کند بیش از کارهای انتفاعی مؤثر است. چرا بسیاری از بیکارها و پولدارها خودکشی می‌کنند؟ صادق هدایت به دلیل اینکه یک مرد نازپرورده اشراف زاده ای بود و دست به سیاه و سفید نمی‌زد؛ منحرف شد و پوچی و بدبینی را تبلیغ کرد و سرانجام خود دست به خودکشی زد. (۱)

تفاوت بیکاری و تنبلی

شخص بیکار باید برای یافتن شغل مفید جستجو و مشورت کند. برخی از بیکاران، سواد و تحصیلات دارند ولی مهارت عملی ندارند. در این صورت، مفیدترین اقدام؛ حضور فعال در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای یا کسب مهارت لازم نزد اهل تجربه و حرفه است.

گاهی دیده می‌شود که برخی از مردم دست روی دست می‌گذارند و هیچ فعالیتی نمی‌کنند؛ به این بهانه که بیکاریم و به شغل معین و ثابتی دست نیافته‌ایم! گویی اینان می‌پندارند چون فعلاً شغل اداری معین یا اشتغال ثابت دیگری ندارد و تلاش و مشاوره و پیگیری اش برای

ص: ۱۰۰

شغل یابی نتیجه بخش نبوده است اجازه دارد که فقط مشغول تفریح و گشت و گذار شود و عمر خود را به هدر دهد. هر انسانی در هر حال وظیفه دارد به فعالیت های مفید پردازد و انرژی خود را بی جهت تلف نکند. بی تردید اِتلاف گوهر وقت زیانبار است و در دنیا و آخرت موجب پشیمانی است. کسی که شغلی ندارد اگر برای رضای خدای کریم، به کمک دوست و آشنا و فامیل و حتی مردم کوچه و بازار بشتابد و ایثار و فداکاری کند و در جهت خدمت به آنان گام بردارد، نه تنها هیچ ضرری نکرده بلکه ثواب هم برده است و صد البته کسی که حرکت کند و به مردم خیر برساند خودش هم خیر و برکت می بیند و خدای کریم بزودی برای او اشتغال شایسته فراهم می آورد و مردم هم در رفع نیاز شغلی چنین فردی می کوشند.

گسترده‌گی دامنه کارهای مفید

کار مفید عبارت از هر نوع فعالیت پسندیده عقلایی است که باعث می شود انسان از وقت و عمرش به نفع خود و جامعه بهره گیرد و وجدانش آسوده شود. بنابراین، کارهای مفید فراوان است و نباید آن را محدود به کارهای اداری و رسمی شمرد. اگر کسی اهل کار باشد آنقدر کار مفید هست که انسان حتی لحظه ای بیکار نمی ماند. انواع کارهای خدماتی، تولیدی و توزیعی در بخش های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی، درمانی، نظامی و انتظامی و ... وجود دارد. همان طور که تولید یک کالای صنعتی کاری مفید است؛ جامعه به تولید علمی هم نیاز دارد و کار خدماتی نیز محترم است.

همان طور که هر فردی در جامعه اسلامی مسئولیت دارد که بکوشد و برای بهبود وضع زندگی خود و دیگران کار و فعالیت کند؛ یکی از مسئولیت های دولت اسلامی نیز تأمین اجتماعی و پشتیبانی مادی و معنوی است. بیمه، یکی از حقوق کسانی است که سالیانی برای جامعه اسلامی خدمت کرده و اکنون از کار افتاده شده و نیاز به یاری دارند و باید عزت و استقلالشان محفوظ بماند.

روایت ذیل از نظر بیان وظیفه دولت اسلامی، مهم و آموزنده است:

"مرّ شیخ مکفوف کبیر یسأل فقال أمیر المؤمنین علیه السلام: ما هذا؟ فقالوا: یا أمیر المؤمنین، نصرانی. فقال أمیر المؤمنین علیه السلام: استعملتموه حتی إذا کبر و عجز منعموه؟! أنفقوا علیه من بیت المال." (۱)

پیرمردی سالخورده و کور، که در حال گدایی بود، عبور کرد. امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: این چه وضعی است؟ (۲) گفتند: ای امیر مؤمنان این مردی نصرانی است. امیر مؤمنان (علیه السلام) با شگفتی پرسید: هنگامی که جوان و توانا بود از او کار

ص: ۱۰۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹.

۲- حضرت علی علیه السلام پرسید: من هذا؟ (این کیست؟) بلکه پرسید: ما هذا؟ یعنی این چه وضعیتی است که می بینم؟! ولی گویی مخاطبان متوجه نشدند و پاسخ دادند: نصرانی است و یا مقصود را دریافتند ولی پنداشتند که چون غیر مسلمان است دولت اسلامی در مورد او وظیفه ای ندارد.

کشیدید و اکنون که پیر و ناتوان شده است رهایش کرده اید؟! به او از بیت المال مستمری بدهید.

در این فرمان، بیمه بازنشستگی برای اقلیت غیر مسلمان قرار داده شده است. پس حکومت اسلامی مسئولیت بیمه اقلیت های دینی را نیز بر عهده دارد.

کار انسانی و عبادت الهی

آیا هر کار سودمند و مشروعی را که انسان برای تأمین اقتصاد خانواده خود انجام می دهد می توان طاعت و عبادت الهی و دارای ثواب اخروی دانست؟ بعضی از مردم به این پرسش پاسخ منفی می دهند و می پندارند که عبادت فقط نماز و روزه و مانند آن است و هیچ فعالیت دیگری را نمی توان جزو عبادت خدا شمرد. ولی کار با شرایطی و به یک معنای خاصّ عبادت به شمار می آید.

عبادت دو نوع است: عبادت به معنای خاصّ و عبادت به معنای عامّ. تدریس و تألیف و خیاطی و پزشکی و مانند آن، عبادت به معنای خاصّ نیست ولی ممکن است عبادت به معنای عامّ باشد. شرط مهمّ برای آنکه فعالیت را بتوان عبادت به معنای عامّ شمرد؛ آن است که اولاً مباح و مشروع باشد و ثانیاً به نیت تحصیل قرب و رضای الهی انجام شود. معلّمانی که با شور و نشاط مطالعه و تحقیق می کنند و به تدریس می پردازند و جوانان را از ظلمات جهل می رهانند و یا کارگرانی که می کوشند و در کارخانه ها به تولید می پردازند یا هنرمندانی که قصّه های قرآنی را به صورت فیلم تولید می کنند و... همه و همه اگر به نیت قرب الهی فعالیت کنند؛ درحقیقت در حال عبادت خداوند حکیم هستند.

ص: ۱۰۳

نقش کار و اشتغال در پیشگیری از جرم

کسی که کار می کند و نیرویش صرف امور مفید می گردد؛ احساس شخصیت و عزت نفس می کند. کسی که عزت و کرامت دارد خودش را برتر از آن می داند که به کجروی روی آورد. او خودش را شایسته رسیدن به قله های کمال و پیشرفت می داند و در این راه سختی ها را به جان می خرد و کوه مشکلات را با اراده ای استوار خرد می کند.

راه های عملی ترویج فرهنگ کار

در چند صورت انتظار می رود که فرهنگ و روحیه کار و تلاش سازنده در جامعه روز به روز رواج پیدا کند و تقویت شود:

۱. حاکمان و مسئولان فقط اهل شعار نباشند و تنها مردم را نصیحت نکنند بلکه واقعاً خودشان اهل کار و فعالیت مفید باشند و از سستی و لهو و لعب واقعاً پرهیزند.

۲. کارگران و فعالان صاحب صلاحیت در عرصه های فرهنگ و اخلاق و اقتصاد و ... به صورت شایسته تجلیل و معرفی شوند؛ به صورتی که اصل کار و فعالیت سازنده به عنوان یک ارزش مهم و یک افتخار برای همگان پذیرفته شود و نخبگان به کارآفرینی روی آورند.

۳. ارتقا یا محرومیت شغلی و تشویق یا تنبیه اجتماعی و حقوقی متناسب با میزان فعالیت های سودمند یا مضر برای جامعه اسلامی، هر چه دقیق تر و عادلانه تر اجرا شود.

۴. تحصیل علم برای آن است که انسان بتواند بهتر و دقیق تر کار کند تا به نتیجه های عالی تری برسد. بنابراین، اینکه بعضی می گویند "درس بخوان تا کار نکنی!" پندار و وسوسه ای بیش نیست.

۵. والدین و مربیان باید فرزندان و دانش آموزان خودشان را به کار و فعالیت عادت دهند و آنان را از صفت ناپسند تنبلی و نازپروردگی بیزار سازند.

۶. اولیاء و مربیان و مسئولان دینی و فرهنگی و سیاسی باید نسل جوان را با شیوه های گوناگون با رموز موفقیت بزرگان (دانشمندان، مخترعان، مصلحان اجتماعی و ...) آشنا سازند. از رمزهای پیروزی همه انسان هایی که تأثیری ماندگار بر جامعه داشته اند فعالیت و کار مستمر و خستگی ناپذیری و نظم و برنامه ریزی و مدیریت زمان و ... است.

ص: ۱۰۵

پرسش و پژوهش (درس چهارم)

- ۱- فواید اشتغال مفید کدام است؟ توضیح بفرمایید.
- ۲- اشتغال کاذب کدام است؟ توضیح بفرمایید.
- ۳- چه ارتباطی بین بیکاری و فساد وجود دارد؟
- ۴- آیا می توان کار برای تأمین مخارج زندگی را عبادت خدا دانست؟ توضیح بفرمایید.
- ۵- راه های عملی ترویج فرهنگ و روحیه کار و بیزاری از تبلی و بیکاری کدام است؟
- ۶- کار مفید در این دنیا چه ارتباطی با سعادت در آخرت دارد؟ توضیح بفرمایید.
- ۷- کار و اشتغال چه نقشی در پیشگیری از جرم دارد؟

- ۱- تعلیم و تربیت اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۲- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، استاد محمد تقی جعفری.
- ۳- رمز پیروزی مردان بزرگ، استاد جعفر سبحانی.
- ۴- مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت.
- ۵- خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، محمد رضا سالاری فر، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

درس پنجم : محبت و مدارا

اشاره

ص: ۱۱۱

محبت و مدارا؛ کیفیت معاشرت انسان و سازگاری و همزیستی مسالمت آمیز او با دیگران است که چندان نیازی به تعریف و توضیح ندارد. برای مثال؛ هر عاقلی تفاوت بین دوست و دشمن و نرمی و درشتی را می داند؛ با کسانی که دوست دارند، خوشایند و شیرین برخورد می کنند و با مهربانی از لغزش هایشان می گذرند و به خاطر اشتباهات جزئی به نزاع و بدرفتاری نمی پردازند و می کوشند تا از او رنجیده نشود. بر عکس آنکه به فردی سوء ظن دارد، با بدی و تندی و خشم سخن می گوید و عکس العمل شدید و غلیظی نشان می دهد.

جایگاه محبت و مدارا

مهرورزی و مدارا گاهی نسبت به همه انسانهاست و گاهی نسبت به جمعی خاص؛ گاهی در برابر دوستان است و گاه در برابر دشمنان.

در مقابل اینکه گفته شده «هر آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم پسند و هر چه برای خودت نمی پسندی برای دیگر مردم هم پسند» فرمان دیگری هم داریم:

{ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ

رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكُمْ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهُ فَأَزْرَهُ فَأَسَدَتْغَلْظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا. { (۱)}

محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

افراط و تفریط در محبت

منظور ما در اینجا، زیاده روی والدین و اولیاء و مربیان در ارتباط با فرزندان و شاگردان است. هر چند که محبت برای همه لازم و مفید است و بدون آن زندگی شیرینی و نشاط ندارد، ولی محبت افراطی مانع شکوفایی استعدادها می شود. به طوری که گاهی پدران و مادران ناآگاه از روی علاقه شدید، فرزندشان را به نازپروردگی عادت

ص: ۱۱۴

می دهند و نادانسته آینده آنان را تباه می سازند، زیرا روح استقلال و صبر و مبارزه را در آنها پرورش نداده اند. انسان های وابسته، عجول و ناتوان خیلی زود در برابر مشکلات شکست می خورند. بنابراین، باید فرزندانمان را به صبر و مبارزه عادت دهیم تا بتوانند در برابر سیل عظیم مشکلات پایداری کنند و به یک زندگی موفقیت آمیز دست یابند. انسانی که با رنج و زحمت و تلاش خودش به چیزی دست پیدا کند، قدرش را بهتر می داند و آن را بی جهت

هدر نمی دهد و معمولاً اهل اسراف و تبذیر نیست.

پدر و مادری که فرزندش را دوست دارد، باید به فرزندش محبت و کمک کند، ولی هرگز نباید به جای او کار کند و به بهانه محبت او را به بیکارگی و تنبلی عادت دهد، بلکه باید وی را به انجام کار و تلاشی متناسب با قدرت و استعدادش ترغیب کند تا رنج کار را بچشد و شیرینی رسیدن به محصول را دریابد و صبر بیاموزد و زود رنجی و پر توقعی را به کناری بگذارد و این قاعده زندگی را بیاموزد که؛ ناپرده رنج، گنج میسر نمی شود. باید به فرزندان اجازه دهیم که به تدریج و به اندازه توانشان فعالیت کنند و به مقدار توان و مسئولیتشان، از آنان انتظار داشته باشیم. افراط در محبت، وابستگی شدید و ناتوانی در تصمیم گیری و مبارزه را در پی دارد و نتیجه این وضعیت، عدم استقلال و شکست در برابر مشکلات زندگی و تسلیم در برابر بدی ها و کژی ها است.

تفریط، نقطه مقابل افراط و به این معناست که والدین نسبت به فرزندان از مهر و مودت لازم دریغ بورزند و با خشکی و سردی و خشونت با آنان برخورد کنند.

بدون شکِ افراط و تفریط در محبت هر دو نارواست و تبعات نامطلوبی دارد. تفریط در محبت نسبت به فرزندان و شاگردان، عقده حقارت و خود کم بینی را در آنان به دنبال می آورد و با آمدن این عقده و خلأ روحی، جرم و جنایت رخ می نماید.

اگر محبت به اندازه و بجا باشد در این صورت اعتدال رعایت شده است. اعتدال حدّ وسط بین افراط و تفریط است. اگر والدین به فرزندان نشان هیچ توجهی نکنند و از ابراز علاقه به او دریغ بورزند؛ تفریط و نارواست و اگر چنان او را مورد عنایت و عطوفت قرار دهند که باعث تنبلی و سستی و وابستگی بیش از حدّ وی شوند؛ افراط و نابجاست و فقط محبت به اندازه و متناسب؛ میانه روی و بجا است.

نقش "اعتدال در محبت" در پیشگیری از جرم

اعتدال و میانه روی باعث می شود که هر چیزی به روال طبیعی و مطلوب خود بازگردد و از آن به صورت مناسب استفاده شود. با رعایت این قانون در مهرورزی به فرزندان و شاگردان و ...، نیاز طبیعی آنان به احساس محبوبیت به خوبی و به صورت واقعی اشباع می شود و در نتیجه روحیه عزت نفس و کرامت در آنان تقویت می شود و خود را باور خواهند کرد و نه گرفتار خود کم بینی می شوند و نه خود بزرگ بینی. انسان های خودباور از سویی مأیوس نیستند و جرأت و شجاعت اقدام به کارهای مفید را دارند و امیدوار و با نشاطند و از سویی دیگر مغرور نیستند و توقع های نابجا و غیر عقلایی ندارند و همچنین خود را بالاتر و بزرگتر از آن می دانند که آلوده به جرم و کجروی شوند. بر اثر اعتدال در محبت، سلامت روانی انسان تأمین می شود و کسی که از نظر روانی سالم است به طور معمول راه صحیح و مفید را انتخاب می کند و از جرم و گناه خودداری می ورزد.

حضرات معصومین (علیهم السلام) بهترین نمونه های میانه روی در هر صفتی، از جمله مهرورزی و دشمنی هستند، پس ما باید رفتار و گفتار خود را با آن بزرگواران مقایسه و تصحیح کنیم.

راه های عملی ترویج فرهنگ محبت و مدارا

محبت به خدا

خداوند سرچشمه هر خیر و کمالی است. بنابراین، فقط اوست که محبوب راستین است و شایستگی مهرورزی ابدی را داراست. پس اولین و مهمترین و اصیل ترین نوع محبت آن است که انسان، خدای متعال را از صمیم قلب دوست بدارد و محبت او را با هیچ محبت دیگری عوض نکند. نشانه مؤمن حقیقی آن است که خدای متعال را بیش از همه دوست دارد.

{ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ... } (۱)

و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی گزینند و آنها را چون دوستی خدا، دوست می دارند؛ ولی کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت شدیدتری دارند...

البته رسیدن به محبت الهی، حقیقتی است که با ادعا ثابت نمی شود و نیاز به شاهد و نشانه دارد. چون محبت حقیقی به خدا، در عملکرد

ص: ۱۱۷

انسان تأثیر می گذارد و رفتارهای آدمی می تواند نشانه ای محکم و شاهدهی گویا برای صدق یا کذب ادعایش شمرده شود. دوست راستین خدا، گفتار و رفتارش مورد پسند خداست و همیشه و در هر مکانی فقط رضایت او را در نظر می گیرد و به خوشایندی کس دیگری اهمیتی نمی دهد. پس چگونه می توان کسی را که مدعی دوستی خداست، ولی قانون ها و فرمان های الهی را مراعات نمی کند صادق دانست؟!

محبت به دوستان خدا

کسی که واقعاً خدا را دوست بدارد و شیرینی یاد او را بچشد، طبیعی است که به اولیاء الله هم علاقه و محبتی خاص خواهد داشت. حضرت امام سجاد(علیه السلام) در مناجات محبین، خدا را این گونه مورد خطاب قرار داد:

... يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّهِ رَائِقَةٌ وَ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ يَا مَنْ مَنَى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ وَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ
أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَى قُرْبِكَ وَ أَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سِوَاكَ وَ أَنْ تَجْعَلَ حُبِّي
إِيَّاكَ قَائِماً إِلَى رِضْوَانِكَ وَ شَوْقِي إِلَيْكَ دَائِماً عَنْ عَضِيَّتِكَ وَ ائْتِنِي بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ وَ انْظُرْ بَعَيْنِ الْوُدِّ وَ الْعَطْفِ إِلَيَّ وَ لَا
تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ

الْإِسْعَادِ وَ الْحُظْوَةِ [الْحُظْوَةُ] عِنْدَكَ يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

ص: ۱۱۸

ای که انوار قدسی تو دیدگان محبت را خرمی افزاست و ستایش جمالت دل عارفان را به شوق آورد، ای آرزوی دل مشتاقان و ای پایان آرزوی دوستداران، از تو محبت تو را آرزومندم و محبت آن کس را که محبت تو را دارد و محبت هر کاری را که مرا به پیشگاه قرب تو برساند. از تو می خواهم که خود را در دل من محبوبتر از هر چه جز تو باشد بگردانی و چنین محبتی را کشنده به سوی بهشت خود قرار دهی و چنان کنی که اشتیاقم به تو مرا از نافرمانی تو باز دارد. بر من منت گذار تا نظری بر تو افکنم

و با چشم مهر و توجه مرا بنگر و از من روی مگردان و مرا از زمره مردم نیکبخت و بهره ور به شمار آور که سعادت منزلت داشتن نزد تو را دارند، ای اجابت کننده، ای أرحم الراحمین. (۱)

کسی که خدا و دوستان خدا را از صمیم قلب دوست می دارد، باید پیرو راستین سیره و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد و با اعمال و کردارش این تبعیت را آشکار سازد. موضوع ارتباط بین دوستی خدا و پیروی از رسول خدا در قرآن کریم به روشنی بیان شده است:

{ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } (۲)

ص: ۱۱۹

۱- المصباح المنیر، علی مشکینی، دفتر نشر الہادی، چاپ دوم ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸۱-۱۸۲. مناجات مجبان.

۲- آل عمران / ۳۱.

بگو، اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا

دوستتان بدارد و گناهان شما را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

واضح است کسی که خدا را واقعاً دوست دارد، باید دوستان خدا را هم دوست بدارد و با دشمنان خدا نیز دشمنی بورزد. چگونه می شود که فردی خدا را دوست داشته باشد، ولی دوستان خدا را دوست نداشته باشد؟! و یا با دشمنان خدا دشمنی نوزد؟! فقط آن کسی می تواند با شیطان روابط دوستانه برقرار کند که با خدای رحمان قطع رابطه کرده باشد. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ، وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ وَالْأَيْمَةُ مِنَ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَّتِي، مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ

أَطَاعَنَا فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. (۱)

حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

من سرور و آقای فرزندان آدم هستم. ای علی، تو و امامان بعد از تو سروران امت من هستید. هر کس ما را دوست بدارد در حقیقت خدا را دوست می دارد؛ هر کس که ما را مبغوض دارد، در واقع با خدا دشمنی می کند؛ هر کس ولایت ما را بپذیرد، ولایت خدا را واقعاً پذیرفته است؛ هر

ص: ۱۲۰

۱- الأمالی للصدوق: ص ۳۸۴، ح ۱۶، عن الأصعب بن نباته؛ بحار الأنوار: ج ۲۷، ص ۸۸ ح ۳۸.

کس با ما مبارزه کند، به تحقیق با خدا می‌جنگد؛ هر کس ما را اطاعت کند، در واقع خدا را اطاعت کرده است؛ و هر کس از ما نافرمانی کند، قطعاً، خدا را معصیت کرده است.

از این روایت دو مطلب دانسته می‌شود: یکی اینکه، بین محبت به خدا و محبت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السّلام) تلازم وجود دارد و کسی که محبت اهل بیت (علیهم السّلام) را نداشته باشد، در واقع خدا را دوست ندارد.

دوم اینکه، لازمه اطاعت خدا پیروی عملی از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السّلام) است. پس کسی که از معصومین (علیهم السّلام) نافرمانی کند در واقع خدا را معصیت کرده است.

همنشینی با عادلان

روحیات و صفات اخلاقی دوستان و همشینیان در انسان تأثیری تدریجی و انکار نشدنی دارد. بنابراین، اگر از افراد نامتعادل و اهل افراط و تفریط دوری کنیم و انسان های عادل را برای معاشرت برگزینیم؛ کم کم روحیه میانه روی در ما هم تقویت خواهد شد.

ص: ۱۲۱

- ۱- پیامدهای منفی افراط و تفریط در محبت کدام است؟ توضیح بفرمایید.
- ۲- معیار اعتدال در مهرورزی به فرزندان چیست؟ تبیین بفرمایید.
- ۳- چگونه افراط و تفریط در دوستی با فرزندان و شاگردان، می تواند آنان را به ارتکاب جرم بکشاند؟ توضیح بفرمایید.
- ۴- چگونه "میانۀ روی در محبت" می تواند عامل پیشگیری از ارتکاب جرم شود؟
- ۵- الگوهای عالی "میانۀ روی در مهرورزی" چه کسانی هستند؟ توضیح بفرمایید.
- ۶- منظور از امت وسط در قرآن کریم (بقره/۱۴۳) چیست؟ توضیح بفرمایید.

۷- راه های عملی تقویت اعتدال در مهرورزی کدام است؟ توضیح بفرمایید.

ص: ۱۲۳

- ۱- تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۲- نقطه های آغاز در اخلاق عملی، محمد رضا مهدوی کنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم ۱۳۷۶ ش.
- ۳- جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۴- سیری در سیره نبوی، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۵- تربیت فرزند در اسلام، آیت الله حسین مظاهری.

مقدمه: هر چند هر انسان عاقلی ثروت را دوست دارد و از فقر می‌گریزد، ولی برخی می‌پندارند که از نظر دینی و معنوی قضیه بر عکس است و خدا ریاضت مالی را می‌پسندد. حال باید پرسید آیا در واقع، فقر مطلوب است و تحصیل مال، نامطلوب؟

بنابر نظر استاد مطهری، پاسخ منفی است؛ اسلام طرفدار ریاضت اقتصادی و فقر نیست، دشمن مال نیست. زهد در اسلام مربوط به ایثار و انسان دوستی و گذشت است. ولی در اینجا ما باید یک تفاوت اساسی میان نظر اسلام درباره مال و ثروت و نظر مکاتب مادی قائل شویم. از نظر مکاتب مادی مال و ثروت و حتی بهبود وسایل

زندگی و تحصیل قدرت، همه هدف است، بلکه بعضی‌ها معتقدند (مارکسیست‌ها) هدف بشر و زیربنای اجتماع بشر علل اقتصادی است، هر چیزی را بشر برای نیل و وصول [به] منافع اقتصادی می‌خواهد. ولی از نظر اسلام نه این فلسفه درباره بشر از لحاظ تاریخی صحیح است و نه از نظر اخلاقی. نه بشر همیشه چنین بوده است و نه باید و شایسته است چنین باشد. از نظر اسلام اقتصاد وسیله است برای تأمین

هدف های انسانی. هدف های انسانی و معنوی این است که بشر باید انسان و آزاد و قرین عدالت و ایمان و عمل صالح زندگی کند.

استاد مطهری تحصیل مال را وسیله برای تأمین چند هدف می داند:

اول، استقلال فردی و اجتماعی؛ بدون استقلال اقتصادی، استقلال و شخصیت معنا ندارد.

دوم، جود و بخشش و مظهر جواد بودن است؛ فیاضیت بدون مالکیت و ثروت ممکن نیست.

سوم، حیثیت و احترام است، که با احتیاج سازگار نیست.

چهارم، تأسیس مؤسسات مفید علمی و دینی است؛ اینها نیز بدون بنیه قوی اقتصادی میسر نیست. اقتصاد قوی و سالم مانند خون سالم و بنیه بهداشتی سالم است.

پنجم، نیروی نظامی بدون نیروی اقتصادی میسر نیست. اسلام می گوید:

{ وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ
وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ. } (۱)

و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده، بسیج کنید، تا با آن، دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگرانی را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد- بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید

ص: ۱۳۰

پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

اسلام طرفدار عمران است:

{... هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ} (۱)

مولی امیرالمؤمنین می فرماید:

من مالک اشتر را برای اصلاح زمین و عمارت بلاد آن فرستادم. (۲)

این که می گوئیم حضرت علی (علیه السلام) از دنیا رفت و خشتی روی خشت نهاد، منظور این است که برای شخص خودش چنین نکرد، یعنی آن قدر امین بود که سوء استفاده نمی کرد، نه اینکه دشمن آبادی بود و إلا چرا چاه می زد و آب جاری می کرد و درختکاری می کرد؟! (۳)

بهتر است بگوئیم حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نه تنها امین بود و هرگز خیانتی به بیت المال نمی کرد، بلکه از راه حلال و مشروع نیز حریصانه به دنبال دنیا نبود و نمی خواست زر و زیورهای دنیوی را برای خودش جمع کند. آن حضرت سازندگی و عمران دنیا را طلب می خواست تا با آن بتواند به نیازمندان مددی برساند و غبار غم از چهره ناتوانان بزدايد و سنت پسندیده قرض الحسنه را ترویج کند و مانع رواج بلائی خانمان سوز ربا شود. در سیره علوی، آباد کردن دنیا هدف نیست، بلکه

ص: ۱۳۱

۱- هود / ۶۱.

۲- "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِي فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مَصِيرَ جَبَايَةَ خَرَجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا " نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۷، ص ۴۴-۴۵.

وسيله ای سودمند برای عبادت خدای کریم و جلب رضای او و خدمت خالصانه به مردم و مستضعفان است.

نگرش عمیق اسلام به ارتباط انسان و ثروت، لازم است از چند نظر مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد: (۱) تولید (۲) مالکیت (۳) مصرف

کارآفرینی و تولید ثروت برای تأمین اقتصاد خانواده و رفع نیازهای جامعه و استقلال از بیگانگان، اگر سبب غفلت از یاد خدا و معاد و عبادت و معنویت نشود، قطعاً مطلوب است و اگر برای رضای خدا انجام شود عبادت است. مسابقه در مصرف گرایی و زهد اسلامی مربوط به تولید نیست، بلکه در ارتباط با مالکیت و مصرف است تا انسان دنیا را هدف زندگی قرار ندهد و آخرت را فراموش نکند.

تعریف واجبات و مستحبات مالی

مقصود از واجبات مالی، عبارت از مواردی است که بنابر دستور شرعی، مکلف واجد شرایط باید مقدار معینی از اموالش را به مستحقان بپردازد. مانند خمس، زکات، نذر، کفارات و طلب های مردم، مظالم و غرامت ضرر و زیان های وارده بر مردم و ...

این واجبات مالی را هر چند می توان نوعی مالیات شمرد ولی باید دانست که با مالیات های رایج پادشاهان ستمگر و حکومت های غیر اسلامی امروز، سه تفاوت اساسی دارد^(۱):

اول اینکه، مردم با رضای خود و برای رسیدن به قرب الهی این واجبات مالی را پرداخت می کنند، یعنی این کار نوعی عبادت است و

ص: ۱۳۲

۱- استاد عبدالکریم بی آزار شیرازی این سه تفاوت را به اختصار ذکر کرده است. ر.ک.: رساله نوین، عبدالکریم بی آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۶۵.

ارزش معنوی خاصی نیز دارد و مردم آن را همراه با لبخند و دعا و از روی رغبت و به قصد قربت می پردازند. پس دیگر نیازی به اجبار و الزام نیست. ولی در حکومت شاهان و ستمگران، مالیات با زور و تهدید از مردم گرفته می شود و مردم آن را همراه با اشک و نفرین و از ترس جان می پردازند.

دوم اینکه، میزان این واجبات مالی، چون از سوی خدای حکیم و کریم معین شده، متناسب و عادلانه است و مکلفان توان تحمل آن را دارند و هیچ ظلم و تبعیضی در آن نیست. ولی میزان مالیات های شاهان و سیاستمداران بر اساس هوا و هوس های آنان تعیین می شود و معمولاً سنگین و ظالمانه و همراه با تبعیض است.

سوم آنکه، این واجبات مالی، برای تعدیل ثروت جامعه و مبارزه با فقر و ظلم و تبعیض و زدودن صفات رذیله حرص و طمع و بخل است و فقط از افراد ثروتمند دارای شرایط معین گرفته می شود و به فقیران و مستحقان پرداخت می گردد و مستمندان از شمول این قانون معافند. هدف این است که تذبذب و اسرافکاری در بین ثروتمندان از بین برود و روحیه انسان دوستی و نیروی ایمان تقویت شود. در صورتی که شاهان و حاکمان جور، مالیات را از طبقات محروم و متوسط می گیرند و هدفشان استمرار حکومت و تأمین هزینه خوش گذرانی ها و اسراف و تذبذرها خود است و درباریان و اعیان و اشراف هم معاف هستند و یا با فریبکاری و سوء استفاده از قانون، از مالیات فرار می کنند.

مقصود از مستحبات مالی، عبارت از پرداخت های مالی است که در شرع اسلام به صورت وجوبی مقرر نشده، ولی تأکید و سفارش به انجام آن شده است، مانند صدقه و قرض الحسنه و انفاق و جود و ...

در این موارد مؤمنان با رضا و رغبت و برای تقرب به خدای کریم، بخشی از اموال خود را در راه او می پردازند. در اسلام واجبات مالی حدّ معینی دارد، ولی اندازه خاصی برای مستحبات مالی ذکر نشده است. البته قانون کلی اعتدال و میانه روی وجود دارد و در این موارد هم جاری است.

{ وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا } (۱)

و دست را به گردن زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای بمانی.

راه میانه آن است که در حدّ وسع خود بکوشد که اشتغال مفید برای نیازمندان فراهم آورد و به آنان به مقدار لازم صدقه و قرض بدهد و بجای خود، جود و کرم نیز داشته باشد به طوری که اهل معرفت و ایمان، نه او را بخیل و طمع کار و حریص بر دنیا بنامند و نه سفیه و اسراف کار و بی تدبیر؛ بلکه میانه رو و اهل خیر و صلاح و خدمت و آینده نگری بدانند.

اهمیت و ارزش ادای واجبات و مستحبات مالی

ادای واجبات و مستحبات مالی از چند جهت با ارزش و مهم است:

ص: ۱۳۴

۱. باعث رشد تقوا و پاکی و تکامل اهل ایمان است و بی تردید رضای الهی را در پی دارد. همان طور که خدای حکیم به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

{خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ} (۱)

از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی، و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست.

{مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ} (۲)

کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد؛ و به سوی او بازگردانده می شوید.

{إِنْ تُقرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ} (۳)

اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشاید، و خدا سپاس پذیر بردبار است.

ص: ۱۳۵

۱- توبه / ۱۰۳.

۲- بقره / ۲۴۵.

۳- تغابن / ۱۷.

۲. از سوی دیگر سبب تعالی اخلاقی است و روحیه مذموم بخل و مال پرستی و قهر با بندگان خدا را از بین می برد و بجای آن روحیه بخشندگی و خداپرستی و مهرورزی با مردم را می آورد و به این ترتیب روح تعاون و همکاری در امور خیر و کارهای مفید در جامعه تقویت می شود و برکت و شادی و نشاط به وجود می آید. به تعبیر خدای کریم:

{مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُبْتُتْ سَبْعَ سِنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ} (۱)

مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می کند، و خداوند گشایشگر داناست.

۳. موجب تعدیل درآمدها و تقویت عدالت اقتصادی و مساوات می گردد و ضعیفان و نیازمندان از تنگناهای تلخ و ویرانگر مالی نجات می یابند و روزنه امید به زندگی بر روی آنان باز می شود و با آرامش به سوی عبادت و کار و سازندگی و استقلال می روند.

ص: ۱۳۶

شاید به نظر برسد که صدقه برتر از قرض الحسنه است و ثواب بیشتری دارد زیرا صدقه دهنده از مالش می گذرد و انتظار برگشت ندارد، ولی قرض دهنده مالش را برای مدتی به دیگری می سپارد تا روزی بازگردد. از نظر فرهنگ اسلامی قرض الحسنه برتر از صدقه است، چون اسلام از یک طرف با تنبلی و سستی و گداپروی مخالف است و می خواهد روح کار و فعالیت همیشه در جامعه زنده باشد و از سوی دیگر می خواهد عزت نفس هر انسانی حفظ شود و استقلال اقتصادی را یکی از سرمایه های مهم برای این امر می داند.

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به برخی از حکمت های دیگر این مطلب اشاره شده است:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبُ الْقَرْضِ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ الصَّدَقَةُ بِعَشْرِهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْقَرْضَ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي يَدِ الْمُحْتَاجِ وَ الصَّدَقَةَ رُبَّمَا وَقَعَتْ فِي يَدِ غَيْرِ مُحْتَاجٍ. (۱)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر روی در بهشت نوشته شده است: قرض الحسنه هجده ثواب دارد و صدقه ده ثواب؛ زیرا قرض به نیازمند می رسد ولی صدقه شاید به دست بی نیاز هم برسد.

توضیح این حکمت چنین است که به طور معمول کسی که محتاج نباشد، قرض نمی کند ولی گاه انسان های ثروتمند و بی نیاز هم صدقه

ص: ۱۳۷

می طلبند زیرا در قرض الحسنه - بر خلاف صدقه - تعهد برای جبران و بازگشت وجود دارد و رایگان نیست.

حَبِّ مَالٍ؛ مانع تکامل معنوی

هر چند تحصیل ثروت ناپسند نیست و می تواند ابزاری سودمند برای اطاعت از دستوره‌های الهی و کمک به بندگان او باشد، ولی باید مواظب بود که گردآوری مال دنیا ما را از بندگی خدا باز ندارد؛ باید کوشید که گرفتار مسابقه مال اندوزی نشویم، بلکه مسابقه واقعی را در امور آخرتی قرار دهیم:

{... وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ} (۱)

... ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف می کردید آگاهتان خواهد کرد.

انسان روحی الهی دارد و هدف زندگیش بالاتر از امور مادی است. ثروت فقط وسیله است، بنابراین،

نباید ثروت اندوزی هدف قرار گیرد. آنان که می گویند:

کریمان را به دست اندر، درم نیست

درم داران عالم را کرم نیست

ص: ۱۳۸

آیا به راستی زمانی که وضع زندگیشان تغییر کرد و ثروتمند شدند، روح و اخلاقشان هم دچار دگرگونی و انحطاط نمی شود و وعده هایشان را فراموش نمی کنند و می توانند حقوق واجب و خمس و زکات مالشان را بپردازند و به قدر توان خود صدقه و قرض الحسنه بدهند و ایثار و فداکاری کنند و گرهی از مشکلات مردم بگشایند؟! آیا با آمدن ثروت، انسانیت و صفات خوب و شایسته آنها از بین نمی رود؟!

شکی نیست که حبّ مال و نگاه استقلالی به آن خطرناک است و ای بسا مانع تکامل روحی و معنوی انسان شود. به تعبیر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم):

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ (۱)

دوستی دنیا سرچشمه هر خطایی است.

دنیا دوستی، سبب محرومیت از لطف و قرب الهی است؛ در تاریخ اسلام آمده است که:

ثعلبه بن حاطب أنصاری، از یاران رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه منوره بود. از ایشان درخواست کرد که دعا کند خدا به او مال بدهد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود ای ثعلبه! اندکی که بتوانی شکرش را بجا آوری بهتر است از زیادی که نتوانی حقش را ادا کنی. ثعلبه رفت ولی قانع نشده بود. بار دیگر آمد و درخواستش را تکرار کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پاسخ داد: آیا زندگی من برای تو سرمشقی پسندیده نیست؟! قسم به کسی که جانم به دست اوست! اگر بخواهم که کوه ها برای من طلا

ص: ۱۳۹

و نقره شوند، خواهد شد. [در حالی که هرگز چنین دعایی برای خودم نکرده ام و ساده و بدون تجمل زندگی می کنم و چشم به آسمان و ملکوت دوخته ام.] باز ثعلبه رفت اما راضی نشده بود. باز گشت و عرض کرد: ای رسول خدا دعا کن خدا به من مالی عطا کند. به خدا قسم اگر خدا به من مالی بدهد حق هر صاحب حقی را به او می پردازم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دو بار گفت: خدایا! به ثعلبه مالی روزی کن! پس بر اثر دعای ایشان ثعلبه گوسفندانی به دست آورد و کم کم زاد و ولد کرد و زیاد شد.

قبل از این واقعه ثعلبه عادت داشت که همه نمازهایش را به جماعت و پشت سر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بجا آورد، ولی بعد از اینکه مالدار شد به تدریج تغییر کرد و فقط نماز ظهر و عصرش را با پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواند!

مالش بیشتر و بیشتر شد و دیگر هیچ نمازی را، بجز نماز جمعه، با حضرت نمی خواند!

کم کم سرش شلوغ تر شد و دیگر در نماز جمعه هم حاضر نمی شد! و بعد از اتمام نماز، اخبار مراسم را از مردم می پرسید! روزی رسول الله (صلی الله علیه و آله) او را یاد کرد و پرسید ثعلبه چکار می کند؟ گفتند آنقدر گوسفند به دست آورده است که در مدینه نمی گنجد و به ناچار به بیرون شهر رفته است! پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه بار فرمود: وای بر ثعلبه! دیری نگذشت که خدای متعال آیه زکات را نازل فرمود و به دنبال آن، حضرت دو مأمور برای گرفتن زکات از قبیله بنی سلیم و بنی جهینه فرستاد و برای آنان نامه ای نوشت و در آن

چگونگی گرفتن زکات را معین کرد و بویژه فرمود نزد ثعلبه بن حاطب و مردی از بنی سلیم بروید و از آنان زکات بگیرید.

آنان رفتند و قضیه را به ثعلبه گفتند و نامه پیامبر(صلی الله علیه و آله) را برایش خواندند. او با ناراحتی پاسخ داد این همان جزیه است! این خواهر جزیه است! بروید از دیگران بگیرید بعد به نزد من بیایید! مأموران به طرف قبیله بنی سلیم رفتند. آن مردی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از این قبیله معرفی کرده بود با روی خوش از آنان استقبال کرد و بعد بهترین شترانش را برای زکات قرار داد. مأموران گفتند این مقدار لازم نیست! ولی آن مرد جواب داد اینها را بردارید چون من از روی رضایت و طیب خاطر می پردازم. مأموران بعد از گرفتن زکات به نزد ثعلبه بازگشتند. ثعلبه گفت نامه را به من نشان بدهید. و بعد از قرائت آن باز هم با عصبانیت گفت: این همان جزیه است! این خواهر جزیه است! بروید تا من بینم نظرم چه می شود! مأموران به نزد پیامبر بازگشتند. وقتی حضرت آنان را دید قبل از آنکه آنها چیزی بگویند فرمود وای بر ثعلبه! ولی برای آن مرد سلیمی دعا کرد. پس این آیه نازل شد:

(وَ مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ

تَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ. فَأَعْتَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ. (۱)

و از آنان کسانی اند که با خدا عهد کرده اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. ولی وقتی که خدا از فضلش به آنان عطا کرد بخل ورزیدند و سربچی کردند و روی برتافتند. در نتیجه، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می گفتند، در دل‌هایشان - تا روزی که او را دیدار می کنند - پیامدهای نفاق را باقی گذارد.

وقتی خبر به ثعلبه رسید به نزد پیامبر آمد و درخواست کرد که زکاتش را بپذیرد، ولی حضرت نپذیرفت و فرمود خداوند متعال مرا منع کرده است. پس ثعلبه خاک بر سر خودش پاشید! پیامبر به او فرمود این عمل خود توست. من به تو امر کردم، ولی مرا اطاعت نکردی. چون حضرت زکاتش را نپذیرفت، او هم به خانه اش بازگشت! و بعد از مدتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت در حالی که زکات ثعلبه را نپذیرفته بود... (۲)

ص: ۱۴۲

۱- توبه / ۷۵-۷۷.

۲- أسد الغابه فی معرفه الصحابه، عزّ الدین بن الأثیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ه.ق. ج ۱، ص ۲۸۴. و الإصابه فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى، ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ج ۱، ص ۵۱۶.

یک نکته تحلیلی: معلوم می شود ثعلبه واقعاً پشیمان نشده و به دنبال جبران اشتباهش نبوده و فقط تظاهر می کرد، و گر نه توبه حقیقی بدون شک در نزد خدای کریم و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مقبول است؛

{ "فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" } (۱)

پس هر که بعد از ستم کردنش باز گردد و اصلاح کند، خدا توبه او را می پذیرد، که خدا آمرزنده مهربان است.

اگر ثعلبه به راستی توبه کرده بود نباید به راحتی به خانه اش باز می گشت، بلکه با تضرع و زاری در صدد راضی کردن پیامبر بر می آمد و هرگز دست رسول رحمت را رها نمی کرد تا توبه اش پذیرفته گردد؛ همان طور که ابولبابه در واقعه محاصره یهودیان پیمان شکن بنی قریظه و مسئله پذیرش حکمیت سعد بن معاذ، گناه و خیانتی مرتکب شد، ولی به سرعت فهمید که اشتباه کرده است و واقعاً گریان و پشیمان شد و توبه کرد و خودش را به ستونی بست و اعتصاب غذا کرد و سرانجام توبه اش بعد از هفت شبانه روز پذیرفته شد. (۲)

یا مانند سه نفر از مسلمانان به نام های " کعب بن مالک " و " مراره بن ربیع " و " هلال بن امیه " که به سبب سستی و تنبلی از دستور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) تخلف کردند و در غزوه تبوک حاضر نشدند. زمانی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به مدینه بازگشت به سوی وی شتافتند و عذرخواهی کردند، ولی ایشان حتی

ص: ۱۴۳

۱- مائده / ۳۹. و نیز ر. ک: أنعام / ۵۴. و طه / ۸۲. و فرقان / ۷۰.

۲- " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. " أنفال / ۲۷. (ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید و خود می دانید.) و نیز ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۶۴. و تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۴.

یک کلمه هم سخنی نگفت و مردم، به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ارتباط کلامی خود را با آنان قطع کردند و آن سه نفر در تنگنای عجیبی قرار گرفتند و به خارج از شهر رفتند و بعد از مدتی تصمیم گرفتند که حتی خودشان هم با هم حرف نزنند و این جریمه سنگین پنجاه روز ادامه یافت، ولی چون واقعاً پشیمان شده بودند و به راستی بازگشتند، بالأخره خدای کریم توبه آنان را پذیرفت. (۱)

نقش ادای واجبات و مستحبات مالی در پیشگیری از جرم

اشاره

یکی از زمینه های جرم و گناه، فقر و تبعیض و فشارهای روحی ناشی از تنگناهای مالی است. برخی انسان ها وقتی گرفتار مشکل اقتصادی می شوند، به جهت ضعف ایمان و اراده، روی به کج روی و فساد می آورند؛ هرچند که این گروه اندک است. ولی بسیاری از مردم چون ایمان مستحکمی به خدا و معاد دارند، حتی در بدترین شرایط مالی نیز هرگز آلودگی به گناه را نمی پذیرند و عزت نفس و کرامت خود را حفظ می کنند.

بنابراین، اگر به واجبات و مستحبات مالی، از خمس و زکات گرفته تا صدقه و قرض الحسنه و ...، آن گونه که خدای حکیم می پسندد عمل

ص: ۱۴۴

۱- "وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ." توبه / ۱۱۸. (و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند، [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ گردید، و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست. پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد، تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه پذیر مهربان است.) ر.ک.: تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۴۰۷. و تفسیر نمونه ج ۸، ص ۱۶۸-۱۷۰.

شود، زمینه و انگیزه بسیاری از تخلفات و جرائم اقتصادی مانند احتکار و رشوه و ربا و اختلاس و کم فروشی و ... در جامعه اسلامی از بین می رود و یا دست کم تقلیل می یابد.

به طور کلی، هدف و فایده دستورهای واجب یا مستحب اقتصادی اسلام آن است که همه افراد، از متعارف رفاه مالی برخوردار باشند و بتوانند با عزت زندگی کنند و در جهت رشد و تعالی قدم بردارند.

انسان اقتصادی مطلوب اسلام

از نظر اسلام، هر هدف و عملکرد اقتصادی مقبول نیست، بلکه باید اهداف و فعالیت های خاصی داشته باشد تا مورد پذیرش قرار گیرد. این ویژگی ها کمترین شرایطی است که باید یک مسلمان داشته باشد. (۱) در مرحله بالاتر از آن، انسان اقتصادی مطلوب و ایده ال آن است که هفت انگیزه و رفتار عالی اقتصادی دارد:

۱. با اراده و انتخابگر است. در آن حدّ که نه تنها رفتار او تحت سیطره غرایزش نیست و نه تنها مقلد بی چون و چرای انگیزه و رفتار دیگران نمی باشد، بلکه کوشش او برای دگرگون ساختن محیط ناسالم و آگاهی دادن به دیگران در جهت تصحیح انگیزه ها و رفتار آنان می باشد.

۲. محرّک او رضای الهی، فرمان خدا و اهداف او اهدافی متعالی است....

۳. در برابر نعمت های الهی شاکر و در برابر بلاها صابر است....

ص: ۱۴۵

۱- ر.ک.: مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت، چاپ اول ۱۳۷۱ش، ص ۱۱۰.

۴. عاشق است؛ تصمیم های او چون تاجران و سودجویان نیست، زیرا تسلیم فرمان و رضای حق است نه تابع سود و زیان.

۵. کریم و باسزاوت است.

۶. راضی و قانع است.

۷. منافع دیگران را بر منافع خود مقدم می دارد. (۱)

راه های عملی ترویج واجبات و مستحبات مالی

راه های عملی فراوانی برای ترویج فرهنگ پرداخت واجبات و مستحبات مالی وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

- خودمان اهل عمل باشیم تا دیگران هم عمل کنند؛ اگر نخبگان و برگزیدگان دینی، علمی و اجتماعی عمل کنند دیگران هم پیروی می کنند. اگر اسوه ها و الگوها واقعاً با صدق و اخلاص، خود اهل عمل به خمس، زکات، صدقه، قرض الحسنه و ... باشند، مردم نیز تبعیت می کنند. اگر بزرگان با اعمالشان از اسراف و تبذیر و تجمل پرهیز کنند و راه اعتدال و قناعت و خیرخواهی و خدمت به مردم را در پیش گیرند، بی تردید فرهنگ مراعات حلال و حرام و ایثار و عمل به دستورهای اقتصادی اسلام بیش از پیش رواج می یابد.

- شیوه های فرهنگی:

هر چه مردم آگاه تر شوند و تأثیر مثبت و منفی مال حلال و حرام را در زندگی دنیوی و اخروی خود بیشتر درک و باور کنند، بهتر عمل می کنند. این وظیفه سنگین در مرحله اول بر عهده روحانیت محترم و

ص: ۱۴۶

نویسندگان و سخنوران و هنرمندان متعهد و آگاه و رسانه های گروهی مانند رادیو و تلویزیون و مطبوعات می باشد. بنابراین، باید برنامه ریزی دقیقی صورت گیرد و برای هر یک از موارد خمس و زکات و صدقه و قرض الحسنه و ... کتاب ها و برنامه های آموزشی و تبلیغی شایسته ای تولید شود و به وسیله کارشناسانی صالح به مرحله اجرا برسد. این مسئولیت در مرحله بعد برعهده یکایک والدین هم قرار دارد تا فرزندانشان را با حلال و حرام اقتصادی و واجب و مستحب مالی و پرداخت خمس و صدقه و قرض الحسنه و ... آشنا سازند و با بیانی شیرین و نرم و به صورت عملی با رفتارهای خود آنها را به راه راست هدایت و تشویق کنند.

ص: ۱۴۷

- ۱- چرا ثواب قرض الحسنه بیشتر از صدقه است؟ توضیح بفرمایید.
- ۲- اگر قوانینی مانند خمس و زکات و قرض الحسنه و صدقه در اسلام نبود چه مشکلی پیش می آمد؟
- ۳- چرا و چگونه حبّ مال مانع تکامل معنوی می شود؟ با مثال توضیح بفرمایید.
- ۴- پرداخت خمس و زکات و رواج قرض الحسنه چه تأثیری بر کاهش ربا دارد؟
- ۵- چه تفاوت های مهمی بین خمس و مالیات وجود دارد؟ توضیح بفرمایید.
- ۶- بخل چیست و چرا مذموم است؟ توضیح بفرمایید.
- ۷- صدقه پنهانی بهتر است یا آشکار؟ چرا؟ توضیح بفرمایید.

۱- رساله نوین، ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی، نگارش دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲- اقتصاد اسلامی، آیت الله حسین نوری همدانی.

۳- مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت.

۴- نظری به نظام اقتصادی اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.

۵- مقایسه ای بین سیستم های اقتصادی، حسین مطهری، مؤسسه در راه حق.

درس هفتم: عدالت حاکمان

اشاره

ص: ۱۵۱

عدالت، دستور خدای حکیم به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است:

{ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ } (۱)

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است، و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید، و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید، همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید.

آرزوی همگان و رسالت حاکمان جامعه اسلامی، اجرای صحیح عدالت در جامعه است. اگر این اصل مهم به درستی به مرحله اجرا در بیاید، بسیاری از جرایم به وقوع نمی پیوندد. در حقیقت، وظیفه اجرای عدالت اختصاص به حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) ندارد، بلکه مأموریت همه پیامبران الهی است:

ص: ۱۵۳

{ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ } (۱)

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است.

تعریف عدالت

عدالت چیست؟ عدالت معنای روشنی دارد که هر عاقلی با اندک تأملی آن را درک می کند. با بیانی مختصر و مفید، عدالت عبارت از آن است که هر چیزی در جای خود قرار داده شود. حضرت علی (علیه السلام) در مقایسه ای جالب، عدل را بر تراز جود دانسته و در بیان فرق آن دو فرموده:

العدل يضع الأمور مواضعها، و الجود يخرجها من جهتها، و العدل سائس عام، و الجود عارض خاص، فالعدل أشرفهما و أفضلهما؛ (۲)

ص: ۱۵۴

۱- حدید / ۲۵.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

عدالت همه امور را در جای شایسته خود قرار می دهد، و بخشش و جود آن امور را از جایگاه خود خارج می سازد؛ عدالت، تدبیری همگانی است، ولی جود استثنایی و غیرطبیعی. پس عدالت شریف ترین و برترین آن دو است.

عدالت در برابر ظلم است و اگر ادعا شود در جایی عدالت هست، نباید هیچ نوع ظلم و تبعیضی در آنجا مشاهده گردد و باید واقعاً همه در برابر قانون مساوی باشند و هیچ مجرمی نتواند حاشیه امنی برای فرار از مجازات قانونی بیابد.

اهمیت عدالت

عدالت آن قدر مهم است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

بالعدل قامت السموات والأرض؛^(۱)

آسمانها و زمین به سبب عدل برپاست.

و علامه حلی می گوید:

بدان که عدل، اصلی بزرگ است که قواعد اسلامی، بلکه همه احکام دینی بر آن بنا می گردد و بدون آن هیچ دینی از ادیان آسمانی صورت نمی پذیرد و صدق ادعای هیچ پیامبری معلوم نمی شود...^(۲)

ص: ۱۵۵

۱- تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۰۷.

۲- نهج الحق و كشف الصّدق، علّق علیه الحجه الشّیخ عین الله الحسنی الامر موی، منشورات دارالهجره، الطّبعه الرابعه، قم ۱۴۱۴هـ- ق، ص ۷۲.

با حضور و فعالیت حکومتی عادل، امنیت در جامعه برقرار می شود و اشرار و مفسدان هوس تجاوز و تعدی را در سر نمی پروراند و مردم احساس آرامش می کنند و می توانند خدای کریم را عبادت کنند و به کار و تولید و تفریحات سالم بپردازند.

انواع عدالت

اشاره

عدالت را می توان از جهات گوناگون تقسیم کرد. از نظر متعلق عدالت (اموری که عدالت به آن تعلق می گیرد) به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می شود.

الف. عدالت فردی

عدالت فردی عبارت از آن است که انسان در رفتارهای شخصی خودش واجب و حرام را مراعات کند. بنابراین، کسی که نماز و روزه و سایر واجبات را به جا می آورد و از محرماتی مانند دروغ و غیبت و... اجتناب می ورزد، عادل شمرده می شود.

ب. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، عبارت از آن است که حاکمان و مسئولان جامعه اسلامی وظایف شرعی خود را در مورد مردم به درستی انجام دهند و از ظلم و تعدی پرهیزند. بنابراین، حاکمانی که حقوق مردم را در مقام عمل مراعات می کنند و خود را تافته جدا بافته نمی دانند و به مردم ستمی روا نمی دارند و حق و امتیاز ویژه ای برای خود و بستگانشان قرار نمی دهند، عادل هستند. آیا گمنام ها و نام آوران، فقیران و ثروتمندان و آشنایان و بیگانگان همه و همه از نظر قانون یکسان هستند و به طور مساوی می توانند در جامعه فعالیت مفید اقتصادی و فرهنگی و سیاسی

انجام دهند؟ پاسخ دقیق به پرسش مذکور، کم و کیف و میزان بهره مندی یک جامعه را از حقوق و عدالت اجتماعی نشان می دهد.

مقصود از حاکمان

منظور از حاکمان، همه کارگزاران و سیاستمداران و مسئولانی است که در قدرت اجرایی یا قانونگذاری و یا قضایی در حکومت اسلامی به گونه ای نقش دارند. شکی نیست که حاکمان و کارگزاران حکومت اسلامی، از بالاترین تا پایین ترین مقام، همگی در برابر خدای حکیم مسئول هستند و هر کدام متناسب با عملکرد و قدرت سیاسی و اجتماعی خود مورد بازخواست قرار می گیرند.

اهمیت عدالت حاکمان

در دین مبین اسلام دستورهای کلی و جهانی برای رعایت عدالت و حقوق بشر داریم. به طور مثال؛ در عهدنامه مالک اشتر دستوری جامع در باب ضرورت مهرورزی به بندگان خدا و پرهیز از ظلم به آنان آمده است:

وَ أَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلُّ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطَا فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي

ص: ۱۵۷

تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَ وَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَ اللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَ لَأَك (۱)

رحمت به رعیت و محبت با آنان و لطف به آنها را به قلبت تأکید کن و همچون جانوری شکاری مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، چه اینکه رعیت دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تواند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند هستند. گناهی از ایشان سر می زند، یا علت هایی بر آنان عارض می شود یا خواسته و ناخواسته خطایی بر دستشان می رود. به خطایشان منگر و از گناهشان در گذر؛ چنان که دوست داری خدا بر تو ببخشاید و گناهت را عفو فرماید؛ چه تو برتر آنانی و آن که بر تو ولایت دارد از تو برتر است و خدا از آن که تو را ولایت داد بالاتر.

در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود:

السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ مَظْلُومٍ فَمَنْ عَدَلَ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ الشُّكْرُ وَ مَنْ جَارَ كَانَ عَلَيْهِ الْوِزْرُ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ الصَّبْرُ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْأَمْرُ؛ (۲)

سلطان، سایه خدا در زمین است که هر مظلومی به او پناه می برد، پس هر کس [سلطان] که عدالت پیشه سازد برای او اجر و پاداش است و مردم باید شکرگزاری کنند و هر کس [سلطان] که جور و ستمگری در پیش گیرد وزر و

ص: ۱۵۸

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- الامالی للشيخ الطوسي، ص ۶۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۵۴. و ج ۷۴، ص ۱۶۶.

وبالش بر اوست و مردم باید صبر کنند تا آن امر [زمان قدرت و حکومت ما اهل بیت (علیهم السّلام) یعنی ظهور مهدی موعود (عج)] فرا رسد.

حضرت امام خمینی (رحمه الله) درباره این روایت گفته اند:

این عبارت معنای صحیحی دارد، ولی بعضی از مردم جمله "السلطان ظلّ الله" را غلط معنا کرده و پنداشته اند این کلام یعنی اینکه، چه فرمان ایزد چه فرمان شاه! دستور شاه با دستور خدا فرقی ندارد! در حالی که این مطلب درست نیست. معنایش این نیست که هر چه شاه فرمان بدهد، صحیح و مانند فرمان خداست و باید اطاعت شود! بلکه معنایش این است همان طور که سایه در برابر صاحب سایه هیچ استقلالی ندارد؛ پادشاه هم در برابر خدا باید تسلیم باشد و نباید دیکتاتوری و خود رأیی پیشه سازد، بلکه باید فقط قانون و امر و نهی الهی را مراعات کند. (۱)

دستور به صبر در برابر ظلم و جور سلطان نیز مربوط به شرایط تقیّه است که مردم آگاهی و آمادگی لازم را ندارند و قیام و امر به معروف و نهی از منکر هیچ فایده ای ندارد جز کشته شدن مؤمنان و صالحان؛ مانند زمان حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) که در برابر حاکم جائر و طاغوت فریبکار و جنایتکار (معاویه) در چنان شرایطی هیچ چاره ای

ص: ۱۵۹

جز صلح نبود، زیرا مردم معرفت کافی نداشتند و ایمان و اراده شان ضعیف بود. (۱)

حضرت علی (علیه السلام) در نامه اش به مالک اشتر فرمود:

وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي

الْقَلْبِ وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ (۲)

و هرگز [مغرور نشو] مگو که من فرمان دارم پس امر می کنم و اطاعت خواهم شد! زیرا این کار قلب را سیاه می کند و دین را تباه می گرداند و موجب زوال نعمت و نزدیکی بلا و آفت می شود.

نقش روحانیت در عدالت حاکمان

روحانیان، کارشناسان و مبلغان دین، همواره مورد توجه مردم و صاحبان نفوذ در جامعه هستند و قطعاً می توانند تأثیر مهمی در پیش گیری از ظلم مسئولان و حاکمان سیاسی داشته باشند. اگر آنان به وظیفه خود عمل نکنند و دین را در خدمت ظالمان قرار دهند سبب انحرافات بزرگی می شوند. با کمال تأسف این انحراف بزرگ در دین تحریف شده مسیحیت روی داده و به صورت رویه غالب در آمده، در حالی که می دانیم حضرت عیسی (علیه السلام) و دین آسمانی مسیحیت هرگز چنین دستوری صادر نکرده است:

ص: ۱۶۰

۱- توضیح اینکه حضرت امام حسین (علیه السلام) نیز بیش از ده سال (از شهادت امام مجتبی (علیه السلام) در سال ۵۰ هجری تا مرگ معاویه در رجب سال ۶۰ هجری) همان روش مسالمت آمیز برادرش را ادامه داد و فقط زمانی که یزید به قدرت رسید به صورت مسلحانه قیام کرد.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

" در کلیسای کاتولیک، در حالی که مقامات بالای کلیسا همچنان طرفدار مطلق سنت ها و شیوه های قدیمی مذهبی و اجتماعی و اقتصادی هستند، نسل جوان کشیش ها و روحانیون طالب بازگشت کلیسا به رسالت اولیه مسیح هستند. آنها می گویند مسیح یک انقلابی بود که با رنج های انسان ها و بی نوایی های آنان همدردی می کرد. مسیح با ظلم و بیداد مخالف بود. بنابراین، کلیسا باید پس از قرن ها خاموشی و سکوت به این روحیه انقلابی و ظلم ستیزی بازگردد، راه خود را از راه افراد و سازمان هایی که فقر و جهل و بیماری را بر انسان ها تحمیل می کنند جدا کند و در کنار انسان های فقیر و دردمند قرار گیرد. به عقیده آنان کلیسا قرن های طولانی است که از رسالت اصلی عیسای مسیح دور شده است و به همین جهت روشنفکران و کسانی را که به ریشه دردها و رنج های بشری و قوف کامل دارند و می دانند که بدبختی انسان ها معلول آزمندی و حرص انسان هاست از خود دور ساخته است، زیرا کلیسای کاتولیک در دامن سیل خروشان از ظلم و بیداد و فقر و جهل در طی قرون، انسان ها را به محبت و سازش و گذشت و بردباری دعوت می کند، حال آنکه عیسی به نظر کشیش های جوان یک قیام کننده و به پاخاسته بود و در این هنگام است که سولژنیتسین نویسنده بزرگ شوروی نیز رئیس کلیسای ارتدکس روسیه را در نامه پرسروصدای خود مورد سرزنش شدید قرار می دهد و او را به مناسبت تسلیم و تمکین کلیسای

ارتدکس در برابر نظام اداری و سیاسی کشور شماتت می کند زیرا همان طور که کلیسا در نظام سرمایه داری به صورت جزئی از تأسیسات رسمی و پذیرفته شده اداری و اجتماعی درآمده است، در نظام سوسیالیستی نیز کلیسا بخشی از این نظام است و وظیفه اش محدود به انجام مراسم محدود مذهبی و نه فعالیت مستقل روحانی می باشد. به این ترتیب وقتی رئیس کلیسای کاتولیک جهان اعتراض جوانان را در برابر اغفالگری های زندگی دنیوی و پوچ پیشرفت های مادی تأیید می کند، تلویحاً این نکته را هم قبول می نماید که کلیسای کاتولیک با دورشدن از هدف های اصلی مسیحیان اولیه به صورت یکی از سازمان ها و تأسیسات این زندگی دنیوی و مادی درآمده است. تضاد کلیسا در روزگار ما در این نکته است که با اینکه از نظر اداری و سیاسی و اجتماعی یکی از سازمان های حاکمه جوامع مسیحی به شمار می رود، ولی عملاً پرداختن به رسوم و تشریفات مذهبی و فرار به مسائل محض و انتزاعی روحانی و دوری از واقعیت مسائل اجتماعی زندگی انسان ها را برای اجتناب از درگیری با علت و ریشه دردها ترجیح می دهد. حال آنکه نسل جوان به روحانیت و معنویتی عقیده دارد که خود را در وسط معرکه زندگی انسان و واقعیت های آن قرار دهد، همان گونه که رهبران و پیشوایان اصلی هر مذهبی رستاخیز خود را از متن همین زندگی روزانه و در داخل کوچه و بازار و

تضادهایی که از همین کوچه و بازار در قلمرو زندگی انسان ها و روابط آنها ایجاد می شود؛ آغاز کردند. (۱)

در جهان اسلام نیز برخی دانشمندان مانند محمّد بن مسلم زهری لغزیدند و روحانی درباری در حکومت ظالمان بنی امیه شدند. امام سجّاد (علیه السّلام) در نامه ای آتشین او را سخت مذمت و رسوا کرد و شریک جرم ستمگران شمرد و سنگ زیرین آسیاب و پل و نردبانی برای آنان دانست که با تکیه بر آن فعالیت می کنند و جنایت مرتکب می شوند. (۲)

ولی خوشبختانه در اسلام این گونه دین به دنیا فروشان نادرند و روحانیت اصیل اسلامی و بویژه عالمان بزرگ شیعی مانند امام خمینی ۱ همیشه در صف مقدّم مبارزه با ظلم و تبعیض و فساد حاکمان قرار داشته و دارند و

عدالت خواهی را از امیرالمؤمنین علی و سیدالشهداء (علیهما السلام) آموخته و به همه جهانیان می آموزند. برخی از روشنفکران مسلمان و منتقد نیز اعتراف کرده اند که روحانیت شیعه، پرچمداران مبارزه با ظلم و استعمار بوده و هستند:

دفاع و نگاهبانی و جانبداری از این جامعه علمی نه تنها وظیفه هر مسلمان مؤمن است، بلکه از آنجا که آخرین و تنها سنگری است که در برابر هجوم استعمار فرهنگی غرب ایستادگی می کند وظیفه هر روشنفکر مسئول است ولو معتقد به مذهب هم نباشد ... من به عنوان کسی که

ص: ۱۶۳

۱- یادداشت های استاد مطهری، ج ۲، ص ۵۹-۶۱. به نقل از روزنامه کیهان ۹ / ۱ / ۱۳۵۱ ش.، ص ۶، مقاله "نطق پاپ به مناسبت عید پاک". در ادامه استاد شهید چند نتیجه گیری جالب از این مقاله ذکر کرده است.

۲- تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص ۲۷۴-۲۷۷.

رشته کارش تاریخ و مسائل اجتماعی است، ادعا می‌کنم که در تمام این دو قرن گذشته در زیر هیچ قرارداد استعماری، امضای یک آخوند نجف رفته نیست، در حالی که در زیر همه این قراردادهای استعماری، امضای آقای دکتر و آقای مهندس فرنگ رفته هست (باعث خجالت بنده و سرکار!)، این یک طرف قضیه، از طرف دیگر پیشاپیش هر نهضت مترقی ضد استعماری در این کشورها همواره بدون استثنا، قیافه یک یا چند عالم راستین اسلامی و به خصوص شیعی وجود دارد. (۱)

نقش عدالت حاکمان در پیشگیری از جرم

اشاره

بسیاری از مردم عادت دارند بدون تفکر و حق رأی برای خود از شخصیت های اجتماعی و سیاسی تقلید کنند. آنان منتظرند شخصیت ها کاری کنند تا آنها هم همان را انجام دهند و سخت می‌کوشند تا خود را هر چه بیشتر و کاملتر همانند آنان کنند. اگر حاکمان، ظلم و تبعیض روا دارند بسیاری از مردم هم به بدی و شرارت و دشمنی روی می‌کنند و اگر مردم از سیاستمداران و کارگزاران حکومت، عدل و مساوات ببینند کم‌کم آنان هم به خوبی و دادگری و دوستی می‌گرایند و از ستمگری می‌پرهیزند. گویی مردم رنگ و بوی حاکمان خود را می‌گیرند. اگر معاویه حاکم شود مردم ظالم و شرور می‌شوند و دروغ و فریب و چاپلوسی و ذلت رواج می‌یابد و اگر حضرت علی (علیه السلام)

ص: ۱۶۴

۱- هویت صنفی روحانی، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۰ش. ص ۱۳. به نقل از عقیده، دکتر علی شریعتی، ص ۳۵-۳۸.

حاکم گردد، مردم عادل و اهل خیر و مهربانی می شوند و صدق و صفا و عزت و کرامت رایج می شود. به خاطر تأثیر مهم شخصیت هاست که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي، وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ؛(۱)

دو دسته از امت من هستند که اگر صالح شوند، امت صالح می شوند و اگر فاسد شوند، امت فاسد می شوند: فقیهان و امیران.

حکومت عدل حضرت علی (علیه السلام) چنان خاطره خوشی در ذهن ها برجای گذاشت که حتی بعد از گذشت قرن ها حقیقت جویان را به خود جلب می کند. چرا و چگونه حتی غیرمسلمانی مانند جرج جرداق، شیفته زمامداری حضرت علی (علیه السلام) می شود و روابط او را با مردم می ستاید و زندگی سیاسی او را به عنوان نمونه اعلای حکومت انسانی و الگوی عدل و آزادی و حقوق بشر بر می شمارد و آن بزرگوار را صدای عدالت انسانی می نامند؟(۲)

ارزشمندی عدالت (حسن عدل)، قانونی جاودانه است که زمان ها و مکان ها را فرا می گیرد و هیچ انسان عاقلی در

آن تردید نمی کند.

ص: ۱۶۵

۱- الخصال للصدوق، ص ۳۷. در امالی صدوق، ص ۴۴۸. همین روایت را دارد، جز آنکه به جای فقهاء، قراء آمده است.

۲- امام علی صدای عدالت انسانی، جرج جرداق، ترجمه سید هادی خسروشاهی، بوستان کتاب قم، چاپ اول ۱۳۷۸ ش. صفحات از جمله ص .

جاذبه عدالت حضرت علی (علیه السلام) همه مردم را فراگرفت و فقط چند خودخواه و مغرور مانند طلحه و زبیر مخالفت کردند(۱)

راه های عملی تقویت عدالت حاکمان

اشاره

تقویت و تثبیت عدالت حاکمان و کارگزاران حکومت اسلامی از دو راه مهم میسر است:

کنترل درونی

ایمان به خدا و معاد، واعظ درونی است که با حضور آن نیاز چندانی به واعظان بیرونی نیست. تقوا موتور محرک درونی و عامل ارزیابی و نظارت باطنی است که آدمی را در برابر وسوسه های نفس و شیطان یاری می دهد و سبب رشد و اصلاح می گردد. کسی که جانش با نور ایمان و خداپرستی و آمادگی برای زندگی جاوید در سرایی دیگر روشن شده است

وسوسه های شیطان برای افساد و ستمگری و تبعیض را هرگز نمی پذیرد و آینده و آخرتش را با هوسرانی و گناه خراب و تباه نمی کند. اگر مردم و خبرگان بکوشند و دقت کنند و باتقواترین و شایسته ترین فرد را برای رهبری برگزینند و بعد سایر مسئولان نیز آراسته به فضیلت تقوا باشند، انتظار می رود که عدل و دادگری در جامعه ریشه بدواند و روز به روز بیشتر و بهتر شود. تأکید بر وجود ویژگی و ملکه عدالت در حاکمان و مسئولان جامعه اسلامی این فایده مهم را دارد

ص: ۱۶۶

که دادگری و مبارزه با تبعیض و ظلم و فساد به صورت خودکار و اتوماتیک و به صورت جوششی درونی از طرف یکایک کارگزاران شروع می شود و تا زمانی که تقوا و ایمان آنان باقی است ادامه می یابد.

کنترل بیرونی

ابزارها و روش های حقوقی و قانونی نیز به جای خود می تواند تا حدودی از ظلم و تعدی حاکمان و فساد قدرت های سیاسی و اجتماعی جلوگیری کند. امر به معروف و نصیحت و نظارت خبرگان دینی روش های قانونی برای انجام اصلاحات فردی و اجتماعی است. اگر همگان خود را در برابر خدا و نسبت به تغییر و تحولات اجتماعی مسئول و متعهد بدانند و وظیفه خیرخواهی و نظارت و امر به معروف و نهی از منکر را به خوبی انجام دهند، طبیعی است که راه و رسم دادگری و ظلم ستیزی رواج می یابد و کارگزاران عادل تر می شوند و صلح و برادری افزوده می شود. امر به معروف و نهی از منکر، فریضه ای است که اگر با رعایت شرایطش و به درستی انجام شود، مانع ستمگری و تجاوز می شود و عدالت را گسترش می دهد. همچنین بی تفاوتی و بی مسئولیتی و چاپلوسی مردم در برابر رفتارهای ظالمانه حاکمان و کارگزاران ظلم و تعدی آنان را افزایش می دهد و کینه ها را تشدید می کند. البته شجاعت و اقتدار و استقلال قوه قضائیه - و بویژه قضات محترم - و رسیدگی به وضعیت اموال کارگزاران و شکایت های مردم از عملکرد آنان، ضمانت اجرایی مهمی برای حفظ استمرار عدالت حاکمان است. بی تردید ارتباط بدون واسطه حاکمان و کارگزاران با عموم مردم می تواند زمینه ساز رشد و تعالی و تقویت

عدالت و رفع تبعیض شود. همچنین حضور و نقش آفرینی مردم در انتخاب کارگزاران حکومت اسلامی می تواند در جهت
گزینش شایستگان و مدافعان حقوق مشروع انسان ها مفید واقع شود.

ص: ۱۶۸

- ۱- روحانیت چگونه می تواند از ظلم مسئولان پیشگیری کند؟
- ۲- دادگری حاکمان چه نقشی در ترویج عدالت در بین مردم و پیشگیری از جرم دارد؟
- ۳- طبق نظر امام خمینی، معنای صحیح و ناصحیح "شاه سایه خداست." چیست؟ توضیح بفرمایید.
- ۴- مردم چگونه می توانند در عدالت حاکمان تأثیر بگذارند؟
- ۵- حضرت علی (ع) در فرمان به مالک اشتر چه مطلبی درباره عدالت حاکمان ذکر کرده است؟
- ۶- چرا عدل برتر از جود است؟ توضیح بفرمایید.

۷- آیا ظالمان بر مردم را می توان جزو ظالمان بر خویشان دانست؟ توضیح بفرمایید.

ص: ۱۷۰

- ۱- سیری در نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۲- حکمت اصول سیاسی اسلام، استاد محمد تقی جعفری.
- ۳- صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴- بیدارگران اقالیم قبله، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵- نقش حکومت در پیشگیری از جرم، محمد عابدی میانجی، نور السجاد.

درس هشتم : سنّت حسنه ازدواج

اشاره

ص: ۱۷۲

در فرهنگ اسلامی، ازدواج بسیار پسندیده و مورد رضایت و سفارش شرع مقدس اسلام است؛ خدای کریم فرمود:

{ وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنَ الصَّالِحِينَ وَ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ } (۱)

بی همسران، غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید؛ اگر تنگ دست باشند خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایش گر داناست.

امام صادق (علیه السلام) از قول رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) می فرماید که ایشان فرمودند:

تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا أَلَا فَمِنْ حَظِّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِنْفَاقُ قِيَمَةِ أَيْمِهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَيْتٍ

ص: ۱۷۵

يَعْمُرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أْبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَحْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا وَكَّدَ فِي الطَّلَاقِ وَ كَرَّرَ فِيهِ الْقَوْلَ مِنْ بُغْضِهِ الْفُرْقَةَ؛(۱)

ازدواج کنید و زمینه های ازدواج دیگران را فراهم آورید. آگاه باشید که از خوشبختی انسان مسلمان آن است که همسری برگزیند و خرجی او را بدهد و هیچ چیزی در نزد

خدا محبوبتر از خانه مسلمانی نیست که با نکاح آباد می شود و هیچ چیزی در نزد خدا مبعوض تر از خانه مسلمانی نیست که با اختلاف - یعنی طلاق- خراب می شود. بعد امام صادق(علیه السلام) افزود که خداوند عزیز و جلیل موضوع طلاق را تأکید کرد و سخن را مکرر گفت؛ چون اختلاف را دشمن می دارد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا أَعَزَبُ؛(۲)

حضرت امام صادق(علیه السلام): دو رکعت نماز مسلمان متأهل، برتر از هفتاد رکعت نماز مجرد است.

به نظر استاد شهید مطهری کانون خانواده، که با ازدواج شکل می گیرد، از سه جهت مقدس است، یعنی نه تنها مهم است بلکه قداست هم دارد:

ص: ۱۷۶

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶.

۲- الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

۱. از آن جهت که اولین گام خروج از خودپرستی است؛ آدمی غیر از خود دیگری را نیز دوست می‌دارد، هرچه برای خود می‌خواهد برای او نیز می‌خواهد، به سرنوشت او مانند سرنوشت خود علاقه مند می‌گردد. گذشته از زن، بعد علاقه به فرزند پیدا می‌شود. اساس اخلاق خروج از خودپرستی است. در خانواده لااقل خود انسان توسعه پیدا می‌کند. علیهذا تشکیل خانواده، خود یک مکتب و مدرسه‌ای است که انسان بدون آن تکمیل نمی‌شود. افراد عالم و ریاضت کشیده و پیرمرد، دیده شده که در سنین هشتاد سالگی خالی از یک نوع خامی و نپختگی نبوده‌اند... خود اشباع شدن و نشدن گزینه جنسی از یک طرف، و طرف علاقه صمیمی و وحدت پیدا کردن از طرف دیگر، در تعدیل ملکات روحی فوق العاده مؤثر است. به همین دلیل به عقیده ما بسیار بعید است که یک نفر کشیش غیر مزوج و یک نفر پاپ بتواند از لحاظ اخلاقی انسان کاملی باشد. عدم اشباع این گزینه و این

عاطفه و سرکوب شدن آن ممکن است در بعضی نفوس به صورت علاقه به شیئی دیگر مثل سگ و گربه ظاهر شود و ممکن است به صورت جنایت و کینه بر بشریت ظاهر شود. به عقیده ما علت آنکه روحانیون مسیحی در قرون وسطی با اینکه روحانی و معلم اخلاق بودند این همه آدم کشی و آدم سوزی کردند، این بود که مجرد زیسته بودند. (۱)

ص: ۱۷۷

۱- منظور شهید مطهری، اشاره به دادگاه‌های ظالمانه تفتیش عقاید مسیحیان در قرون وسطی و جنایات وحشیانه و شگفت‌انگیزی است که در جنگ‌های حدود دو بیست ساله صلیبی (۱۰۹۶ - ۱۲۹۱ م.) به دستور ارباب کلیسا بر ضد مسلمانان انجام شد و چهره پاپ‌ها و کشیش‌ها را در نزد جهانیان سیاه و منفور کرد.

۲. جهت دوم این است که، قطع نظر از ملکات اخلاقی، از لحاظ عملی مانع وقوع در معصیت است. هر چیزی که مانع معصیت بشود مقدّس است. گفته نشود پس خوردن هم از این قبیل است، زیرا هر لذتی نوعی کدورت و کسالت ایجاد می کند جز این لذت که حالت معنویت به انسان می دهد... . مسلمان هر چیزی که ولو به شکل حصار برای معصیت باشد، خوب و مقدس است. البته آن چیزی که روح را لطیف و عالی می کند خیلی بالاتر است از آن چیزی که فقط عنوان حصار دارد.

۳. جهت سوم اینکه، خانواده یگانه کانون صلاحیت دار برای تربیت نسل آینده است و هیچ مرجع دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. (۱)

اهمیت و ارزش ازدواج

همان طور که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پیامبر خاتم است و دین او آخرین دین آسمانی است و بعد از آن، هیچ دین دیگری اعتبار ندارد، سنت او نیز سنت خاتم است و بعد از آن هیچ سنت دیگری حجّیت ندارد. به همین جهت از حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که:

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَلَا سُنَّةَ بَعْدَ سُنَّتِي، فَمَنْ ادَّعَى ذَلِكَ فَدَعَاؤُهُ وَبِدْعَتُهُ فِي النَّارِ؛ (۲)

ص: ۱۷۸

۱- یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۷۲-۷۳.

۲- حکمت نامه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) (عربی)، ج ۳، ص ۵۳۰، به نقل از الامالی للمفید، ص ۵۳، ح ۱۵، عن ابي بصير عن الإمام الباقر (عليه السلام)؛ مشكاة الأنوار، ص ۲۵۵، ح ۷۵۱، عن الإمام الباقر (عليه السلام) عنه (صلی الله علیه و آله)؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۷۵، ح ۲۴.

ای مردم! بعد از من پیامبری نیست و پس از سنت (قانون) من، سنتی وجود ندارد. پس هر که ادعای نبوت کند ادعا و بدعت او در آتش خواهد بود.

یکی از سنت های مهم حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ازدواج است، که مورد سفارش اکید ایشان بود. حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَثِيرًا مَا كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّرْوِيجَ؛ (۱)

ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فراوان می فرمود: "هر که دوست دارد از سنت من پیروی کند ازدواج کند؛ چرا که ازدواج از سنت من است".

از این روایت دانسته می شود که پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) توصیه به این سنت مهم را به صورت مکرر انجام می داده است. همچنین حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) فرمود:

من تزوج فقد أحرز نصف دينه فليتب الله في النصف الباقي؛ (۲)

هر کس که ازدواج کند نصف دینش را به دست آورده است پس درباره نصف دیگرش تقوای الهی را مراعات کند.

ص: ۱۷۹

۱- الخصال، ص ۶۱۴، ح ۱۰، عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۳، ح ۱.

(بنابر نقل حکمت نامه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) (عربی، ج ۱۲، ص ۳۴۲)

۲- مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۲ هـ-ق. ص ۱۹۶.

رشد یکی از شرایط ازدواج است. شهید مطهری در این باره توضیح کامل و کافی را بیان کرده که با اندکی تلخیص آن را در ذیل می آوریم:

رشد کلمه ای است که از قرآن مجید گرفته شده است. قرآن مجید در مورد یتیمان می فرماید یتیمانی که سرپرست خود را از دست داده اند و مملوک و ثروتی دارند تا زمان بلوغ بر آنها قیمومت کنید و ثروتشان را در اختیارشان قرار ندهید. بلوغ شرط لازم است، ولی کافی نیست. تعبیر آیه این است:

{ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ } (۱)

برای آنکه ثروتشان را در اختیارشان قرار دهید، رسیدن به حد بلوغ طبیعی یعنی بلوغ جنسی کافی نیست. در فقه و سنت اسلامی نظیر همین مطلب در مورد ازدواج آمده

است. در فقه اسلامی محرز و مسلم است که برای ازدواج، تنها عقل و بلوغ کافی نیست، یعنی یک پسر به صرف آنکه عاقل و بالغ است نمی تواند ازدواج کند؛ همچنان که برای دختر نیز عاقله بودن و رسیدن به سن بلوغ دلیل کافی برای ازدواج نیست. افراد یا عاقل اند و یا مجنون، عاقل دو نوع است: یا رشید است یا غیر رشید. یعنی انسان عاقل و بالغ ممکن است رشید باشد و ممکن است غیر رشید.

ص: ۱۸۰

در اصطلاح متداول فارسی امروز، به کسی رشید می‌گوییم که اندام خیلی موزون و برازنده‌ای داشته باشد، عرب این را رشیق می‌گوید، نه رشید. رشد در اصطلاح فقهی مربوط به اندام نیست؛ یک نوع کمال روحی است. مثلاً پسری که می‌خواهد ازدواج کند باید معنی، هدف و ارزش نتایج ازدواج را درک کند و قدرت تشخیص، انتخاب و اراده داشته باشد. به صرف تلقین این و آن، شخصی را به عنوان همسر انتخاب نکرده باشد... (۱).

توضیح: مراجع تقلید، عقل و بلوغ را شرط صحت ازدواج نشمرده‌اند، بنابراین، ازدواج مجنون و غیربالغ نیز صحیح است و پدر یا جد پدری می‌تواند برای فرزندان نابالغ یا دیوانه خود نیز همسر انتخاب کند. بی‌تردید، چنین فتوایی نیاز به تحلیل و تبیین دارد تا باعث سوء تفاهم و سوء استفاده نشود. مطلبی که از استاد شهید مطهری نقل شد، توضیح و تحلیل نظر شارع و توصیه‌ای اخلاقی و اجتماعی برای دوام زندگی مشترک جوانان و پیشگیری از اختلافات خانوادگی و کم کردن طلاق است. پس نظر استاد مخالفتی با فتوای مراجع ندارد. پدر یا جد پدری که می‌خواهد برای فرزندان نابالغ یا دیوانه خود عقد ازدواج انجام دهد از سویی بدیهی است که بالغ است و از سوی دیگر فقیهان می‌گویند باید عاقل و رشید باشد و مصلحت فرزندان را در نظر بگیرد. (۲) در نتیجه با توجه به تحلیل استاد مطهری، فتوای فقها به این معنا می‌شود که نابالغان و غیرعاقلان هم می‌توانند ازدواج کنند، چون با

ص: ۱۸۱

۱- امدادهای غیبی در زندگی بشر، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ص ۹۹-۱۰۰.

۲- تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۲۹-۲۳۰. (کتاب نکاح، فصل اولیای عقد، مسئله ۱۱-۱۴)

ضمیمه شدن به عاقلان بالغ و عاقل و رشید قصورشان جبران می شود و حکم واجدان شرایط را می یابند. بنابراین بلوغ، عقل و رشد - با واسطه یا بی واسطه - لازم است.

سن ازدواج

چه سن و دوره ای برای ازدواج مناسب است؟ از نظر فرهنگ اسلامی سن خاصی تعیین نشده است و انسان می تواند در میان سالی و پیری هم ازدواج کند، ولی به طور کلی با توجه به حکم عقل و روایات اهل بیت: بهتر است اولین ازدواج از آغاز جوانی به تأخیر نیافتد و هر چه زودتر بعد از بلوغ شرعی انجام شود تا انسان در دام شیطان گرفتار نگردد. بنابراین، می توان گفت که بهترین سن ازدواج پانزده تا هجده سالگی برای دختران و هجده تا بیست و یک سالگی برای پسران است. بی تردید، ازدواج همزمان با شروع دوره جوانی باعث می شود که سلامت روانی و تعالی معنوی و اجتماعی دختران و پسران و نسل بعد به صورت مطلوب تری تأمین شود. طبیعی است که همسران جوان، توانایی و حوصله بیشتری برای تعلیم و تربیت فرزند دارند و در نتیجه موفق تر خواهند شد.

اجازه پدر

در اولین ازدواج دختر، اجازه پدر لازم است. این شرط فقهی برای رعایت مصلحت دوشیزگان است که قبلاً ازدواج را تجربه نکرده اند. معمولاً دختران آشنایی کمتری با شگردها و فریبکاری های برخی مردان دارند و ممکن است بزودی در دام آنان گرفتار شوند. شرط اجازه پدر، می تواند این مشکل را حل کند زیرا پدر خیرخواه و دوستدار فرزند خود است و به طور معمول سوء نیتی ندارد و بهتر

می تواند شیطنت ها و ترفندهای فریبکارانه مردان را تشخیص دهد. اگر به طور استثنایی پدری بدون دلیل موجه و از روی لجبازی و غرض ورزی و ستمگری و ... مانع ازدواج دخترش شود، حاکم شرع می تواند عقد ازدواج دختر و پسر را اجرا کند و دیگر نیازی به اذن پدر نیست. بنابراین، همان گونه که استاد مطهری شرح داده است، شرط اذن پدر، ربطی به قصور و عدم رشد عقلی و فکری زن ندارد بلکه مرتبط با روانشناسی خاص زن و مرد است. (شکارچی گری مرد از یک طرف و خوش باوری زن نسبت به وفا و صداقت مرد از طرف دیگر و اینکه مرد بنده شهوت است و زن اسیر محبت). (۱)

نوبت ازدواج

برخی از پیش خود برای ازدواج فرزندان شان شرطی قرار می دهند که می توان آن را "ازدواج به نوبت" نامید. مثلاً، اگر سه تا خواهر مجرد هستند، باید اول خواهر بزرگ ازدواج کند سپس خواهران بعدی. بنابراین، خواهر کوچک، حق ندارد ازدواج کند، مگر آنکه دو خواهر بزرگترش ازدواج کنند.

این قانون نانوشته ای است که برخی از والدین از روی مهر و محبت به فرزندان شان اجرا و عمل می کنند و می پندارند اگر این قانون اجرا نشود ممکن است که دختر کوچک تر ازدواج کند ولی خواستگاری برای خواهر بزرگترش پیدا نشود و کم کم سنش بیشتر شود و از زمان ازدواجش بگذرد و به ناچار برای همیشه مجرد بماند!

ص: ۱۸۳

۱- نظام حقوق زن در اسلام، منتشر شده در مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۹، ص ۹۱-۹۶.

آیا تجربه و واقعیت زندگی چنین نتیجه ای را تأیید می کند؟! هرگز چنین نیست! موارد بسیاری اتفاق افتاده که بعد از رد کردن چند خواستگار، دیگر هیچ خواستگاری برای دختر کوچک پیدا نشده است! در موارد زیادی این قانون سبب ظلم بر کوچکترها می شود و آنان فرصت های ازدواج را از دست می دهند. بر این اساس چنین قانونی از نظر شرعی و عقلایی هیچ اعتباری برای آن نیست و مردود است و سبب فساد می شود. باید دید اشکال کار در چیست و راه حل کدام است. به نظر می رسد اشکال اصلی در افراط و تفریط است. روابط بی بند و بار و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج - که غربی ها دارند - قطعاً غلط و نامشروع است و فسادهای گوناگون اخلاقی و اجتماعی در پی دارد، ولی از سوی دیگر این هم اشتباه است که برخی از اهل دین، ازدواج فرزندان و بویژه دختران خود را به دست شانس و تصادف و قضا و قدر سپرده اند و دست روی دست گذاشته اند و منتظرند تا خواستگار بیاید. شکی نیست که قضا و قدر معنای معقول و صحیحی دارد و حقّ است، ولی ما پدران و مادران و برادران و خواهران و ... هر یک وظیفه و نقشی داریم که باید انجام دهیم و مسئولیت های عقلی و دینی و اخلاقی خود را نباید به عهده تقدیر و سرنوشت بسپاریم. حقّ فرزند این است که نام نیک برای او انتخاب شود و تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد و زمینه های ازدواج برایش فراهم گردد. همان طور که منتظر نمی مانند تا کسی برای فرزندشان

نامی انتخاب کند و یا معلمی پیدا شود؛ در مورد ازدواج نیز نباید دست روی دست گذاشت تا خود به خود انجام شود. (۱)

مهریه

یکی از سنت های پسندیده اسلامی، مهریه است. مهریه، هدیه ای از طرف مرد به زن و نشانه صداقت اوست و ریشه قرآنی دارد. خدای حکیم فرمود:

{ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا } (۲)

و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.

استاد مطهری به چند نکته ظریف در این آیه کریمه اشاره می کند: اولاً، با نام صدقه (به ضم دال) یاد کرده است نه با نام مهر. صدقه از ماده صدق است و بدان جهت به مهر صداق یا صدقه گفته می شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است. بعضی مفسرین مانند صاحب کشاف

به این نکته تصریح کرده اند؛ همچنان که بنا به گفته راغب اصفهانی در مفردات غریب القرآن علت اینکه صدقه (به فتح دال) را صدقه گفته اند این است که نشانه صدق ایمان است.

ص: ۱۸۵

۱- مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ - يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ. (بحار، ج ۷۱، ص ۸۰)

۲- نساء / ۴.

دیگر اینکه با ملحق کردن ضمیر (هنّ) به این کلمه می خواهد بفرماید که مهریه به خود زن تعلق دارد نه پدر و مادر؛ مهر مزد بزرگ کردن و شیر دادن و نان دادن به او نیست. سوم اینکه با کلمه نحلّه کاملاً تصریح می کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیشکشی و عطیه و هدیه ندارد. (۱)

بنابر این، چون مهریه هدیه خواستگار به دختر است و مال اوست، پدر و مادر و دیگران حقی در آن ندارند و نمی توانند آن را برای خود بردارند و یا متعلق به خود بشمارند. از سوی دیگر، شیربها - که برخی می خواهند به عنوان مزد شیر دادن مادر دختر، از پسر (خواستگار) دریافت کنند - رسمی اسلامی نیست و نارواست.

شرط رضایت زوجین

پسر و دختری (مرد و زنی) که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند باید واقعاً راضی باشند و پذیرش ظاهری و زبانی کافی نیست و حتماً باید رضایت باطنی و قلبی داشته باشند و هیچ کسی - حتی والدین عروس یا داماد - حقّ تحمیل و اجبار ندارد. ازدواج تحمیلی و بدون رضایت واقعی دختر باطل است.

ص: ۱۸۶

۱- نظام حقوق زن در اسلام، منتشر شده در مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۲۰۰.

از نظر عقلی یا شرعی ضرورتی وجود ندارد که مراسم و ضیافت عقد و عروسی برگزار شود. شرع می گوید اگر عقد ازدواج با رعایت شرایط قانونی انجام شود دختر و پسر به یکدیگر محرم و زن و شوهر می شوند و هیچ هزینه و مراسم دیگری هم لازم نیست. حتی اگر هیچ جشنی برگزار نشود، مشکل شرعی و قانونی پیش نمی آید.

کسی که می خواهد جشن بگیرد، باید توجه کند که جشن ازدواج را می توان ساده و به دور از تشریفات و اسراف و تجمل گرایی و با حضور چند محدود هم برگزار کرد و دعوت صدها نفر و صرف میلیون ها تومان در تالار هیچ ضرورتی ندارد. برخی پنداشته اند مهمانی های بزرگ همراه با ریخت و پاش و اسراف سبب خوشبختی و شیرینی زندگی است، در حالی که گناه موجب دوری از خدا و ناآرامی درون می شود. معیار خوشبختی، آرامش روحی و عمل به دستورات الهی است و تنها یاد خداست که آرامش می آورد.

نقش سنت حسنه ازدواج در پیشگیری از جرم

غریزه جنسی بسیار نیرومند و سرکش است و اگر از راه حلال اشباع نشود کنترلش بسیار سخت است و ای بسا انسان را به آلودگی و گناه بکشاند. طبیعی است، اگر از راه شرعی و قانونی، این نیاز بر طرف شود، همسران به آرامش روانی دست می یابند و وسوسه های شیطانی کمتر می تواند جوانان را فریب دهد.

از سوی دیگر، بعد از ازدواج به طور طبیعی مشغله های جدیدی مانند تأمین مخارج زندگی، تربیت فرزند و ... پدید می آید که سبب می شود زن و مرد به سوی کار و فعالیت سازنده بروند و مشغول شوند و دیگر فرصت کمتری برای اغواهای شیطان و فساد و غفلت باقی می ماند.

راه های عملی ترویج و تقویت سنت حسنه ازدواج

ازدواج اگر آن چنان که شرع دستور می دهد انجام شود سنت حسنه ای است که باعث سلامت تن و روان و حفظ دین و ایمان می شود و همچون سدّی محکم، جلوی بسیاری از انحرافات و جرایم را می گیرد. راه های عملی ترویج و تقویت این سنت حسنه، به دو بخش علمی و عملی تقسیم می شود. در بخش علمی منظور فعالیت های فرهنگی و تبلیغی برای آشنایی با ارزش و احکام شرعی ازدواج است. در بخش عملی نیز مقصود فعالیت های اجرایی برای فرهنگ سازی مناسب در این موضوع است.

اگر معیار اصلی برای پذیرش خواستگاری پسر ایمان، تقوا و اخلاق پسندیده و روحیه صبر و استقامت و علاقه مندی به کار و بیزاری از تنبلی و بیکاری و علم و تحصیلات است، پس نباید درخواست او به خاطر نداشتن شغل اداری و فقر مادی و مانند آن رد شود.

اگر ازدواج بدون تجمل و عاری از اسراف و تبذیر ارزشمند و مطلوب است، پس باید مسئولان و رهبران جامعه اسلامی با اعمال و رفتار خود چنین الگویی را ترویج کنند، مثلاً هرگز در مراسم عقد و عروسی فرزندان خود وارد ادای اسراف و تجمل گرایی نشوند و مانند مردم متوسط رفتار کنند.

اگر مهریه سنگین و کمر شکن مانند هزار سکه طلا و ... از نظر شرعی نامطلوب و شوم است، پس باید رهبران فکری و سیاسی مانند روحانیان و استادان دانشگاه ها و قاضیان و مدیران جامعه، خود در مراعات این قانون پیش قدم باشند و مهریه دختران خود را هرگز بیش از مقدار متعارف قرار ندهند.

راهکار عملی و اجرایی

۱. حیای عاقلانه، پسندیده و ممدوح است، ولی حیای جاهلانه سبب فساد می شود و باید حذف شود. یکی از موارد حیای جاهلانه عبارت از آن است که نزدیکان دختر خجالت می کشند او را برای ازدواج به دیگران معرفی کنند و می گویند باید منتظر بمانیم تا خواستگاران خودشان بیایند! و گاهی به همین جهت، دخترانی مجرّد

باقی می مانند و هیچ گاه فرصت ازدواج برایشان به دست نمی آید.

۲. رعایت تناسب بین دختر و پسر و کفو بودن (هم شأنی) در امر ازدواج، خوب و لازم است، ولی سخت گیری های نابجا مانند وسوسه در مورد شکل ظاهری و سطح معلومات و موقعیت مالی و شغلی و اصالت خانوادگی، نظم طبیعی و عقلایی را بر هم می زند و انسان را به افراط و تفریط می کشاند.

۳. مقدار مهریه بهتر است به اندازه مهرالسّه قرار داده شود و در هر حال نباید خارج از متعارف اهل عقل و شرع باشد. بنابراین، مهریه های سنگین و کمر شکن مانند هزار سکه طلا و ... از نظر اسلام پسندیده و مطلوب نیست.

۴. اقدام نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و کمیته امداد امام خمینی در برگزاری جشن های بزرگ ازدواج دانشجویی با حضور چند هزار زوج، نمونه های موفّق و خوبی است که نشان می دهد سنت

پسندیده ازدواج با رعایت آداب و ضوابط شرعی و بدون تشریفات زائد و عاری از اسراف و تبذیر، قابل گسترش در بین همه جوانان کشور است. این گونه جشن های بزرگ ازدواج باید از سوی مسئولین و مردم مورد حمایت مادی و معنوی قرار گیرد و توسعه یابد و بیش از پیش تقویت شود تا عادت ناپسند اسراف و تجمل گرایی به تدریج از بین برود و ارزش های اسلامی بهتر مود توجه قرار گیرد. مراسم عقد و عروسی های فردی را نیز می توان با حضور ده - بیست نفر از نزدیکان و بدون اسراف و تبذیر و با هزینه کم در خانه برگزار کرد و صرف هزینه های کلان و برگزاری مراسم در تالار و دعوت از صدها نفر هیچ لزومی ندارد.

۵. اشتغال، مسکن مناسب، ادامه تحصیل و خدمت نظام وظیفه، از جمله دغدغه های اصلی جوانان است که دولت اسلامی و خانواده ها باید به گونه ای برای آن برنامه ریزی کنند تا مانع ازدواج نشود و امید به آغاز زندگی مشترک همراه با آرامش افزایش یابد.

ص: ۱۹۰

۱. به نظر استاد مطهری ازدواج از چند جهت مقدّس است؟ توضیح بفرمایید.
۲. از نظر فرهنگ اسلامی چه سنّ و دوره ای برای ازدواج مناسب تر است؟
۳. از نظر اسلام، مهریه به چه معناست؟ و شایسته است مقدار آن چقدر تعیین شود؟
۴. شرط اجازه پدر برای ازدواج دختر برای اساس چه حکمتی معین شده است؟
۵. رشد، به عنوان یکی از شرایط ازدواج، به چه معناست؟ توضیح بفرمایید.
۶. ازدواج چه نقشی در پیشگیری از جرم دارد؟ توضیح بفرمایید.
۷. موانع ازدواج کدام است؟ چگونه می توان این موانع را برطرف کرد؟ توضیح بفرمایید.

- ۱- ازدواج در اسلام، آیت الله علی مشکینی، ترجمه احمد جنتی.
- ۲- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۳- اخلاق جنسی در اسلام و غرب، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۴- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، دکتر غلامعلی حداد عادل، انتشارات سروش.
- ۵- خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، محمد رضا سالاری فر، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

درس نهم : دوستی و معاشرت با صالحان

اشاره

ص: ۱۹۳

انسان بدون ارتباط و دوستی با دیگران نمی تواند زندگی کند؛ باید افراد شایسته ای را برای معاشرت برگزیند. حال باید دید افراد شایسته چه کسانی هستند، چه کسی صالح است؟ معیارهای تشخیص صالح از ناصالح کدام است؟

به نظر می رسد معیارهای اصلی ایمان، تقوا، عمل به احکام اسلامی و آراستگی به صفات پسندیده اخلاقی است. انسان صالح، به خدا و معاد ایمان دارد و اهل نماز و روزه و سایر واجبات دیگر است؛ حلال و حرام و نجس و پاک را می شناسد و مراعات می کند و هیچ عناد و لجاجتی با حق و عدالت و شرع ندارد. با این نگاه، بسیاری از مردم جامعه اسلامی، بلکه اکثرشان، صالح هستند و فقط اندکی از آنها را می توان ناصالح و شرور و مجرم دانست. بنابراین، دوستی و معاشرت با صالحان خیال پردازی و آرزویی دست نیافتنی نیست، بلکه کاملاً عملی است و هر کسی که بخواهد می تواند چند انسان صالح برای خودش برگزیند تا یکدیگر را در راه راست یاری دهند. شکی نیست

که ارتباط با شایسته ترها سودمندتر است. پس باید بکوشیم و از بین صالحان نیز برترین‌ها و کاملترها را برای دوستی و معاشرت برگزینیم تا کمتر گرفتار اشتباه شویم و موفقیت بیشتری در زندگی به دست آوریم. آیه کریمه ذیل ملائک و معیار دوستی و دوستان صالح را به طور روشن بیان فرموده است:

{ وَ مَنِ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَافِقًا } (۱)

و آنان که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستگویان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.

همچنین:

{ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا } (۲)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی خدای مهربان برای آنان محبتی قرار می دهد.

با توجه با آنچه گفته شد، برای شناسایی دوستان شایسته و معاشرت با آنان، خوب است از خبرگان پرسیم که خدا چه کسانی را دوست دارد و چه کسانی را دشمن می دارد؟ در قرآن کریم چه کسانی و با

ص: ۱۹۸

۱- نساء / ۶۹.

۲- مریم / ۹۶.

چه صفاتی مدح شده و مورد محبت و رحمت خاصّ او دانسته شده اند؟ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السّلام) چه ویژگی هایی برای صالحان و ناصالحان ذکر کرده اند؟ آن بزرگواران عملاً چه کسانی را دوست و همنشین خود قرار می دادند و با چه کسانی می جنگیدند؟ و ...

بنابراین، کسانی که معیار دوستی را ثروت دنیوی قرار می دهند و هر کسی را که سرمایه مادی دارد شایسته معاشرت می شمارند، دچار اشتباهی بزرگ شده اند. ای بسا ثروتمندی که ارتباط با او ما را به جهنم بکشاند، زیرا خدا و معاد را فراموش کرده و اموالش را از راه حرام و رباخواری به دست آورده است و ما را نیز دانسته یا نادانسته، با زبان یا عمل، به راه شیطان و گناه می برد. ای بسا فقیری که معاشرت با او ما را به بهشت رهنمون سازد. چون همیشه و در همه موارد، خدا را در

نظر می گیرد و هرگز در امانت خیانت نمی کند و قدر نعمت های خدا را می داند و شکرگزار است و از محاسبه روز قیامت غفلت نمی کند و گفتار و رفتار او ما را به خوبی و فداکاری و عبادت تشویق می کند و غفلت از یاد خدا را از دل ما می زداید.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حتی برای معاشرت با دانشمندان نیز شرایط آموزنده ای معین فرموده است:

لَا تَجْلِسُوا مَعَ كُلِّ عَالِمٍ، إِلَّا عَالِمًا يَدْعُوكُمْ مِنْ خَمْسٍ إِلَى خَمْسٍ: مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ، وَمِنَ الْعِدَاوَةِ إِلَى النَّصِيحَةِ، وَمِنَ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَضُّعِ، وَمِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِحْلَاصِ، وَمِنَ الرِّغْبَةِ إِلَى الزُّهْدِ؛ (۱)

ص: ۱۹۹

۱- تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۱۲. بنا بر نقل حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (عربی)، ج ۱، ص ۴۸۵.

با هر دانشمندی منشینید، مگر عالمی که شما را از پنج چیز به پنج چیز دعوت می کند: از شک به یقین، از کینه جویی به خیرخواهی، از تکبر به تواضع، از ریا به اخلاص، و از وابستگی و دنیا دوستی به زهد و وارستگی.

پس کسانی که در ضروریات کلامی و فقهی اسلام و تشیع (مانند توحید، نبوت، معاد، عدل، ولایت و امامت، مهدویت، حجاب، قصاص و...) تشکیک روا می دارند و شبهه افکنی می کنند، هر چند با عناوین مهندس و دکتر و حجت الاسلام و آیت الله و... باشند و یا لباس روحانیت را بپوشند و کتاب و مقاله بنویسند؛ قطعاً فاسد و ناصالحند و شایستگی معاشرت و گفتگو ندارند. معیار صالح بودن، ایمان به خدا و عمل به ارزش های اسلامی و انسانی است؛ نه عناوین و ظواهر و نه ادعاهای. به تعبیر سعدی شیرازی:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

اگر آدمی به چشم است و زبان و گوش و بینی

چه میان نقش دیوار و میان آدمیت

خور و خواب و خشم و شهوت شغب است

و جهل و ظلمت حیوان خبر ندارد ز جهان آدمیت

به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد

ص: ۲۰۰

که همی سخن بگوید به زبان آدمیت

اگر آن درنده خویی ز طبیعت بمیرد

همه عمر زنده باشی به روان آدمیت

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت

بدر آی تا ببینی طیران آدمیت

نه بیان فصل کردم که نصیحت تو گفتم

هم از آدمی شنیدیم بیان آدمیت

درجات صالحان

اشاره

بی تردید همه صالحان با هم برابر نیستند، بلکه مراتب بسیاری بین آنها وجود دارد. برخی فقط حدّ نصاب صلاح را دارند، ولی بعضی دیگر درجات کمالی بیشتری را طی کرده اند. از بین صالحان، پیامبران الهی و حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السّلام) در بالاترین درجه قرار دارند و بعد از آنان، کسانی چون حضرت خدیجه و مریم (علیها السّلام)، سلمان، ابوذر، مالک اشتر و ... تا مؤمنین معمولی هر کدام درجه ای از ایمان و فضیلت و کمال را دارا هستند و صالح شمرده می شوند. بنابراین، معیار اصلی برای برقراری ارتباط و دوستی، ایمان و تقواست و مصادیق صالحان،

ص: ۲۰۱

منحصر به دارندگان عالی ترین درجه. در نتیجه یک انسان معمولی که ایمان به خدا دارد و اهل نماز و عمل به احکام الهی است - هر چند درجه ایمانی والایی مثل سلمان و ابوذر و ... نداشته باشد - نزد خدای کریم ارزشمند و محترم است و صالح شمرده می شود و دوستی با چنین شخصی مطلوب دانسته شده.

کسی که لغزید و گناه و جرمی مرتکب شد، باید سریع و بدون از دست دادن فرصت، به درگاه الهی روی آورد و از او عفو و بخشش بطلبد. کسی که واقعاً و از صمیم قلب پشیمان شده باشد و به سوی خدا بازگردد و برای جبران اشتباهاتش اقدام کند، کم کم جزء صالحان می شود و دوستی با او هیچ اشکالی ندارد. توبه حقیقی نقطه پایان خودسازی نیست، ولی می تواند نقطه آغاز خوبی برای رشد و تعالی انسان باشد. توبه راستین شعار و

ادّعا نیست، بلکه انقلابی درونی است که اهداف و روش ها و رفتارهای انسان را دگرگون می کند و او را از ذلّت سیطره شیطان نجات می دهد و به عزّت بندگی خدا می رساند.

{ وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا } (۱)

و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشتن ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت.

و اگر خطاکاری به راستی توبه کند، نه تنها خدا او را می بخشد بلکه او را دوست می دارد:

ص: ۲۰۲

{ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ } (۱)

البته خدا توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.

نقش دوستی و معاشرت با صالحان در پیشگیری از جرم

به طور طبیعی، انسانی که با اهل دین و صلاح ارتباط دارد کم کم خودش هم به کارهای خیر و شایسته علاقه مند می شود و کمال همنشین در او اثر می کند. روابط با منحرفان و ناصالحان نیز آثار سوء به دنبال دارد و آدمی را وسوسه می کند و به تدریج به سوی کجروی می برد. به همین جهت در آموزه های دینی تأکید شده است که با خوبان رفت و آمد داشته باشید و از اشرار و فاسدان دوری گزینید. آرزو و افسوسی که در قرآن کریم از زبان یک مجرم در روز قیامت بیان شده برای همه عبرت آموز است:

{ وَ يَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا. يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا. لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا } (۲)

و قیامت روزی است که ستمکار دست های خود را می گزد و می گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم. ای کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم. او مرا به گمراهی کشانید؛ پس از آنکه قرآن به من رسیده بود. و شیطان همواره خوارکننده انسان است.

ص: ۲۰۳

۱- بقره / ۲۲۲.

۲- فرقان/ ۲۷-۲۹.

این مجرم اکنون (روز قیامت) پشیمان شده، و البته دیگر پشیمانی برایش سودی ندارد. معنای سخن او این است که اگر رفیق خوبی داشتم شاید من هم راه راست را می پیمودم و گرفتار چنین عذاب دردناکی نمی شدم.

تأثیر مجالست و همنشینی و روحیات دوستان در انسان به اندازه ای است که در حدیثی از حضرت سلیمان (علیه السّلام) می خوانیم:

«لاتحکموا علی رجل بشیء حتی تنظروا الی من یصاحب فانما یعرف الرجل باشکاله واقرانه وینسب الی اصحابه واخذانه؛

درباره کسی قضاوت نکنید تا نگاه کنید با چه کسی همنشین است؛ چرا که انسان را به وسیله دوستان و همنشین هایش می توان شناخت؛ و او نسبتی با اصحاب و یارانش دارد. (۱)

در حدیث جالبی از لقمان حکیم چنین می خوانیم:

یابنی صاحب العلماء واقرب منهم وجالسهم و زُرهم فی بیوتهم فلعلک تشبههم فتکون معهم؛

فرزندم با دانشمندان دوستی کن! و به آنها نزدیک باش و همنشینی کن! به زیارت آنها در خانه هایشان برو! باشد که شبیه آنها شوی، و با آنها (در دنیا و آخرت) باشی! (۲)

ص: ۲۰۴

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، صفحه ۱۸۸.

۲- همان مدرک، ص ۱۸۹.

کوتاه سخن این که، در احادیث اسلامی، تعبیرات فراوان پرمعنایی در زمینه تأثیر و تأثر دوستان از یکدیگر و شباهت اخلاقی آنها با هم، می خوانیم که اگر تمام آنها گردآوری شود، بحث مشروحی را تشکیل می دهد... . امام در وصایایش به فرزندش امام حسن مجتبی (علیهما السلام) فرمود:

قارن اهل الخیر تکن منهم، و باین اهل الشرّ تبین عنهم؛^(۱)

با نیکان همنشین باش تا از آنها شوی! و از بدان دوری کن تا از آنان جدا شمرده شوی.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

لا تصحبوا اهل البدع ولا تجالسوهم فتصيروا عند الناس کواحد منهم قال

رسول الله صلی الله علیه و آله المرء علی دین خلیله وقرینه؛^(۲)

با بدعت گذاران رفاقت نکنید و با آنها همنشین نشوید که نزد مردم همچون یکی از آنها خواهید بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: انسان پیرو دین دوست و رفیقش می باشد.

می رود از سینه ها در سینه ها

از ره پنهان، صلاح و کینه ها

صحبت صالح تو را صالح کند

صحبت طالح تو را طالح کند

ص: ۲۰۵

۱- نهج البلاغه، وصیت علی (ع) به امام حسن (ع) (نامه ۳۱). اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، ص .

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

یعنی صفات و عادات خوب یا بد یاران و هم نشینان، دانسته یا ندانسته در یکدیگر چنان اثر می گذارد که دوستان، اخلاق همدیگر را کم و بیش می پذیرند و به تدریج شبیه هم می شوند.

تأثیرپذیری متقابل و تدریجی از رفتار و تصمیمات و صفات معاشران و هم نشینان قانون "مُحاکات" نام دارد. به تعبیر زیبای سعدی:

گلی خوشبوی در حمام، روزی

رسید از دست محبوبی به دستم

بدو گفتم که مشکى یا عبیری

که از بوی دلاویز تو مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم

و لیکن مدتی با گل نشستم

کمال هم نشین در من اثر کرد

کمال هم نشین در من اثر کرد

و گر نه من همان خاکم که هستم (۱)

چون دوستی و معاشرت با انسان ها اختیاری است، به همین سبب هیچ کسی دیگری را دوست و همدم خود قرار نمی دهد، مگر آنکه در او شباهتی به خودش می یابد یا احساس می کند.

ص: ۲۰۶

همان طور که علم خودش مقصود نهایی نیست و ابزاری برای عمل کردن است، معاشرت با صالحان نیز وسیله ای برای تهذیب نفس و خودسازی است و خودش هدف اصلی نیست. (۱)

استاد شهید مرتضی مطهری با توجه به اهمیت دوستی با صالحان و نقش دوست در زندگی، در نامه ای به پسرش تأکید کرده است:

در انتخاب دوست و رفیق فوق العاده دقیق باش که مار خوش خط و خال فراوان است. (۲)

همچنین توصیه ها و نکته سنجی های ایشان در نامه ای به دخترشان، خواندنی و عبرت انگیز است. (۳)

راه های عملی ترویج و تقویت دوستی و معاشرت با صالحان

۱- یکی از راه های یافتن دوست خوب، ارتباط با مساجد و مجالس دینی است. اگر جوانان با نماز جمعه و جماعت و مراسم جشن ها و عزاداری های اسلامی بیشتر و بهتر پیوند برقرار کنند، به طور طبیعی دوستان صالح و شایسته ای می یابند و در نتیجه یکدیگر را در انجام کارهای خیر و شایسته تشویق می کنند.

۲- راه دیگر اعزام دانش آموزان و دانشجویان به عمره، حج، سفرهای زیارتی مشهد، کربلا، سوریه و ... است. در این سفرها است که فرصت برای یافتن دوستانی خدایی به دست می آید و راهی به رهایی از عادات و اخلاق ناشایست گشوده می شود.

ص: ۲۰۷

۱- یادداشت های استاد مطهری، ج ۸، ص ۱۹۲.

۲- نامه ها و ناگفته ها، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ اول ۱۳۸۲ ش، ص ۱۰۴.

۳- همان، ص ۱۰۶-۱۰۸.

۳- ملاقات گروهی جوانان با مراجع تقلید و استادان اخلاق و بهره گیری از رهنمودها و انفاس قدسی آنان نیز می تواند زمینه انتخاب درست و دوستی با شایستگان را فراهم سازد.

۴- آشنایی با تاریخ صدر اسلام و مطالعه شرح حال عالمان ربانی و مجاهدان و شهیدان تاریخ سرخ تشیع و رفتن به زیارت مرقد آنان، خوبی ها و فداکاری ها و تقوای اسلامی را در روح ما زنده می کند و ما را به سوی دوستی با اهل خیر و صلاح می کشاند.

۵- اعزام جوانان به اردوهای بسیج سازندگی (آبادسازی مناطق محروم و روستاها و کمک به آنان) و راهیان نور (بازدید از مناطق عملیاتی دفاع مقدس)، از دیگر زمینه های یافتن دوستان صالح و پیشرفت در مسیر معنویت است.

پرسش و پژوهش (درس نهم)

۱- معیار اساسی برای تفکیک صالحان از ناصالحان چیست؟ توضیح بفرمایید.

۲- آیا ارتباطی بین معاشرت با ناصالحان و وقوع جرم وجود دارد؟ توضیح بفرمایید.

ص: ۲۰۸

۳- در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السّلام) صالح و ناصالح چه کسی است؟ با ذکر مثال بیان کنید.

۴- چگونه می توان دوستان صالح را شناسایی و انتخاب کرد؟ مثالی بیاورید.

۵- نقش همنشینی با صالحان در پیشگیری از جرم چیست؟ توضیح بفرمایید.

۶- آیا هر ناصالحی می تواند توبه کند و صالح شود؟ چگونه؟ توضیح بفرمایید.

۷- آیه کریمه { يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا } یعنی چه؟ توضیح بفرمایید.

ص: ۲۰۹

- ۱- رمز پیروزی مردان بزرگ، استاد جعفر سبحانی.
- ۲- دوستی در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ترجمه سید حسن اسلامی، دارالحدیث.
- ۳- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، استاد محمد تقی جعفری.
- ۴- این گونه معاشرت کنیم، سید ابراهیم سید علوی، رسالت قلم.
- ۵- دوستی و دوستان، سید هادی مدرّسی، ترجمه حمید رضا آژیر، آستان قدس رضوی.

درس دهم: فريضة طلب علم

اشاره

ص: ۲۱۱

تردیدی نیست که دانا و نادان برابر نیستند؛ همان طور که در قرآن کریم آمده است:

{ ... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ } (۱)

... بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پند پذیرند.

{ ... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ! أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؟ } (۲)

... بگو آیا نابینا و بینا یکسان است؟! آیا تفکر نمی کنید؟!

این آیات استفهام انکاری است و این حقیقت را با تأکید بیان می کند که هرگز کور و بینا و نادان و دانا همانند نیستند. طلب علم در نظر اهل عقل و درایت ارزش و اهمیت خاصی دارد. علم آموزی چنان ارزشمند است که حتی برتر از عبادت شمرده می شود. این نکته از رفتار و گفتار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در واقعه تاریخی ذیل استنباط می شود:

ص: ۲۱۳

۱- زمر / ۹.

۲- أنعام / ۵۰.

خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ بَعْضِ حُجْرِهِ فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِحَلَقَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ وَيَدْعُونَ اللَّهَ، وَالْآخَرَى يَتَعَلَّمُونَ وَيُعَلِّمُونَ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُلُّ عَلَى خَيْرٍ؛ هَؤُلَاءِ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ وَيَدْعُونَ اللَّهَ، فَإِنْ شَاءَ أَعْطَاهُمْ وَإِنْ شَاءَ مَنَعَهُمْ، وَهَؤُلَاءِ يَتَعَلَّمُونَ وَيُعَلِّمُونَ، وَإِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا. فَجَلَسَ مَعَهُمْ؛ (۱)

روزی پیامبر خدا از یکی از اتاق های خود بیرون آمد و وارد مسجد شد. در مسجد دو حلقه جمعیت دید؛ یک دسته قرآن می خواندند و به مناجات با خدا مشغول بودند و حلقه دوم مشغول آموختن و آموزش دادن بودند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: همگی کار خوبی انجام می دهند؛ این دسته مشغول تلاوت قرآن و مناجات با خدایند. اگر خداوند بخواهد به آنان می بخشد یا دریغ می کند و این دسته می آموزند و آموزش می دهند و به راستی من معلم برانگیخته شده ام. آن گاه با آنان (حلقه دوم) نشست.

یک نکته تحلیلی: معنای برتری علم آموزی بر عبادت خدا چیست؟ آیا تحصیل علم مهمتر از هر گونه عبادتی است؟ به نظر می رسد برتری علم آموزی بر عبادت خدا از آن جهت است که علم مقدمه لازم برای عبادت آگاهانه است. بنابراین، عبادت خدا دو گونه است: عبادت عالمانه و عبادت ناآگاهانه. بی تردید علم آموزی بر

ص: ۲۱۴

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱ ص ۸۳ ح ۲۲۹ و راجع منیه المرید، ص ۱۰۶. (بنابر نقل حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (عربی)، ج ۷، ص ۵۴).

عبادت بدون علم فضیلت دارد. ولی آیا علم آموزی بر عبادت عالمانه هم برتری دارد؟ در این صورت جواب روشن است: نه؛ عبادت ارزش ذاتی دارد زیرا ارتباط با محبوب حقیقی، هدف زندگی است، ولی علم ارزش تبعی دارد، زیرا فقط وسیله ای برای رسیدن به مطلوب انسان است. البته مقصود این است که علم حصولی و گفتگو می تواند زمینه ساز یقین به خدا شود و در عبادت آگاهانه، یقین و اطاعت هر دو وجود دارد. بنابراین، برتر از علم به تنهایی است. ولی علم حضوری به حضرت حقّ خود مصداق ذکر و یاد خدا و عبادت آگاهانه و ارتباط وثیق با اوست. به عنوان مثال، حضرت امام حسین (علیه السلام) که در لحظه لحظه زندگیش حضور و قدرت و علم و محبت خدا را با همه وجودش احساس می کند و راضی به رضای اوست و هر کاری که انجام می دهد و هر سخنی که می گوید برای اوست، علم حضوری به حضرت باری تعالی دارد و این علم، یکی از عالی ترین مصداق های عبادت آگاهانه است. از سوی دیگر باید توجه کرد که در این روایت، سخن از تعلیم است و اینکه " پیامبر از جانب خدای تعالی به عنوان معلم برانگیخته شده است. " و " این گروه چون تعلیم و تعلم دارد پس برتر است. " پس می توان گفت که تعلیم برتر از عبادت است، زیرا در تعلیم معلم می کوشد که دیگری را هدایت کند، ولی در عبادت عابد فقط در صدد نجات خودش است. از نظر دیگر فراموش نشود که عبادت آگاهانه چون تعلیم عملی است برتر از تعلیم لفظی و زبانی است. کسانی که مردم را با اعمال و اخلاقشان به سوی خیر و خوبی و خدا دعوت می کنند برتر از کسانی هستند که فقط با علم و گفتار و نوشتارشان تبلیغ می کنند. دریافتن معنای یک فعل - مانند عبادت خدا - مشکل تر از فهم مقصود از یک کلام - مثل لا إله إلا الله - است و

به همین جهت عبادت صالحان برای هدایت همه مردم کافی نیست و آموزش علمی نیز لازم است و از این نظر تعلیم برتر از عبادت است، زیرا عمومی و قابل فهم همگان است.

نتیجه تحلیل و توضیحی که گذشت چنین است که:

- علم حصولی به وجود، صفات و اسما و افعال خدا برتر از عبادت بدون علم است.

- عبادت آگاهانه، برتر از علم حصولی به خداست.

- علم حضوری به حضرت باری تعالی یکی از عالی ترین مصداق های یاد خدا و عبادت آگاهانه است.

هر نوع علمی برتر از عبادت خدا نیست، بلکه فقط علمی که از نظر موضوعی تناسب و پیوند با خداپرستی دارد؛ مانند علم - توحید و معاد و فقه و اخلاق این ویژگی را دارد. همچنین علومى مانند پزشکی، فیزیک، شیمی، زمین شناسی، نجوم، زیست شناسی و ... اگر به روش " آیه ای " (روش قرآنی)، یعنی به عنوان آیات و نشانه های الهی و مثال هایی برای برهان نظم، مطرح و بررسی شوند، بر عبادت بدون علم برتری و فضیلت دارند.

انواع علوم

علوم را به دو دسته کلی تقسیم می کنیم: مفید و مضرّ. ملاک در این تقسیم بندی سود و زیان واقعی مردم است که در شرع اسلام با نظر به هدف زندگی و سعادت دنیوی و اخروی انسان از سوی خدای حکیم بیان شده است.

ممکن است کسی فکر کند که هر علمی سودمند است، ولی این پندار بی دلیل است و علوم مضرّ هم وجود دارد؛ همان طور که در

تعقیب نماز عصر این دعا از جانب اهل بیت عصمت و طهارت: وارد شده است:

... اللهم إني أعوذ بك من نفس لا تشبع و من قلب لا يخشع و من علم لا ينفع و من صلاة لا ترفع و من دعاء لا يسمع ... " (۱)

خدایا به تو پناه می برم از نفسی که سیری نمی پذیرد و از قلبی که خشوع ندارد و از علمی که فایده ای نمی بخشد (۲) و از نمازی که بالا نمی رود و از دعایی که شنیده و مستجاب نمی شود.

علمی که سودی ندارد و امام معصوم (علیه السلام) از شرّ آن به خدا پناه می برد، چه نامی برایش می توان نهاد؟! آیا چنین علمی معادل علم زینبار نیست؟ (۳)

علوم مفید

هر علمی که برای جامعه نفعی دارد و مشکلی - مادی یا معنوی - را حلّ می کند از علوم مفید شمرده می شود. اکثریت علوم، همین ویژگی را دارند. بنابراین، مطلوب و مورد تشویق اسلام است. ریاضی، فیزیک، شیمی، علوم گوناگون پزشکی، کشاورزی، برق، انرژی هسته ای، مدیریت، اقتصاد، تاریخ، جغرافیا و صدها علم دیگر همگی

ص: ۲۱۷

۱- مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، دار الأضواء، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۵ هجری، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۲- یک احتمال هم در معنای "علم لا ینفع"، علم مفیدی است که به آن عمل نشود.

۳- البتّه به تعبیر دقیق: نفع نداشتن اعمّ از زیان داشتن است. (عدم النّفع اعمّ من وجود الضرر). و بنابر این بهتر است علوم را به دو بخش "نافع" و "غیر نافع" تقسیم کنیم.

سودمندند و می توانند گرهی از مشکلات مردم را بگشایند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السّلام) آموختن و تعلیم و نشر چنین علمی را تأیید می کنند تا جامعه اسلامی هر چه بیشتر و بهتر بتواند مسیر رشد را ادامه دهد و عزّت و استقلال خود را حفظ کند و وابسته و نیازمند به کافران و بیگانگان نباشد.

حکم تحصیل علوم مفید

آموزش هر علمی که برای زندگی فردی یا اجتماعی مردم مفید باشد، نه تنها مورد تأیید و تشویق اسلام است، بلکه یاد گرفتن و یاد دادن و نشر آن ضروری و واجب و وظیفه ای شرعی و الهی است؛ و این وجوب گاهی عینی است و گاه کفایی.

واجب عینی

واجب عینی، وظیفه ای است که بر عهده تک تک افراد جامعه قرار دارد و با انجام آن از سوی یک یا چند نفر، تکلیف از دیگران ساقط نمی شود، بلکه بر همگان لازم و ضروری است که این وظیفه شرعی را بجا آورند مانند نماز، روزه و

آموزش سه دسته از علوم نیز واجب عینی است و همگان باید یاد بگیرند:

۱- خداشناسی و به طور کلی اصول دین و آموزه های اعتقادی و کلامی (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد)

۲- احکام فرعی فقهی مورد ابتلا؛ مثل احکام وضو، غسل، نجاسات، مطهرات، نماز، روزه، خمس، امر به معروف و نهی از منکر و

ص: ۲۱۸

واجب کفایی

واجب کفایی، وظیفه ای است که بر عهده تک تک افراد جامعه قرار دارد، ولی اگر یک یا چند نفر این وظیفه را انجام دادند از دیگران ساقط می شود؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر. آموزش برخی از علوم نیز واجب کفایی است، بلکه اکثر علوم چنین حکمی دارند. آموزش هر علمی که برای فرد و جامعه ضروری و مفید است، بجز سه علمی که آموختنش واجب عینی است، وجوب کفایی دارد.

علوم مضر

گاهی از برخی علوم استفاده نابجا قرار می شود؛ مثلاً به جای بهره گیری از فیزیک هسته ای برای تأسیس نیروگاه های صنعتی و تولید برق، از آن برای ساختن بمب و سلاح های مرمبار اتمی و کشتار بی گناهان و نسل کشی و جنایت علیه بشریت استفاده می شود، همان طور که آمریکا مرتکب جنایتی بزرگ علیه بشریت شد و در ناکازاکی و هیروشیما ژاپن هزاران نفر را با بمب اتمی کُشت و گرفتار معلولیت جسمی و روحی کرد. علمی که در خدمت استعمار و گسترش ظلم و فریب مردم و گرفتار ساختن آنان به اعتیاد به مواد مخدر و ... قرار می گیرد از نظر کاربردی جزء علوم زیان بخش به شمار می رود و قطعاً نامطلوب است. پس آموزش این علوم (مانند فیزیک و شیمی و ...) اشکالی ندارد، ولی کاربرد نابجای آن ممنوع و حرام است و باید فقط در جهت خدمت به بشریت و در راه خیر و صلاح دین و دنیای انسان ها مورد استفاده قرار بگیرد.

برخی از علوم، مانند سحر و جادوگری و ستاره بینی (طالع بینی) (۱)

از نظر اسلام حرام است، زیرا برای مردم فایده ای ندارد و حتی ضرر هم دارد و موجب فساد و دشمنی می شود. علوم مضر، انگشت شمار و بسیار اندک و نادرند. در هر حال، اسلام نه تنها توصیه ای برای آموزش این علوم زیانبار ندارد بلکه یادگرفتن و یاددادن آن را نیز تحریم کرده است. حکمت این تحریم آن است که این گونه دانسته ها به جای درمان دردها، خود فساد و بیماری می آورند و مشکلی بر مشکل ها می افزایند؛ به جای کاشتن درخت دوستی تخم نفاق و دشمنی می افشانند و به جای ایجاد روحیه کار و انگیزه سازندگی، خوی تنبلی و فسادانگیزی را رواج می دهند و به جای تشویق به جستجوی علمی و تحصیل یقین، خرافه پرستی و خیال پردازی را تبلیغ می کنند.

در روایت ذیل حضرت علی (علیه السلام) پیش گویی منجم را مردود شمرده و او را سخت طرد کرده است:

و من کلام له (علیه السلام) قاله لبعض أصحابه لما عزم علی المسیر إلى الخوارج و قد قال له إن سرت یا أمیر المؤمنین، فی هذا الوقت، خشیت ألا- تظفر بمرادک، من طریق علم النجوم فقال (علیه السلام) أ تَزْعُمُ أَنَّكَ تَهْدِي إِلَى السَّاعَةِ الَّتِي مِنْ سِيارِ فِيهَا صُرْفَ عَنْهُ الشُّوءُ وَ تَخَوْفُ مِنَ السَّاعَةِ الَّتِي مِنْ سِيارِ فِيهَا حِاقَ بِهِ الضُّرُّ فَمَنْ صَدَّقَكَ بِهَذَا فَقَدْ كَذَّبَ الْقُرْآنَ وَ اسْتَغْنَى عَنِ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ فِي نَيْلِ الْمَحْجُوبِ وَ

ص: ۲۲۰

۱- خبر دادن به طور قطعی از آینده با استفاده از حرکات ستارگان، که غیر از علم نجوم است.

دَفَعَ الْمَكْرُوهَ وَ تَبَتَّغَى فِي قَوْلِكَ لِلْعَامِلِ بِأَمْرِكَ أَنْ يُؤَلِّيكَ الْحَمْدَ دُونَ رَبِّهِ لِأَنَّكَ بِرِعْمِكَ أَنْتَ هِدَيْتَهُ إِلَى السَّاعَةِ الَّتِي نَالَ فِيهَا النَّفْعَ وَ أَمِنَ الضَّرَّ ثُمَّ أَقْبَلَ (عليه السلام) على الناس فقال: أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي أَكُمُ وَ تَعَلَّمُ النُّجُومَ إِلَّا مَا يُهْتَدَى بِهِ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ فَإِنَّهَا تَدْعُو إِلَى الْكَهَانَةِ وَ الْمُنْجَمِ كَالْكَاهِنِ وَ الْكَاهِنِ كَالسَّاحِرِ وَ السَّاحِرِ كَالْكَافِرِ وَ

الْكَافِرُ فِي النَّارِ سِيرُوا عَلَى اسْمِ اللَّهِ؛ (۱)

ص: ۲۲۱

۱- نهج البلاغه، خطبه ۷۹؛ وسائل الشيعه، الشيخ محمد بن حسن الحر العاملي، مؤسسه آل: (۲۹ج)، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ الهجريه القمرية، ج ۱۱، ص ۳۷۱-۳۷۲. وَ فِي الْأَمْرِ إِلَى عَن مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ عَن عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَن مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ عَن نَضِيرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَن عُمَرَ بْنِ سَعْدِ بْنِ يُوسُفَ بْنِ يَزِيدَ عَن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَوْفِ بْنِ الْمَاحِمِرِ قَالِ لَمَّا أَرَادَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) الْمَسِيرَ إِلَى أَهْلِ النَّهْرَوَانَ- أَتَاهُ مُنْجَمٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ- لَا تَسِرْ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ سِرْ فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ يَمْضِيَنَّ مِنَ النَّهَارِ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ لِمَ قَالِ لِأَنَّكَ إِنْ سِرْتَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَصَابَكَ وَ أَصَابَ أَصِيحَابَكَ أَدَى وَ ضُرٌّ شَدِيدٌ وَ إِنْ سِرْتَ فِي السَّاعَةِ الَّتِي أَمَرْتُكَ ظَفِرْتَ وَ ظَهَرْتَ وَ أَصَبْتَ كُلَّ مَا طَلَبْتَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) تَدْرِي مَا فِي بَطْنِ هَذِهِ الدَّابَّةِ أ ذَكَرْتُ أَمْ أَنْتَى قَالَ إِنْ حَسَبْتُ عَلِمْتُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَنْ صَدَّقَكَ عَلَى هَذَا الْقَوْلِ فَقَدْ كَذَبَ بِالْقُرْآنِ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ عَدَاً وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ- مَا كَانَ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَدْعِي مَا أَدْعَيْتَ أ تَزْعُمُ أَنَّكَ تَهْدِي إِلَى السَّاعَةِ الَّتِي مَنْ صَارَ فِيهَا صِرْفَ عَنهُ الشُّؤْمُ وَ السَّاعَةِ الَّتِي مَنْ (صَارَ فِيهَا حَاقٍ بِهِ الضَّرُّ)- مَنْ صَدَّقَكَ بِهَذَا اسْتَعْنَى بِقَوْلِكَ عَنِ الْإِسْتِغَاةِ بِاللَّهِ فِي ذَلِكَ الْوَجْهِ وَ أُحْوَجَ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ فِي دَفْعِ الْمَكْرُوهِ عَنهُ وَ يَتَّبِعِي أَنْ يُؤَلِّيكَ الْحَمْدَ دُونَ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ آمَنَ لَكَ بِهَذَا فَقَدْ اتَّخَذَكَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ضِدًّا وَ نِدًّا ثُمَّ قَالَ (عليه السلام) اللَّهُمَّ لَا ظُونَ نَسِيرٌ فِي السَّاعَةِ الَّتِي نَهَيْتَ عَنْهَا. مخالفت امام (عليه السلام) با منجم به طور گزیده در منابع تاریخی آمده است؛ از جمله در تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوك)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ه.ق. ج ۵، ص ۸۲-۸۳. به طور مثال، عبارت ابن کثیر چنین است: "لَمَّا عَزَمَ عَلِيٌّ وَ مِنْ مَعَهُ مِنَ الْجَيْشِ عَلَى الْبَدَاءِ بِالْخَوَارِجِ، نَادَى مُنَادِيَهُ فِي النَّاسِ بِالرَّحِيلِ فَعَبَّرَ الْجِسْرَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ عِنْدَهُ ثُمَّ سَلَكَ عَلَى دَيْرِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، ثُمَّ دِيرَ أَبِي مُوسَى، ثُمَّ عَلَى شَاطِئِ الْفَرَاتِ، فَلَقِيَهُ هُنَالِكَ مَنْجَمٌ فَأَشَارَ عَلَيْهِ بِوَقْتِ مِنَ النَّهَارِ يَسِيرُ فِيهِ وَ لَا- يَسِيرُ فِي غَيْرِهِ، فَإِنَّهُ يَخْشَى عَلَيْهِ فَخَالَفَهُ عَلِيٌّ فَسَارَ عَلَى خِلَافِ مَا قَالَ فَأَظْفَرَهُ اللَّهُ، وَ قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) إِنَّمَا أُرِدْتُ أَنْ أَبِينَ لِلنَّاسِ خَطَأَهُ وَ خَشِيْتُ أَنْ يَقُولَ جَاهِلٌ، إِنَّمَا ظَفَرَ لِكَوْنِهِ وَافِقَهُ." وقتی علی (عليه السلام) و لشکریانش تصمیم گرفتند که نخست به سراغ خوارج بروند، منادی او در بین مردم ندای کوچیدن سر داد. پس علی (عليه السلام) از پل گذشت و دو رکعت نماز به جا آورد و سپس از دیر عبد الرحمن و دیر ابو موسی گذشت و به کناره فرات رسید. در آنجا منجمی او را ملاقات کرد و چنان نظر داد که باید در زمان خاصی از روز حرکت و حمله کند و در زمان های دیگر حرکت نکند، در غیر این صورت ترس شکست وجود دارد. پس حضرت علی (عليه السلام) با او مخالفت کرد و درست در زمانی که منجم می گفت نرو؛ رفت و خدای کریم او را پیروز گرداند. پس امام علی (عليه السلام) گفت خواستم اشتباه او را برای مردم روشن سازم و ترسیدم که نادانی بگویند و پندارد که چون کلام او را پذیرفت پیروز شد. (البدایه و

النهايه، أبو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ هـ.ق. ج.٧، ص ٢٨٧)

و از سخنان آن حضرت است که چون آهنگ جنگ خوارج کرد یکی از اصحاب گفت: "ای امیرمؤمنان از راه علم ستارگان گویم که اگر در این هنگام به راه افتی، ترسم به مراد خود نرسی."

امام (علیه السلام) فرمود: پنداری تو ساعتی را نشان می دهی که هر که در آن به سفر رود بدی به وی نرسد و از ساعتی می ترسانی که اگر در آن، راه سفر پیش بگیرد زیان، وی را در میان خویش گیرد! هر که تو را در این سخن راستگو پندارد، قرآن را دروغ انگارد، و در رسیدن به مطلوب و دور کردن آنچه ناخوش است و نامحبوب، خود را از خدا بی نیاز شمارد. تو، از آنکه سخت را به کار بندد، انتظار داری که تو را سپاس دارد و پروردگارش را به حساب نیارد! چه به گمان خود، ساعتی را بدو نشان داده ای که در آن به سودی رسیده و از زیانی رهیده است.

و از سخنان آن حضرت است که چون آهنگ جنگ خوارج کرد یکی از اصحاب گفت: "ای امیرمؤمنان از راه علم ستارگان گویم که اگر در این هنگام به راه افتی، ترسم به مراد خود نرسی."

امام (علیه السلام) فرمود: پنداری تو ساعتی را نشان می دهی که هر که در آن به سفر رود بدی به وی نرسد و از ساعتی می ترسانی که اگر در آن، راه سفر پیش بگیرد زیان، وی را در میان خویش گیرد! هر که تو را در این سخن راستگو پندارد، قرآن را دروغ انگارد، و در رسیدن به مطلوب و دور کردن آنچه ناخوش است و نامحبوب، خود را از خدا بی نیاز شمارد. تو، از آنکه سخت را به کار بندد، انتظار داری که تو را سپاس دارد و پروردگارش را به حساب نیارد! چه به گمان خود، ساعتی را بدو نشان داده ای که در آن به سودی رسیده و از زیانی رهیده است.

سپس روی به مردم کرد و فرمود: ای مردم از اخترشناسی روی بتابید، جز آنچه

بدان راه دریا و بیابان را یابید، که این دانش به غیب گویی می کشاند- و غیب را جز خدا نداند- منجم چون غیب گوست، و غیب گو چون جادوگر و جادوگر چون کافر است، و کافر در آتش، به نام خدا به راه بیفتید.

توضیح: این جنگ، جنگ با خوارج نهروان بوده و در سال ۳۸ هجری روی داده است. خوارج دوازده هزار نفر بودند، ولی بعد از روشنگری و اتمام حجت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دو سوم آنان (هشت هزار نفر) آگاه شدند و برگشتند و به لشکر حضرت (علیه السلام) پیوستند. بقیه خوارج هم از بین رفتند و به تعبیر خود امام (علیه السلام) چشم فتنه کور شد. پس در این جنگ بر عکس پیش گویی و ادعای آن منجم، موفقیت کامل حاصل شد و به تعبیر استاد مطهری، حضرت علی (علیه السلام) در هیچ جنگی به اندازه این جنگ فاتح نشد. (۱)

نجوم دو گونه است: نجوم احکامی و نجوم ریاضی که نباید با یکدیگر اشتباه شود؛ (۲) همان طور که امام (علیه السلام) به آن اشاره می کنند که:

أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَتَعَلَّمِ النُّجُومَ إِلَّا مَا يُهْتَدَى بِهِ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ...

نجوم احکامی، که آینده و سود و زیان انسان را به طور قطعی پیشگویی می کند، مذموم و بی اعتبار است، ولی نجوم ریاضی که با آن خسوف و کسوف و مانند آن پیش بینی می شود اشکالی ندارد و از علوم مفید است. علم نجوم ممنوع و حرام در اسلام - همان گونه که

ص: ۲۲۳

۱- سیری در سیره نبوی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چ ۱۳۸۰، ۲۳ ش.، ص ۸۱-۸۲.

۲- همان.

یکی از صاحب نظران بیان کرده است - به معنای استنباط سرنوشت انسان ها و استخراج وقایع و رویدادهای آینده با استناد به خواص ستارگان و کیفیت حرکات و موقعیت های آن و تأثیر کواکب در خیر و شر و نفع و ضرر آدمیان است. (۱) در واقع، علم نجوم و ریاضی بررسی گردش ستارگان و شناسایی وضعیت زمین و خورشید و ماه و ... است و فرمان و دستوری در آن نیست، ولی در نجوم احکامی دستورالعمل ذکر می شود؛ مثل اینکه امروز قمر در عقرب است پس خرید نکنید! ازدواج نکنید! و به همین جهت که در آن، حکم و "بکن" یا "نکن" وجود دارد به نام نجوم احکامی نامیده شده است.

تأکید شدید آیات قرآن کریم بر اندیشیدن در مورد دستگاه آفرینش (زمین و آسمان و ...) و آیه دانستن آن و لزوم بهره برداری از آن باعث شد که مسلمانان به علم هیئت و نجوم سخت علاقه مند گشتند و تحقیقات فراوانی در این علم انجام دادند؛

به طوری که به اعتراف جان برنال، اگر رصدهای اخترشناسی در فرهنگ اسلامی دچار اختلال می شد اخترشناسان اروپایی در دوره رنسانس (انقلاب علمی و صنعتی) نمی توانستند از ماحصل تجارب نهصد ساله پیشینیان خود بهره مند شوند و کشفیات مهمی که مبنای علوم جدید را تشکیل می دهند، به تأخیر می افتاد و یا اصلاً تحقق پیدا نمی کرد. (۲)

پس همان طور که شیخ انصاری در مکاسب تبیین کرده است، خبر دادن از اوضاع فلکی با استناد به گردش ستارگان حرام نیست، مانند

ص: ۲۲۴

۱- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ج ۱۱، ص ۲۳۱-۱۳۲.

۲- علم در تاریخ، جان برنال، ص ۲۱۲. به نقل از ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۳۱.

خبر از خسوف و کسوف، بلکه در صورتی که این گونه اخبار (اطلاعات علمی) مستند به برهان و دلیلی باشد که مورد اعتقاد خبر دهنده می باشد، یا مستند به دلائل ظن آور باشد، جائز است. (۱)

علم نجوم همانند سایر علوم تجربی و حسی، علم غیب نیست و خطاپذیر است، همان طور که نقل شده:

است خواجه نصیر طوسی - حکیم، متکلم، ریاضیدان و ستاره شناس بزرگ - در یکی از مسافرت هایش میهمان آسیابانی شد که در بیرون شهر آسیابی داشت، وقتی که خواجه نصیر وارد خانه او شد به جهت گرمای هوا به پشت بام رفت. صاحب خانه گفت: بیا پایین و در خانه بخواب تا باران تو را ناراحت نکنند. خواجه به اوضاع ستارگان نگریست و چیزی که علامت آمدن باران باشد ندید. صاحب خانه گفت: من سگی دارم که هر شبی که باران در آن بیارد وارد خانه می شود. خواجه این استدلال آسیابان را قبول نکرد و در پشت بام خوابید و آن شب باران بارید و خواجه سخت شگفت زده شد. (۲)

روایت ذیل به روشنی می رساند که چرا و برای جلوگیری از چه مشکلی، نجوم احکامی از سوی شارع حکیم تحریم و ممنوع شده است:

ص: ۲۲۵

۱- المکاسب، الشیخ مرتضی الأنصاری، ج ۱، ص ۲۰۱. (النوع الرابع من المكاسب المحرمه، المسأله السادسة).

۲- همان، ص ۲۰۴.

روی عن عبد الملك بن أعین قلت للصادق (علیه السّلام): ائنّی قد ابتليت بهذا العلم، فأريد الحاجه فإذا نظرت الى الطالع و رأيت الطالع الشر جلست و لم أذهب فيها، و إذا رأيت طالع الخير ذهبت في الحاجه. فقال لی: تقضى؟! فقلت: نعم! قال: أحرقتبک؛(۱)

از عبد الملك بن اعین - راوی احادیث اهل بیت (علیهم السّلام) و برادر راوی بزرگ و عالیقدر جناب زرارہ بن اعین - روایت شده که به امام صادق (علیه السّلام) گفتم که من گرفتار این علم (نجوم احکامی) شده ام! وقتی می خواهم کاری انجام دهم ابتدا در طالع می نگرم اگر طالع شرّ را بینم، می نشینم و حرکتی نمی کنم و اگر طالع خیر را بینم به دنبال حاجتم می روم. امام (علیه السّلام) با شگفتی پرسید: تو [که دوست و راوی ما اهل بیته!] چنین حکمی می کنی؟! گفتم: بله. فرمود: کتاب هایت را آتش بزنی!

با دقّت و تأمل در این روایت و عبارات راوی و دستورالعمل امام (علیه السّلام) فهمیده می شود که در اینجا، حکم (آتش زدن کتاب ها)، هرگز کلی و عمومی و مأموریت همگانی نیست، بلکه یک حکم شخصی و خصوصی و مأموریت ویژه برای جناب عبد الملك بن أعین بیان شده است، زیرا او با اعتماد نابجا به تلقین های چند کتاب طالع بینی، واقعاً بیمار روانی شده و قدرت تصمیم گیری به صورت عقلایی را در

ص: ۲۲۶

۱- وسائل الشیعه، (ج ۲۹)، ج ۱۱، ص ۳۷۰. و بهج الصباغهنفی شرح نهج البلاغه، الشیخ محمّد تقی التستری (الشوشتری)، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ج ۷، ص ۱۹۹. به نقل از "کتاب من لایحضره الفقیه"، الشیخ الصّیدوق، ج ۲، ص ۱۷۵، حدیث ۱۴.

زندگی شخصی خودش از دست داده و هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. در حقیقت، چنین چیزی علم نیست، بلکه خرافه و خیالات و تلقینات منفی است که زندگی انسان را فلج می کند و او را گرفتار بیماری روحی و وسواس عملی می گرداند و چنین کتابی هم اثری علمی نیست که ارزش و قداستی داشته باشد، بلکه پندارها و بافته هایی چند است که ارزش نگاه و نگهداری ندارد و حتی وجودش به سلامت و بهداشت روح و جسم و امتیّت انسان آسیب می رساند. به همین جهت آن طیب و روان شناس حکیم و استاد دانشمندان، حضرت امام صادق (علیه السلام) نسخهٔ درمان می دهد که جرثومه فساد و غدهٔ سرطانی باید سوزانده شود تا یأس و اضطراب و سستی رخت بر بندد و امید و آرامش و شور و نشاط به زندگی بازگردد.

حکم تحصیل علوم مضرّ

به علت ضرر و زیان آشکاری که چنین علومی دارند روشن است که از نظر اسلام تحصیل علوم مضرّ مجاز نیست. نه فقط یاد گرفتن بلکه یاد دادن آن هم ممنوع است. همچنین نشر و تبلیغ این علوم هم هرگز مطلوب و مجاز نیست. اینکه در اینجا گفته می شود تحصیل این علوم خاصّ و مضرّ، حرام است مثل آن است که پزشکی می گوید خوردن این دارو ممنوع است. پس در هر حال مقصود این است هر کسی که به این دستور عمل نکند زیان می بیند و سلامتی روح یا بدن خودش را به خطر می افکند.

نقش علم در پیش گیری از جرم

گاهی برخی مرتکب جرم و خلافی می شوند چون آگاهی ندارند و اگر آگاه شوند هرگز به دنبال آن نمی روند. پس در مواردی راه

پیش‌گیری از انحراف و تباهی عبارت از آموزش و تبلیغ است. البته در این میان معلّمان، روحانیان و مبلغان هم وظایفی دارند و باید همواره روز حساب را در نظر داشته باشند و بدون علم فتوا صادر نکنند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در وصیت به ابوذر فرمود:

يا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا سُئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ: "لَا أَعْلَمُهُ" تَنْجُ مِنْ تَبِعْتِهِ، وَلَا تُفْتِ النَّاسَ بِمَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ تَنْجُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛(۱)

ای ابوذر! وقتی درباره موضوعی که نمی‌دانی از تو سؤال شد، بگو نمی‌دانم تا از عواقبش رهایی یابی و بدون علم فتوا مده تا از عذاب روز قیامت نجات یابی.

اگر دانایان و صاحبان علم و معرفت گرفتار انحراف و جرم شوند بسیار بدتر و نامقبول‌تر است؛ جرمشان عقاب

و جریمه مضاعف و بیشتری دارد و به قول سعدی در گلستان:

علم، سلاح جنگ شیطان است و خداوند سلاح را چون به اسیری ببرند شرمساری بیش برد.

یعنی علم اسلحه‌ای است که می‌توان به وسیله آن با شیطان جنگید و عالمی که این سلاح را دارد اگر اسیر شیطان شود سزاوار ملامت و خجالت بیشتری است تا نادانی که این سلاح را ندارد.

ص: ۲۲۸

۱- الأمالی للطوسی: ص ۵۲۷ ح ۱۱۶۲ عن أبي ذرٍّ، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۷۶. بنا بر نقل حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (عربی)، ج ۱، ص ۴۶۶.

راه های بسیاری برای توسعه و اجرای این فریضه بزرگ الهی وجود دارد که به برخی از آن اشاره می شود:

۴- اگر عالمان در جامعه اسلامی بر صدر بنشینند و قدر و منزلت علم را مردم ببینند، اقبال مردم هم به علم آموزی افزونی می یابد.

باید فرهنگ سازی شود و دانشمندان و مخترعان و

۴- نویسندگان و معلمان شایسته به عنوان الگوها و چهره های ماندگار مطرح و تبلیغ شوند تا مردم علم و پژوهش را بهتر و بیشتر بطلبند و با اشتیاق در این مسیر قدم بردارند.

۵- برگزاری مسابقه های علمی و فرهنگی گوناگون شور و نشاط جوانان را برای ادامه مسیر علم طلبی بر می انگیزد.

۶- مراسمی مانند اهدای جایزه کتاب سال و ... می تواند در ترویج علم جویی و پژوهشگری نقشی مهم ایفا کند.

۷- کسی که به سرنوشت خود علاقه مند است، باید بداند که بدون علم آموزی نمی تواند راه تعالی را بیابد و بیماید. همچنین کسانی که سرنوشت کشورشان برایشان مهم است باید بدانند که بدون علم، هیچ تمدن متعالی و انسانی پدید نیامده و نخواهد آمد.

- ۱- علم نافع چیست؟ شرح دهید.
- ۲- آموختن کدام یک از علوم، واجب کفایی است؟
- ۳- آموختن کدام یک از علوم، واجب عینی است؟
- ۴- چرا نجوم احکامی (ستاره بینی) مضر است؟ توضیح بفرمایید.
- ۵- نقش علم در پیش گیری از جرم چیست؟
- ۶- آیا علم بدون ایمان می تواند مانع وقوع جرم شود؟ توضیح بفرمایید.
- ۷- چرا علم بدون عمل را نمی توان از عوامل پیش گیری از جرم دانست؟ توضیح بفرمایید.

- ۱- رساله نوین، ترجمه تحریر الوسيله امام خمینی، نگارش دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- آداب تعلیم و تربیت در اسلام، شهید ثانی، ترجمه حجت الاسلام دکتر سید محمد باقر حجّتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳- رمز پیروزی مردان بزرگ، استاد جعفر سبحانی.
- ۴- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، استاد محمد تقی جعفری.
- ۵- سیری در سیره نبوی، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.

درس یازدهم: حجاب و عفاف

اشاره

ص: ۲۳۳

حجاب، یکی از ضروریات فقهی اسلام است و اختلافی در آن نیست. در قرآن کریم، آیاتی در این موضوع آمده است، مثل:

{ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ

نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ } (١)

ص: ۲۳۵

به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه تر است، زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

روایات متعددی نیز درباره ضرورت حجاب و آثار آن از سوی اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. (۱)

سیره عملی شخصیت های بزرگ اسلام، مانند حضرت فاطمه زهرا و زینب کبری (علیهما السلام) همه بانوان با ایمان را به رعایت حجاب و عفاف دعوت می کند.

ص: ۲۳۶

۱- ر.ک. چهل حدیث حجاب، عبدالعلی براتی، انتشارات اسحار، چاپ اول ۱۳۸۱ش.

ای زن از فاطمه به تو این گونه خطاب است

بهترین زینت زن حفظ حجاب است

حدود و تعریف حجاب و عفاف

اشاره

منظور از قانون حجاب پرده نشینی و انزوا و دوری کردن بانوان از اجتماع نیست، بلکه به این معناست که زن پوشش شرعی را در برابر نامحرم رعایت کند و لباس های تحریک آمیز نپوشد و به خودنمایی نپردازد. (۱)

حضور زن با مراعات پوشش کامل اسلامی، حریم و امتیث ایجاد می کند و تا حدود بسیاری مانع ایجاد وسوسه های شیطانی فاسدان در جامعه می شود و از اختلاط فسادانگیز زنان و مردان نامحرم جلوگیری می کند.

رعایت حجاب به معنای حقیقی در صورتی حاصل می شود که زنان به شکل پوشیده در برابر نامحرمان ظاهر شوند. پس اگر لباس های بدن نما، مانند جوراب و روسری های نازک، بپوشند و یا از لحاظ رنگ یا نحوه پوشش توجه نامحرمان را جلب کنند و به جلوه گری و خودنمایی بپردازند، حجاب واقعی را مراعات نکرده اند و چنین حجابی مورد نظر و قبول شرع مقدس اسلام نیست. چادر، اگر نازک و بدن نما نباشد و از نظر رنگ و اندازه و یا چگونگی پوشیدن نیز توجه نامحرمان را جلب نکند، حجاب برتر است و بر سایر پوشش ها مانند "مانتو و

ص: ۲۳۷

۱- ر. ک.: مسأله حجاب، منتشره در مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹، ص ۴۴۶-۴۴۸.

شلوار" ارجح است. پوشیدن حجاب شرعی واجب است و باید زنان پوشش اسلامی خود را در همه لحظاتی که در برابر نامحرمان قرار دارند

حفظ کنند. روایت ذیل قابل توجه است:

رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَيْتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنِهِ نِسْوَةٌ كَاشَتْ فَاثَ عَارِيَاتٍ (۱) مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ السِّدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهْوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَجِلَّاتٍ لِلْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ؛ (۲)

اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت کرده است که شنیدم می فرمود: در آخرالزمان و نزدیکی روز قیامت، که بدترین زمان است، زنانی پیدا می شوند که بدن هایشان را نپوشیده و دین ندارند ولی ادعای دینداری می کنند؛ در فتنه ها داخل می شوند و میل به شهوات دارند و به سوی لذات می شتابند و حرام ها را حلال می شمارند و در نتیجه در جهنم جاودانه خواهند ماند.

همان طور که استاد شهید مطهری تبیین کرده است، از نظر اسلام حبس زن و منع حضور او در اجتماع، مطلوب و مفید نیست؛ زیرا نوعی ظلم است و خلاف کرامت انسانی زنان. همچنین اختلاط زن و

ص: ۲۳۸

۱- در وسائل الشیعه، الشیخ الحرّ العاملی، (۲۹ ج)، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ هجری قمری، ج ۲۰، ص ۳۵. به جای "عاریات" تعبیر "عادیات" (ظالمان) آمده است.

۲- من لایحضره الفقیه، الشیخ الصدوق، منشورات جامعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۳ الهجریه القمریه، ج ۳، ص ۳۹۱؛ مکارم الأخلاق، رضی الدین حسن بن فضل الطبرسی، منشورات الشریف الرضی قم، ۱۴۱۲ الهجریه القمریه، ص ۲۰۱.

مرد هم شایسته نیست؛ زیرا خلاف فرمان خدای حکیم است و مفسد گوناگونی را در پی دارد و خلاف مصلحت واقعی همه انسان ها است. شایسته آن است که زنان با رعایت حریم و احکام و آداب و دستورهای اسلامی در جامعه حاضر شوند و فعالیت

کنند. (۱) همان طور که حضور زنان در مساجد و حسینیه ها و مشاهد مشرفه منعی ندارد. اختلاط زنان و مردان نامحرم در همه جا، حتی در راهپیمایی و مساجد و حسینیه ها و حرم اهل بیت (علیهم السّلام) نیز نامطلوب و خلاف نظر شارع حکیم است. همچنین مناسب است که دانشگاه های جداگانه ای برای تحصیل دختران و پسران فراهم شود و اگر فعلاً امکانات چنین موضوعی فراهم نیست دست کم کلاس ها از یکدیگر تفکیک شود و در صورت تشکیل کلاس های مشترک، ضروری است که حریم و احکام شرعی کاملاً مراعات شود.

شکی نیست که وظیفه اول هیچ زنی، هرگز اشتغال در بیرون از خانه نیست، بلکه نخستین و مهم ترین مسئولیت همه زنان، عبارت از مادری و تعلیم و تربیت فرزند و شوهرداری و خانه داری است. (۲)

محرم کیست؟ نامحرم کیست؟

لمس بدن زن، نگاه به او و دست دادن و مصافحه با نامحرم، حرام است. ولی چه کسانی محرم هستند و چه کسانی نامحرم؟ به نظر می رسد برخی از مردم با پاسخ این پرسش آشنایی کامل ندارند و محرم و نامحرم و احکام شرعی مربوط به آنها را به درستی نمی دانند و

ص: ۲۳۹

۱- مسئله حجاب، مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹، ص ۵۵۰-۵۵۱.

۲- پاسخ های استاد به نقدهایی بر مسئله حجاب، منتشره در مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹، ص ۶۰۲.

یا در مقام عمل، با دقت مراعات نمی کنند. در هر حال، معیار محرمیت فقط همان است که مراجع معظم تقلید در رساله های عملیه نوشته اند. معیار محرمیت دوری یا نزدیکی، آشنا یا بیگانه بودن و ... نیست. پس هر فامیلی محرم نیست؛ همان طور که هر غریبه ای هم نامحرم نیست. مثلاً پسر دایی، دختر دایی، دختر عمو، پسر عمو، دختر خاله، پسر خاله، زن عمو، زن دایی، شوهر خاله، شوهر عمه، زن برادر، برادر شوهر، شوهر خواهر و خواهر زن؛ با آنکه همگی فامیل و آشنا هستند و ممکن است امین و محرم اسرار هم باشند، اما هیچ کدام محرم به معنای فقهی نیستند و حکم سایر نامحرمان را دارند.

برخی پنداشته اند که چون طیب انسان را معالجه می کند پس محرم است و می تواند به همه اعضای بدن بنگرد و یا لمس کند و حجاب در برابر او لازم نیست، در حالی که چنین نیست و پزشک معالج هم، نامحرم است. در مقام ضرورت، حکم خاصی برای پزشک وجود دارد که مخصوص وضعیت و شرایط اضطراری است. لمس و نظر برای پزشک معالج به چند شرط جایز است:

۱- امکان معالجه به وسیله پزشک هم جنس نباشد.

۲- برای معالجه، لمس یا نظر ضروری باشد و مثلاً نتوان با انجام آزمایش خون و ... تشخیص دهد و درمان کند.

۳- رعایت ترتیب لازم است؛ در صورت امکان ابتدا باید با نگاه یا لمس به صورت غیر مستقیم معالجه انجام شود، مثل نگاه در آینه یا در صفحه مانیتور و یا گرفتن نبض با دستکش.

۴- جواز نگاه یا لمس فقط برای معالجه و به مقدار مورد نیاز جایز است. اگر به قصد لذت بردن و یا بیشتر از مورد نیاز صورت گیرد حرام است.

در پاسخ اینکه حکمت و سرّ حجاب چیست؟ چرا پوشش همه بدن بجز چهره و دو دست (وجه و کفّین) برای زنان واجب شده است؟ شهید مرتضی مطهری بیان کرده اند که:

... اسلام به اصل قوّت و نیرومندی تمایل جنسی توجّه دارد که جنون آمیزترین و قویترین و غیرقابل مقاومت ترین

تمایلات است ... هیچ غریزه ای به اندازه این غریزه، ضد عقل یعنی کور کننده و مسلوب الاختیار کننده نیست... (۱).

ایشان در جای دیگر می گویند: اسلام، پوشش زن را در مقابل نامحرمات واجب قرار داده تا به چند هدف مهمّ برسد:

۱. آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد ... غریزه جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است، هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله ورت تر می شود ... اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین، توجّه کامل کرده است. روایات زیادی درباره خطرناک بودن نگاه، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالأخره خطرناک بودن غریزه ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می دهد،

ص: ۲۴۱

۱- یادداشت های استاد مطهری، ج ۳، ص ۱۷۳.

وارد شده است. اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است: {قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...} (۱) خلاصه این دستور این است که مرد و زن نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند... و اما اینکه در اسلام دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است... (۲)

ص: ۲۴۲

۱- نور / ۳۰-۳۱.

۲- بی تردید مردان هم شرائط و احکام پوشش اسلامی را باید رعایت کنند و لباس های نامناسب و تحریک آمیز نپوشند.

۲. استحکام پیوند خانوادگی

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حدّ اکثر کوشش مبذول شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیان مند است و باید با آن مبارزه کرد. اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود....

۳. استواری اجتماع

... آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حقّ

تحصیل علم و دانش ندارد، بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است، و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بیعبار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است. آیا اگر دختر و پسر در محیط جداگانه ای تحصیل کنند و فرضاً در یک محیط درس می خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند، بهتر درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می دهند یا ...؟ آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟

۴. ارزش و احترام زن

... زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر

و با وقارتر و عقیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود... (۱)

استاد مطهری روشن می سازد که بی حجابی زنان نیروی کار اجتماع را تضعیف می کند:

... به بهانه اینکه حجاب نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است با بی حجابی، نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کردند. کار زن پرداختن به خودآرایی و ... و کار مردها چشم چرانی و شکارچی گری شده است! ... آیا اگر مرد از چشم چرانی و دنبال گیری زنان ممنوع باشد و زن از تبرّج و خودنمایی و خودآرایی برای بیگانگان ممنوع باشد، اجتماع بهتر کار و فعالیت می کند یا برعکس؟ ... حجاب؛ عزّت و کرامت زن را افزایش می دهد نه اینکه زن را تحقیر می کند. زن به قول سوفیالورن باید جنبه اسرارآمیز خود را حفظ کند، اگر آنچه دارد بنمایاند قوه تخیل مرد، دیگر از او یک لعبت خیالی نمی سازد... (۲)

مولوی بیان و تمثیل خوبی درباره ارتباط "حجاب و عزّت" و همچنین "بی حجابی و ذلّت" مطرح کرده است:

آب غالب شد بر آتش از نهیب

آب غالب شد بر آتش از نهیب

ز آتش او جوشد چو باشد در حجیب

ص: ۲۴۶

۱- مسئله حجاب، منتشره در مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۲-۴۴۱.

۲- یادداشت های استاد مطهری، ج ۳، ص ۱۷۴-۱۷۵.

چونکه دیگی حایل آمد آندو را

نیست کرد آن آب را کردش هوا

یعنی اگر مانعی بین آب و آتش نباشد، آب غالب است و آتش ذلیل، در نتیجه آتش به خاموشی و سردی می گراید. ولی اگر حجابی در میان باشد آتش عزیز است و باعث جوشش آب می شود و زندگی رونق و نشاط می یابد. دختران و زنان اگر در برابر نامحرمان حجاب نداشته باشند، ذلیلند و مورد آزار قرار می گیرند، ولی اگر حجاب داشته باشند عزت مندند و کرامت و ارزش آنان در جامعه بالا می رود و باعث حرکت و سازندگی در جامعه می شوند. پس این قانونی طبیعی و تجربه شده است که بی حجابی، سبب ابتدال و ذلت و سقوط منزلت اجتماعی زنان می شود.

عفاف و امتیث اخلاقی

منظور از عفاف عبارت از رعایت قوانین شرعی و اخلاقی در روابط بین زنان و مردان به طور کلی و بویژه بین زنان و مردان نامحرم است. نگاه، گفتگو و هر گونه معاشرتی بین محرم ها و نامحرم ها، احکام شرعی خاص و شناخته شده ای دارد که مراعات آن سبب تأمین آرامش و امتیث اخلاقی و معنوی جامعه می شود. عقیف (زن یا مرد) کسی است که برای سلامت و سعادت و پاکی خودش و جامعه اش، اخلاق و قانون الهی را در روابط فردی و اجتماعی با سایرین (زنان یا مردان) مراعات می کند و آینده خود و اجتماعش را به خاطر هوس های زودگذر و احساسات آنی، تباه نمی سازد. بنابراین، عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان نیز باید قانون عفاف را رعایت کنند. اگر

ص: ۲۴۶

همگان عفت را در چگونگی کلام و سخنوری، پوشش و نگاه و ... بدرستی مراعات کنند، امتیث اخلاقی جامعه تضمین می شود.

نقش حجاب و عفاف در پیش گیری از جرم

کسی که حجاب و عفاف را بدرستی مراعات می کند در حقیقت یک مبارز به تمام معنا و مجاهد در راه خداست؛ زیرا از سویی با نفس اماره می جنگد و فرمان الهی را اطاعت می کند و وسوسه شیطان را زیر پا می نهد (جهاد اکبر) و از سویی دیگر در برابر نفوذ فرهنگ غربی و حضور و تهاجم دشمنان خارجی و استعمارگران، مقاومت می کند و آنان را ناامید می سازد و این جهاد اصغر است. پس زنان مسلمان با حجاب خود در چند جبهه می جنگند و چندین ثواب می برند و در روز حساب، رو سفید می شوند. رفتار زنان با حجاب، مورد رضایت خدای کریم است و شیطان را مأیوس و غمگین می سازد.

بی حجاب ها نیز در چند میدان شکست می خورند و اسیر شیطنت های داخلی و خارجی می شوند و زمینه نفوذ و سلطه شیاطین را فراهم می آورند و از چند نظر وزر و وبال می برند و در روز قیامت رو سیاه می شوند.

زنان با حجاب هستند که با طاغوت ها و ستمگران می جنگند و بلکه مردان را هم به میدان مبارزه با حکام جور می کشانند و به تعبیر حضرت امام خمینی رضوان الله علیه:

... زن مبدأ همه خیرات است. شما دیدید، ما دیدیم که زن در این نهضت چه کرد ... ما خود دیدیم که چه زن هایی تربیت کرده است اسلام، چه زن هایی در این عصر اخیر قیام کردند و آنهایی که قیام کرده اند همین زن های

محبوبه [با حجاب] جنوب شهر و قم و سایر بلاد بود. آنها که به تربیت آریامهری تربیت شدند، ابداً در این امور دخالت نداشتند. آنها تربیت های فاسد شده بودند؛ از تربیت های اسلامی آنها را دور نگه داشتند. اینهایی که تربیت اسلامی داشتند خون دادند، کشته دادند، به خیابان ها ریختند، نهضت را پیروز کردند. ما نهضت خودمان را مرهون زن ها می دانیم... (۱).

فرانتس فانون، کتابی نوشت و انقلاب الجزایر را از نظر جامعه شناسی تحلیل کرد و بخش مهمی از آن را به مسئله حجاب و نقش آن در مبارزه با تجاوزگران خارجی اختصاص داد. (۲) او به خوبی نشان داد که چگونه حجاب زنان الجزایری مانع موفقیت اشغالگران شد.

راه های عملی تقویت فرهنگ حجاب و عفاف

فرهنگ و سنت حسنه عفاف و حجاب، از چند راه گسترش می یابد و تقویت می شود:

۱. اگر حاکمان و خانواده هایشان خود اهل رعایت عفت و پوشش مناسب باشند، مردم هم پیروی می کنند؛ همان طور که اگر پدران و مادران و مربیان و

ص: ۲۴۸

۱- صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ اول ۱۳۷۸ش. (۲۲ج)، ج ۷، ص ۳۳۷. (پیام رادیو تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) ۲۶ / ۲ / ۱۳۵۸ش.).

۲- انقلاب الجزایر یا بررسی جامعه شناختی یک انقلاب، فرانتس فانون، ص ۱۴. به نقل از رساله نوین، عبدالکریم بی آزار شیرازی، ج ۳، ص ۲۶.

دانشمندان و ... عمل کنند، فرزندان و دانش آموزان و دانشجویان و ... نیز هماهنگ می شوند.

۲. بیان امتیازات پوشش اسلامی و آفات و بحران های فرهنگ و خانواده غربی و ... در کتاب های درسی مدارس و دانشگاه ها و حوزه های علمیه و سخنرانی ها و ...

۳. یکی از روش های مهم تبلیغ پوشش اسلامی که تأثیری ژرف و ماندگار دارد عبارت از بیان هنری در قالب فیلم های سینمایی و تئاتر و ... است.

۴. بررسی تاریخی نقش بی حجابی در فساد اخلاقی و اجتماعی در کشورهای جهان.

۵. معرفی علمی و کامل اسوه های حجاب و عفاف، مانند حضرت فاطمه زهراء (علیهاالسلام) در جهان اسلام به همه زنان و مردان جهان.

۶. تولید لباس های متناسب با فرهنگ اصیل قرآنی و ترویج مدهای اسلامی.

ص: ۲۴۹

- ۱- حدود و معنای صحیح حجاب اسلامی کدام است؟
- ۲- محرم کیست و نامحرم کدام است؟ توضیح بفرمایید.
- ۳- رعایت حجاب و عفاف چه تأثیری در پیش گیری از جرم دارد؟
- ۴- حجاب چگونه سبب آرامش روانی می شود؟
- ۵- بنا بر نظر استاد مطهری، حکمت های سه گانه ضرورت پوشش زنان در برابر نامحرمان چیست؟
- ۶- حجاب زنان مسلمان چه نقشی در پیروزی انقلاب الجزایر داشت؟ توضیح بفرمایید.
- ۷- بی حجابی بانوان چه ارتباطی با استعمار و سلطه سیاسی غرب دارد؟ توضیح بفرمایید.

- ۱- مسئله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۲- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۳- اخلاق جنسی در اسلام و غرب، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۴- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، دکتر غلامعلی حدّاد عادل، انتشارات سروش.
- ۵- چهل حدیث حجاب، عبدالعلی براتی، انتشارات نورالسجاد.

درس دوازدهم : مسؤلیت رسانه ها در پیش گیری از جرم

اشاره

ص: ۲۵۳

اشاره

خدای حکیم از ابزارهای گوناگون برای هدایت مردم بهره گرفته است، که شایسته است همه والدین، مربیان، مبلغان و مسئولان نیز از روش قرآن کریم پیروی کنند. در قرآن کریم، علاوه بر بیان روشن و حکمت آمیز و امر و نهی، از قصه های پیامبران و اقوام پیشین مانند حضرت نوح، ابراهیم، یوسف، موسی و عیسی: و ... نیز برای تذکر و عبرت بندگان استفاده شده است. ما هم برای پیام رسانی و ترویج معروف و نهی از منکر و جلوگیری و پیش گیری از گناه و جرم، ضروری است که همه وسیله های مجاز و مشروع را به استخدام درآوریم تا نتیجه بهتر و مطمئن تری حاصل شود.

ضرورت استفاده از ابزارهای گوناگون ریشه در این حقیقت دارد که از سویی توانایی ها و استعداد های انسان، مختلف است و همه قدرت فهم و دریافت یکسانی ندارند، و از سویی دیگر آدمی تنوع طلب است و نیاز به روش های جدید دارد تا خسته و افسرده نشود.

رشد روحی و معنوی جامعه، هدفی بزرگ و مقدس است که به راحتی حاصل نمی شود و برای فرهنگ سازی و رشد جامعه باید

صبوری پیشه کرد و سختی‌ها و مرارت‌ها را به جان خرید و با برنامه‌ریزی درازمدت و اجرای صحیح و بهره‌گیری از ابزارهای متفاوت، امید به آینده داشت چون تعالی و رشد فرهنگی و معنوی، امری تدریجی و زمان‌بر است و هرگز به صورت آنی و ناگهانی حاصل نمی‌شود.

در قرآن کریم ضرورت بهره‌گیری از روش‌های نیکو و متناسب برای پیام‌رسانی چنین مطرح شده است:

{ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ. } (۱)

با حکمت و اندرز نیکو به راه‌پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است استدلال و مناظره نما. پروردگارت از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت یافتگان داناتر است.

امروزه وسایل بسیاری مانند کتاب، فیلم، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و... برای پیام‌رسانی و تبلیغ وجود دارد، که می‌تواند در جهت پیش‌گیری و جرم‌زدایی و تقلیل آسیب‌های فردی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به این که هر کدام از این رسانه‌ها ویژگی‌ها و جاذبه‌های خاصه‌ی دارند و هیچ‌کدام نمی‌تواند جای دیگری را بگیرد، مناسب است به یک رسانه مانند کتاب یا فیلم اکتفا نشود و همه ابزارها برای این مهم به خدمت گرفته شود تا تنوع سلیقه‌ها و توانایی‌ها و

ص: ۲۵۶

محدودیت های خاص مردم مراعات گردد و مخاطبان بیشتری آگاه و جذب شوند.

عالی ترین مبلغان اسلام، یعنی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) به صورت حضوری و چهره به چهره، پیام توحید را به مردم می رساندند و در این مسیر از ابزارهای گوناگون مانند تشویق، پرسش، تشبیه، برهان و بیان قصه های زندگی پیامبران الهی و گذشتگان بهره گرفته اند.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره ویژگی های حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و روش تبلیغ و هدایت او فرمود:

... طَيْبٌ دَوَارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكُ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمِي وَ آذَانِ صُمَّ وَ أَلْسِنَتِهِ بُكُمْ مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ... (۱).

او طیب ستیاری است که طبابتش را با خود همراه دارد، مرهم هایش را آماده کرده و داغ هایش (ابزارهای جراحی) را برافروخته است و در جای مورد نیاز به کار می برد. بیمارهایی را درمان می کند که قلب هایشان کور و گوش هایشان کر و زبان هایشان گنگ است و با داروهایش به دنبال مواضع غفلت و حیرتگاه ها می گردد ...

باید روحیات و مشکلات مخاطبان را به درستی سنجید و از ابزار های متناسب با آن بهره گرفت تا بهتر بتوان به نتیجه مطلوب رسید.

ص: ۲۵۷

در هر حال با یک ابزار و یک روش در همه

موارد و در هر شرایطی موفقیت حاصل نمی شود. به گفته سعدی:

درشتی و نرمی به هم در به است

چو رگزن که جراح و مرهم نه است

نتیجه گیری نهایی

با بررسی و پژوهشی که در باب عوامل اساسی پیش گیری از جرم انجام شد، می توان به این نتیجه کلی رسید که نسبت بین اسلامی شدن و جرم، نسبت عکس است، یعنی هر چه در جامعه آموزه ها و سنت ها و آداب دینی و اسلامی بهتر و بیشتر شناخته شود و مورد عمل قرار گیرد، جرم و گناه و جنایت کمتر می شود و هر چه جهل به آموزه های اسلام بیشتر شود و خرافات به جای آموزه های اصیل بنشینند و عمل به احکام و سنن اسلامی تضعیف شود، جرم و گناه و بزهکاری بیشتر می شود.

رسانه ها سه وظیفه بزرگ بر عهده دارند:

۱. مراقبت و نظارت بر فعالیت های رسانه ای برای پیش گیری از وقوع جرم و گناه.

۲. حمایت از معروف ها و ارزش ها و تبلیغ و دفاع از آن.

۳. عدم غفلت از منکرات؛ ضروری است که با توجه به مراحل امر به معروف و نهی از منکر به روشنگری و انتقاد و افشاگری و غفلت زدایی اقدام کنند.

در نتیجه اگر واقعاً سعادت و آرامش انسان ها برای ما ارزشمند است و به فکر مبارزه با جرایم فردی و اجتماعی هستیم و یا می خواهیم که از

ص: ۲۵۸

هر نوع جرم و جنایتی در جامعه پیش گیری کنیم، باید بکوشیم و زمینه سازی و فرهنگ سازی کنیم تا مردم بیش از پیش و بهتر از گذشته با دین مبین اسلام آشنا شوند و قوانین و دستورهای آن هر چه بهتر و کامل تر به مرحله اجرا و عمل درآید. بی تردید، هر چه فرد و جامعه تکامل بیشتری بیابد و به قرب و رضای الهی نزدیک تر شود، جرم و کجروی کم و کمتر می گردد.

باید دانست که نسخه ها و توصیه های روشن فکری خارجی و غربی هیچ سودی ندارد و بلکه خود بر مشکلات می افزاید؛ همان طور که امروزه شاهد بحران های بزرگ اخلاقی و معنوی و اجتماعی در کشورهایی هستیم که روزگاری ادعای رشد و پیشرفت داشتند، ولی در برابر خدا سر تسلیم فرود نیاوردند و اکنون گرفتار هزاران مشکل لاینحل فردی و اجتماعی شده اند و راهی جز ایمان به خدا و عمل به دستورهای خدای حکیم و دانای کل ندارند. به تعبیر استاد شهید مطهری:

مسئله مهم اجتماع بشر در امروز این است که بشر به تعبیر قرآن خود را فراموش کرده است، هم خود را فراموش کرده و هم خدای خود را. ... و به همین علت اعلامیه جهانی حقوق بشر بیش از همه و پیش از همه از طرف خود غرب نقض شده است. فلسفه ای که غرب عملاً در زندگی طی می کند، راهی جز شکست اعلامیه جهانی حقوق بشر باقی نمی گذارد. (۱)

ص: ۲۵۹

۱- نظام حقوق زن در اسلام، منتشره در مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹، ص ۱۵۲-۱۵۳. منظور استاد، اشاره به این آیه کریمه است: "وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ" حشر / ۱۹. (و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند.)

بعد از پیروزی شکفت انگیز انقلاب اسلامی ایران و آشکارتر شدن نقش و ارزش دینداری و ناتوانی و نارسایی تمدن و فرهنگ مادی، دوره بازگشت به خدا و دین و معنویت در غرب آغاز شده است (۱).

و همان کسانی که مغرورانه و جاهلانه پنداشته بودند "خدا مرده است!" و در فضای ذهنی و عملی و اجتماعی دنیای معاصر نقشی ندارد، بعد از چند صباحی اعلام و اعتراف کردند که "خدا دارد بر می گردد." (۲) و باور به خدا بار دیگر در حال شکفتن است. به طور مثال؛ فیزیکدانان که روزگاری خجالت می کشیدند خود را دیندار معرفی کنند، اکنون با افتخار نام خدا را می برند و ایمانشان را ابراز می کنند و این، یک نقطه عطف است. به این ترتیب، دانشمندان ژرف اندیش کم کم می خواهند دریابند که هیچ امیدی به سلامت، امنیت، آرامش و سعادت انسان نیست مگر آنکه خدای حکیم و زندگی اخروی را بشناسیم و باور کنیم و خاضعانه قانون های الهی اسلام را یکایک در زندگی فردی و اجتماعی جامه عمل بپوشانیم. آری، نسخه های مادی و غربی راه رسیدن به آرامش و رستگاری نیست و فقط عبادت خالصانه خدای کریم و تسلیم در برابر قوانین دین مبین اسلام است که ما را به کعبه مقصود می رساند.

ص: ۲۶۰

۱- ر.ک.: "علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم"، دکتر مهدی گلشنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۵ش.، ص ۱۹-۴۹.

۲- همان، ص ۴۴.

- ۱- قرآن کریم از چه رسانه هایی برای هدایت مردم بهره گرفته است؟ با مثال روشن بفرمایید.
- ۲- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت نبوت: از چه ابزارهایی برای تبلیغ اسلام استفاده کردند؟
- ۳- برای پیش گیری از جرم باید از چه رسانه هایی استفاده کنیم؟ چرا؟
- ۴- کدام رسانه در جهت پیش گیری از جرم جذّاب تر و تأثیرگذارتر است؟ چگونه؟
- ۵- مدیران و کارشناسان رسانه ها چه وظایفی در جهت پیش گیری از جرم بر عهده دارند؟ توضیح بفرمایید.
- ۶- چگونه می توان با رسانه های فسادانگیز و مجرم مقابله کرد؟ توضیح بفرمایید.

۷- بحران اصلی در دنیای معاصر چیست و راه حلّ کدام است؟ توضیح بفرمایید.

ص: ۲۶۲

- ۱- پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی و همکاران.
- ۲- مبانی تبلیغ، محمد حسن زورق، انتشارات سروش.
- ۳- تبلیغ در قرآن، حجّت الاسلام محسن قرائتی.
- ۴- غرب شناسی، حجّت الاسلام دکتر سید احمد رهنمایی.
- ۵- سیمای تمدن غرب، حجّت الاسلام سید مجتبی موسوی لاری .

۱. اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، به همت محمد حسین اسکندری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چ اول، ۱۳۷۶ش. (۳ج در یک مجلد)
۲. آداب الصلاه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ش.
۳. بر درگاه دوست، محمد تقی مصباح یزدی، به همت عباس قاسمیان، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۴. بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، الشیخ محمد تقی التستری (الشوشتری)، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۵. بیست گفتار، استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۶. تحریر الوسیله، امام خمینی (رحمه الله).
۷. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری.

۸. تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چ یازدهم ۱۳۶۷ش.
۹. جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چ هفتم ۱۳۶۷ش.
۱۰. جامع السعادات؛ ملا محمد مهدی نراقی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چ چهارم، بیروت (۳ ج)
۱۱. جهاد اکبر، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.
۱۲. چهل حدیث، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم، ۱۳۷۸ش.
۱۳. حکمت اصول سیاسی اسلام، محمد تقی جعفری.
۱۴. حکمت ها و اندرزها، شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چ اول ۱۳۷۲ش.
۱۵. حماسه حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۱۶. خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، محمد رضا سالاری فر، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم ۱۳۸۶ش.
۱۷. در جستجوی عرفان اسلامی، محمد تقی مصباح یزدی، به همت محمد مهدی نادری قمی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۸. ده گفتار، استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۱۹. رساله نوین، نگارش، ترجمه و توضیح عبدالکریم بی آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهاردهم ۱۳۶۷ش.
(۴ جلد در یک مجلد)

۲۰. سزالصلاه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ششم، ۱۳۷۸ش
۲۱. سیری در نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری انتشارات صدرا.
۲۲. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۸ش.
۲۳. شرح مناجات شعبانیه، محمد محمدی گیلانی، نشر سایه، چ اول، تهران ۱۳۷۳ش.
۲۴. الصحیفه السجادیه، امام سجاد(علیه السلام)، دفتر نشر الهادی، چ اول، ۱۳۷۶ش
۲۵. علل گرایش به مادی گری، شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۲۶. علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم، دکتر مهدی گلشنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۵ش.
۲۷. لقاء الهی، محمد تقی مصباح یزدی، به همت کریم سبحانی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چ اول، ۱۳۸۶ش.
۲۸. مسئله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. المصباح المنیر، علی مشکینی، دفتر نشر الهادی، چاپ دوم، ۱۳۷۰ش.
۳۰. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، انتشارات هجرت، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ش.
۳۱. مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، چاپ دار الأضواء، چ اول، بیروت، ۱۴۰۵ هجری
۳۲. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۳۳. نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.

۳۴. نقد و تفسیر و تحلیل مثنوی، محمد تقی جعفری.

۳۵. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، محمد رضا مهدوی کنی، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ هفتم، ۱۳۷۶ش.

۳۶. نهج البلاغه، امام امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، تدوین سید رضی.

۳۷. واجبات و محرمات، علی مشکینی، دفتر نشر الهادی، چ پنجم، ۱۳۷۷ش.

۳۸. یاد او، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چ اول، ش.

۳۹. یاد معاد، عبدالله جوادی آملی، انتشارات رجا، تهران ۱۳۶۹ش.

۴۰. یادداشت های استاد مطهری، استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.

ص: ۲۶۸

نرم افزارها

جامع تفاسیر نور

دانشنامه نبوی

دانشنامه علوی

نور الجنان

جامع الاحادیث

نور الولاية

نور السیره

تراث

تراجم کتابخانه فاضلین نراقیین

نور الحکمه

مثنوی معنوی

ص: ۲۶۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

